

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



موسسه آموزش عالی طلوع مهر

**پایان نامه کارشناسی ارشد**

**رشته فقه و حقوق خصوصی**

**موضوع**

**بررسی فقهی و حقوقی اشتغال زوجه در روابط زوجین**

**نگارنده**

**شیما محمد پور قره تپه**

**استاد راهنما**

**حجه الاسلام و المسلمین آقای دکتر سید علی علوی قزوینی**

**پاییز 97**

ب





### برگ اصالت و مالکیت اثر

اینجانب سید علی محمد میرزا... دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته... موسسه آموزش عالی طلوع مهر، پدیدآور پایان نامه با عنوان... با راهنمایی... بررسی تخلفات پژوهشی و همچنین «مصادیق تخلفات پژوهشی» مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۲۵ اسفند ۱۳۹۳): این پایان نامه دستاورد پژوهش این جانب و محتوای آن از درستی و اصالت برخوردار است. حقوق معنوی همه کسانی را که در به دست آمدن نتایج اصلی پایان نامه تاثیر گذار بوده اند، رعایت کرده ام و هنگام کاربرد دستاورد پژوهش های دیگران در آن، با دقت و به درستی به آن ها استناد کرده ام. این پایان نامه و محتوای آن را تاکنون این جانب یا کس دیگری برای دریافت هیچگونه مدرک یا امتیازی در هیچ جا ارائه نکرده ایم.

همه حقوق مادی این پایان نامه از آن موسسه آموزش عالی طلوع مهر است و آثار برگرفته از آن با وابستگی سازمانی موسسه آموزش عالی طلوع مهر منتشر خواهد شد. در همه آثار برگرفته از این پایان نامه، نام استاد(ان) راهنما و اگر استاد راهنمای نخست تشخیص دهد، نام استاد(ان) مشاور و نشانی رایانامه سازمانی آنان را می آورم.

در همه گام های انجام این پایان نامه، هرگاه به اطلاعات شخصی افراد یا اطلاعات سازمان ها دسترسی داشته یا آن ها را به کار برده ام، رازداری و اخلاق پژوهش را رعایت کرده ام.

امضاء سید علی محمد میرزا

تاریخ

این گزارش و همه حقوق مادی و محصولات آن (مقاله ها، کتاب ها، پروانه های اختراع، برنامه های رایانه ای، نرم افزارها، تجهیزات ساخته شده و مانند آن ها) بر پایه «قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان» مصوب سال ۱۳۴۸ و اصلاحیه های بعدی آن و همچنین آیین نامه های اجرایی این قانون از آن موسسه آموزش عالی طلوع مهر است و هرگونه استفاده از همه یا پاره ای از آن شامل نقل قول، تکثیر، انتشار، کاربرد نتایج، تکمیل و مانند آن ها به صوت چاپی، الکترونیکی یا وسایل دیگر، تنها با اجازه نوشتاری موسسه آموزش عالی طلوع مهر شدنی است. نقل قول محدود در انتشارات علمی مانند کتاب و مقاله یا پایان نامه ها و رساله های دیگر با نوشتن اطلاعات کامل کتاب شناختی، نیازی به مجوز موسسه آموزش عالی طلوع مهر ندارد.



شماره: ۱۳۹۷/۱۱/۱

تاریخ:

پیوست:

شماره پیگیری

۲۸۰۶۶۶

بسمه تعالی

صورتحمله دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد ناپيوسته

با تأييد خداوند متعال و با عنايت به آئين نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد ناپيوسته جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد ناپيوسته خانم شيما محمدپورقره تپه ورودی نیمسال اول ۹۶ - ۹۵ با شماره دانشجویی ۹۵۱۷۱۲۱۴ در رشته فقه و حقوق خصوصی تحت عنوان: بررسی فقهی و حقوقی اشتغال زوجه در روابط زوجین با حضور استادان راهنما، داور (داوران) و نماینده تحصیلات تکمیلی در مؤسسه آموزش عالی طلوع مهر در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۱ تشکیل گردید.

نظریات داوران پس از استماع بیانات و نحوه ارایه نامبرده به شرح ذیل می باشد:

پایان نامه مورد قبول می باشد.

پایان نامه با اصلاحات مورد قبول می باشد.

پایان نامه مورد قبول نمی باشد.

نمره نهایی پایان نامه از ۲۰ به عدد: ۱۸،۵ به حروف: صد و هجده و پنج

تعداد واحد پایان نامه:

امضاء	مرتبه علمی	نام و نام خانوادگی	هیأت داوران
	استادیار	دکتر مرتضی محمدی	داور داخلی
	دانشیار	دکتر سیدعلی علوی قزوینی	استاد راهنما
		دکتر سیدمحمد امین زاده	داور داخلی

معاون آموزشی پژوهشی  
امضاء و تاریخ

واحد برادران:  
قم، پردیسان، بلوار دانشگاه، بلوار  
شهروند شمالی  
کد پستی: ۳۷۴۹۱-۱۳۳۶۲  
تلفن: ۰۲۵-۳۲۸۱۰۰۰۸

واحد خواهران:  
خیابان شهید فاطمی (دور شهر) نیش  
میدان رسالت  
کد پستی: ۳۷۱۱۷-۳۷۱۵۶  
تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۳۰۰۰۸

www.tolouemehr.ac.ir  
info@tolouemehr.ac.ir  
سندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۳۸۱۴  
فکس: ۰۲۱۸۹۷۸۹۱۳۹

به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» بسی شایسته است از استاد

فریخته و فرزانه جناب آقای حجه الاسلام و المسلمین دکتر علوی قزوینی که با

کرامتی چون خورشید، سرزمین

دل‌راروشنی بخشیدند و گلشن سرای علم و دانش را بار آسمانی‌های و مشاوره

های کارساز و سازنده بارور ساختند؛ تقدیر و تشکر نمایم...

## تقدیم به

پدر و مادر عزیز و کراتقدیرم و همسر مهربانم و برادر خوبم  
که در سختی ها و دشواری های زندگی، همواره یاری دلسوز و غذاکار  
و پشتیبانی محکم و مطمئن برایم بوده اند.

## چکیده:

«حق اشتغال زوجه» پس از انقلاب صنعتی و پیدایش کارخانه های نوین صنعتی در صدر مباحث سیاسی و اجتماعی قرار گرفت و نگرش های متفاوتی نسبت به این موضوع پدیدار گشت قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران در ماده ۱۱۱۷ با پیروی از نظام حقوقی اسلام برای زوجه حق اشتغال و برای زوج تحت شرایطی حق مخالفت با اشتغال زوجه را قایل شده است در مورد محدودیتهای حق اشتغال زوجه و حدود اختیارات زوج در ممانعت از شغل همسر ابهاماتی در قوانین وجود دارد که شایسته امعان نظر است نقش قوانین در کشورها بسیار تأثیرگذار و تعیین کننده میباشد که اگر با توجه به مقتضیات زمان و مکان و شرایط جامعه وضع گردد میتواند تا حدی موجب ارتقای کمی و کیفی کشور شود البته اکثر قوانین موضوعه بشری جامع و مانع نبوده و از ابهام اجمال تعارض و تنافی مصون و مبرا نمی باشد و قوانین موضوعه جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست در میان قوانین مبین حقوق و تکالیف زوجین نیز مواردی از ابهام اجمال نقص و سکوت دیده می شود از آن جمله مقررات مربوط به حق اشتغال زوجه و محدودیتهای آن است در این نوشتار سعی شده است مستندات فقهی - حقوقی جواز شرایط و محدودیت های اشتغال زنان و نگرش کلی اسلام در این باره مورد بررسی قرار گیرد اصل جواز اشتغال زنان مورد تأکید کتاب سنت و عقل است اما در کنار آن اذن شوهر به عنوان سرپرست خانواده رعایت شرایط عمومی حضور زن در جامعه و رعایت کرامت زن حیثیات زن و شوهر و مصالح خانواده از اهم شرایط جواز اشتغال زنان است نگرش کلی اسلام آن است که زنان به مشاغلی روی آورند که متناسب با وضعیت روحی و جسمی شان باشد. هدفمان در این تحقیق بررسی تحلیلی این موضوع که اشتغال زوجه در روابط زوجین در فقه حقوق و رویه قضایی ایران چگونه بوده و بررسی و تبیین روشنگرانه ی جنبه های گوناگون اشتغال زوجه در روابط زوجین در فقه حقوق و رویه قضایی ایران. روش تحقیق در این پایان نامه تحلیلی - توصیفی است. این پایان نامه در سه فصل تنظیم خواهد شد: فصل اول: کلیات (مفاهیم مبانی پیشینه تاریخی) فصل دوم: تبیین قلمرو فقهی و حقوقی اشتغال زوجه در روابط زوجین. فصل سوم: تحلیل راهکارهای لازم در زمینه اشتغال زوجه در روابط زوجین و در آخر بیان نتیجه و پیشنهادهایی در خصوص موضوع پایان نامه میباشد.

کلمات کلیدی: اشتغال، مصلحت خانواده، زوجه، روابط زوجین، قانون مدنی



## فهرست مطالب

### عنوان صفحه

مقدمه:	۱
الف- بیان مساله	۳
ب- اهمیت و ضرورت پژوهش	۴
ج- جنبه نوآوری موضوع	۵
د- اهداف پژوهش	۵
هـ- سوالات پژوهش	۶
و- فرضیه های پژوهش	۶
ز- پیش فرض های تحقیق	۷
ژ- روش انجام پژوهش	۷
ژ- سامان دهی پژوهش	۸
فصل اول: کلیات	۹
مبحث اول: مفاهیم	۱۰
گفتار اول: حق	۱۰
بند اول: حق در لغت	۱۰
بند دوم: حق در اصطلاح	۱۰
بند سوم: حق اشتغال در قانون	۱۰

- گفتار دوم: فقه ..... ۱۱
- گفتار سوم: تعدی و تفریط ..... ۱۱
- گفتار چهارم: قوه قاهره ..... ۱۱
- گفتار پنجم: اماره ..... ۱۲
- گفتار ششم: عقد نکاح ..... ۱۲
- مبحث دوم: مبانی نظری پژوهش ..... ۱۲
- گفتار اول: حق اشتغال زوجه ..... ۱۲
- بند اول: حق اشتغال زوجه در اسلام ..... ۱۲
- بند دوم: حق اشتغال زوجه در حقوق ایران ..... ۱۴
- بند سوم: حق اشتغال زوجه در اسناد بین المللی ..... ۱۵
- گفتار دوم: حق مالکیت زن ..... ۱۶
- بند اول: مسئولیت زن در تشدید مبانی خانواده ..... ۱۷
- بند دوم: ریاست خانواده ..... ۱۸
- گفتار سوم: محدودیت های اشتغال زن و حدود اختیارات شوهر ..... ۲۰
- بند اول: مشاغل منافی مصالح خانوادگی ..... ۲۱
- بند دوم: مشاغل منافی با حیثیت مرد و زن ..... ۲۲
- گفتار چهارم: شرط اشتغال حین عقد ازدواج ..... ۲۲
- بند اول: شرط بنایی بر اشتغال ..... ۲۲
- بند دوم: شرط تصریحی بر اشتغال ..... ۲۳
- بند سوم: قرارداد کار زوجه و تاثیرات حکم دادگاه بر آن: ..... ۲۴

- بند چهارم: تاثیرات حکم دادگاه بر قرارداد زوجه با شخص ثالث : ۲۷.....
- گفتار پنجم: حقوق و تکالیف مشترک بین زوجین..... ۲۷.....
- بند اول: حسن معاشرت ..... ۲۸.....
- الف: معاشرت به معروف در قانون ..... ۲۹.....
- ب: حسن معاشرت و معروف در نگاه فقیهان و مفسران ..... ۲۹.....
- بند دوم: قانون معاضدت در تشدید مبانی خانواده ..... ۳۱.....
- بند سوم: جایگاه تربیت فرزند ..... ۳۲.....
- بند چهارم: اهمیت و ارزش مصالح خانوادگی در مقابل مصالح فردی ..... ۳۳.....
- بند پنجم: تکالیف زوجه در برابر زوج ..... ۳۴.....
- الف: پذیرش ریاست شوهر ..... ۳۴.....
- ب: تمکین زن نسبت به مرد ..... ۳۶.....
- ج: تبعیت از مرد در محل اقامتگاه و مسکن ..... ۳۷.....
- د: تبعیت از مرد در خروج از منزل و ورود دیگران به منزل ..... ۳۸.....
- ه: تبعیت از مرد در اصل شاغل بودن و نوع شغل ..... ۳۹.....
- مبحث سوم: پیشینه تاریخی موضوع ..... ۴۰.....
- فصل دوم: تبیین قلمرو فقهی و حقوقی اشتغال زوجه در روابط زوجین ..... ۴۳.....
- گفتار اول : حق اشتغال در قانون مدنی و اساسی ..... ۴۴.....
- گفتار دوم : اشتغال زوجه در دوران زناشویی ..... ۴۶.....
- گفتار سوم: مصالح خانواده و امکان ممانعت از اشتغال زوجه ..... ۵۰.....
- بند دوم: تنافی شغل زوجه با حیثیات زوجین ..... ۵۲.....

- مبحث سوم : ضوابط ..... ۵۶
- گفتار اول : ضابطه تشخیص ..... ۵۶
- گفتار دوم: ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی و تحلیل حقوقی آن ..... ۵۶
- بند اول: لزوم تایید دادگاه ..... ۵۷
- بند دوم: تفاوت بین نفقه پرداختی زوج و زوجه: ..... ۵۸
- گفتار سوم: اجازه شوهر و نقش ان در اشتغال زوجه : ..... ۶۰
- گفتار چهارم: مخالفت زوج با اشتغال زوجه و آثار آن: ..... ۶۰
- بند اول : ابطال تعهدات زوجه نسبت به شخص ثالث ..... ۶۰
- بند دوم : لزوم جبران خسارت کارفرما ..... ۶۱
- بند سوم: لزوم جبران خسارت زوجه ..... ۶۳
- فصل سوم: تحلیل راهکارهای لازم در زمینه اشتغال زوجه در روابط زوجین ..... ۶۵
- مبحث اول: تبیین وضعیت مطلوب اشتغال زنان و ضوابط کلی حاکم بر آن ..... ۶۶
- گفتار اول: تعارضات شغل زن ..... ۶۶
- بند اول: عدم تعارض شغل زن با نقش های اختصاصی همسری ..... ۶۶
- بند دوم: عدم تعارض شغل زن با وظیفه مادری ..... ۶۸
- بند سوم: تناسب شغل با ویژگی های زنانگی ..... ۶۹
- بند چهارم: رعایت حجاب عفاف و عدم اختلاط ..... ۶۹
- بند پنجم: الگوی مطلوب اشتغال زنان از منظر اسلام ..... ۶۹
- مبحث دوم: دلایل جواز اشتغال زنان ..... ۷۰
- گفتار اول: قرآن کریم ..... ۷۱

۷۲	گفتار دوم: سنت
۷۳	گفتار سوم: عقل
۷۳	گفتار چهارم: قوانین موضوعه و حق کار زنان
۷۴	مبحث سوم: بررسی آثار ایجابی و سلبی شرایط کنونی اشتغال زنان
۷۵	گفتار اول: آثار ایجابی و مثبت اشتغال زنان
۷۶	گفتار دوم: آثار سلبی و منفی اشتغال زنان
۸۰	گفتار سوم: آسیب شناسی اشتغال زنان و تاثیر آن بر پیشرفت فرهنگی
۸۳	گفتار چهارم: ابعاد دو سویه حقوق و تکالیف زوجین در نظام خانواده
۸۳	گفتار پنجم: حقوق مالی و غیر مالی زوجین و تناسب حق و تکلیف بین آنها
۸۴	مبحث چهارم: نگرش کلی اسلام به کار زنان
۸۶	مبحث چهارم: تدابیر قانونی و حمایت از زنان در حین طلاق
۸۷	گفتار اول: عده
۸۸	گفتار دوم: رجوع
۸۸	گفتار سوم: ارث
۹۱	نتیجه :
۹۳	پیشنهادها
۹۴	منابع

## مقدمه:

حق اشتغال، بر اساس دین مبین اسلام به عنوان یک حق برای همه اشخاص پذیرفته شده است و در قانون اساسی به این حق و حقوق مساوی در بسیاری از اصول تاکید شده است همچون، بند 9، 12، 14 از اصل سوم که به رفع تبعیض ناروا میان افراد جامعه و فراهم کردن شرایط و امکانات عادلانه برای افراد توسط دولت و رفع محرومیت در همه زمینه ها از جمله اشتغال و تامین حقوق همه افراد جامعه اشاره کرده است، و همچنین اصل 20 و 28 قانون اساسی همه افراد ملت را به طور یکسان مورد حمایت قرار داده است و همه افراد می توانند از همه حقوق انسانی مثل: حق سیاسی، فرهنگی، و... برخوردار شوند که این حقوق ها باید در چارچوب موازین اسلامی باشد و همه افراد حق دارند هر شغلی را که تمایل بیشتری نسبت به دیگر شغل ها دارند انتخاب کنند پس با بیان این اوصاف از اصول یاد شده مشخص می شود که منعی بر اشتغال افراد بیان نشده است.

حال در باب اشتغال زوجه، قانون مدنی طبق ماده 1117 به زوج اختیار داده است که: "شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند." که این ماده بیانگر آن است که شغل زوجه باید مرتبط و منطبق با مصالح خانواده و حیثیت زوجین باشد که اعمال و اجرای این ماده ضرر شدید زوجه را به همراه دارد.

زمانی که زنان وظایفی را در خانه و بیرون از منزل در اجتماع ایفاء می کنند در اکثر مواقع بین انجام دادن این وظایف و نقش ها تفاوت و مغایرت پیش می آید یعنی اشتغال زنان باعث می شود که زن از محیط خانواده و زندگی فاصله بگیرد و همین امر در غرب باعث به وجود آمدن پیامدهای نامطلوبی مانند کم رنگ شدن پیوند عاطفی و از هم پاشیدگی خانواده ها و سوء تربیت فرزندان در خانواده می باشد. اما جوامع اسلامی توانسته اند با توجه به ارزش های اخلاقی تا حدودی جلوی این پیامدهای نامطلوب و مخرب را بگیرند و به خاطر همین امر، می بایست به تبیین مقررات فقهی و حقوقی و اخلاقی پردازیم در غیر این صورت احتمال آن بسیار است که به سرنوشت غرب گرفتار شویم.

قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، به زوج حق داده است در صورت اینکه شغل زوجه را منافی با حیثیت خود یا همسر خود یا مصالح خانواده بنابر قانون از دادگاه درخواست منع اشتغال زوجه را نماید در اجرای این ماده

رویه به گونه ای است که موجب اضرار زوجه می گردد و با توجه به وسعت تفسیر کلمات حیثیت و مصلحت خانواده، زوج می تواند حتی در صورت وجود شرط ضمن عقد مبنی بر اشتغال زوجه از این اشتغال منع نماید و در نتیجه دادگاه رابطه استخدامی بین زوجه و ثالث را قطع کرده و تمامی خسارات بر عهده زوجه می گردد

در این نوشتار تفسیر این ماده در دکترین و رویه قضایی در وضعیت های مختلف بین زوجین حین عقد نکاح از جهت اشتراط یا عدم اشتراط اشتغال زوجه رویکرد رویه قضایی در چنین دادخواست هایی از نظر تفسیر قیود وارد بر حق اشتغال زوجه و اعتبار بخشی به شرط ضمن عقد نکاح یا عقد خارج لازم دیگر مبنی بر اشتغال زوجه نوع حکم دادگاه از نظر اعلامی یا اجرایی بودن و تاثیر آن بر قرارداد کار زوجه بررسی می شود همچنین نظریات مختلف در خصوص جبران خسارت ناشی از قرارداد کار زوجه با ثالث بحث و راه کارهایی در جهت اجرای ماده 1117 قانون مدنی می شود.

## الف- بیان مساله

بنابر قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، زوج می‌تواند در صورت اشتغال زوجه به شغلی که با حیثیت زوج یا مصالح خانواده منافات داشته باشد زوج می‌تواند از طریق دادگاه منع اشتغال زوجه را درخواست دهد اجرای این قانون به گونه ای است که موجب اضرار زوجه می‌گردد. با توجه به تفسیرهای ممکن از کلمات حیثیت و مصلحت خانواده زوج می‌تواند حتی در صورت شرط ضمن عقد بر اشتغال زوجه باز هم زوجه را از اینگونه مشاغل منع کند و زوج نمی‌تواند با اشخاص ثالث قرارداد استخدامی داشته باشد که در نتیجه چنین رویه ای موجب می‌گردد تمامی ضرر و زیان ها متوجه زوجه باشد.

حق اشتغال برای زنان هم در اسلام و هم در قانون جمهوری اسلامی ایران محترم شمرده است باید توجه داشت که در اصل 28 قانون اساسی (هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید) با توجه به استفاده کلمه "هرکس" بیان کرده است که بین افراد جامعه هیچگونه فرقی در اشتغال نمی باشد خواه مرد باشد یا زن، خواه مجرد باشد یا متأهل، خواه زوج باشد یا زوجه و در همین قانون دولت مکلف شده است که شرایط اشتغال و زمینه ان را برای تمامی افراد جامعه ایجاد نماید و همچنین در قانون کار نیز حقوق زنان کارگر را بیان نموده اند و این خود نشان دهنده مسلم بودن حق اشتغال زوجه است.

قابل به بیان است عقد نکاح دارای دو موع اثر می باشد، یکی اثار مالی و دیگری غیر مالی می باشد که یکی از اثار غیرمالی ان بنابر ماده 1117 قانون مدنی این است که در صورت منافات داشتن اشتغال زوجه با حیثیت زن و شوهر می توان به وسیله اثر غیر مالی عقد نکاح از ان شغل منع نمود<sup>1</sup>

در اسلام یکی از مسائل اساسی در انتخاب کردن شغل، تناسب داشتن شرایط شغل با شخص شاغل و حفظ مصلحت جامعه و خانواده می باشد و بنابر ایه 34 سوره نساء خانواده دارای اهمیت فراوانی می باشد و به عنوان نهادی مقدس مورد توجه ، مودت و رحمت خداوند متعال می باشد و با توجه به این اهمیت مقرراتی برای خانواده در نظر گرفته شده است و سرپرستی واحدی برای ان مقرر گردیده است.

---

1. محمدی گیلانی 71-1390



با توجه به ماده 1117 قانون مدنی (شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند) اشتغال زنان را مشروط به اجازه داشتن از همسر دانسته است، لازم به ذکر است با توجه به تصویب قانون حمایت از خانواده در سال 1346 برای زوج محدودیتی در این زمینه ایجاد گردید که شوهر بدون اجازه دادگاه نمیتواند همسر خود را از اشتغال به کاری که بامصالح خانواده یا حیثیت زوج یا زوج منافات داشته باشد منع کند و تنها دادگاه می تواند تشخیص دهد که این شغل آیا منافاتی با مصالح خانواده یا حیثیت زن و شوهر دارد یا خیر؟ دادرسی در این زمینه به عرف مراجعه می کند و می توان گفت در عرف کاری که موجب شود زوج نتواند از فرزندان خود نگهداری کند و تربیت فرزندان با اختلال مواجه شود و موجب نامنظمی در وضع خانواده گردد مخالف با مصالح خانوادگی می باشد و در صورتی که شوهر دارای شغلی با اهمیت و مهم باشد همانند وکیل یا وزیر، همسر او نمی تواند شغل گل فروشی در خیابان را انتخاب کند، زیرا این شغل زوج با حیثیت زوج منافات دارد.

## ب- اهمیت و ضرورت پژوهش

برابر اصل 28 قانون اساسی: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید» این اصل با تعبیر «هر کس» حکم عامی را بیان نموده و بین زن (اعم از زوج یا غیر آن) و مرد فرقی قایل نشده است این اصل دولت را موظف می کند زمینه اشتغال را برای «همه افراد» با شرایط برابر ایجاد نماید در قانون مدنی نیز به مسأله اشتغال زنان اشاره شده است

در ماده 1117 قانون مدنی آمده است: «شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند» زن نیز می تواند از دادگاه چنین تقاضایی را بنماید؛ دادگاه در صورتی که اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود مرد را از اشتغال به شغل مذکور منع می کند» صدر این ماده راجع به حق زوج در ممانعت از شغل زن و ذیل آن مربوط به حق زوج در ممانعت از شغل مرد است مطابق این قانون محدودیت های شغلی زوجین یکسان است اگرچه تفاوت خاصی نیز وجود دارد که در ادامه بیان می شود در واقع این ماده به زوج حق داده از اشتغال زوج در شرایطی جلوگیری نماید بدین مفهوم که زوج در غیر شرایط مذکور حق ممانعت از اشتغال زوج را ندارد لذا از ماده 1117 قانون مدنی معلوم می شود که زوج حق اشتغال دارد و زوج هم در شرایطی حق دارد با شغل زوج ممانعت نماید دین مبین اسلام بر حق اشتغال زن تاکید نموده و در این خصوص بر سایر مکاتب سبقت گرفته است یکی از دلالتی که بر جواز اشتغال زوج دلالت می کند آیه ذیل

می‌باشد: «<sup>۲</sup> نساء 32)؛ برای مردان از آنچه (به اختیار) کسب کرده‌اند بهره‌ای است و برای زنان (نیز) از آنچه (به اختیار) کسب کرده‌اند بهره‌ای است

مشهور فقهای امامیه معتقدند: رضایت شوهر در هنگام خروج از منزل لازم است شهید ثانی در این باره می‌نویسد: «و منه عدم الخروج من منزله بغير اذنه و لو إلى بيت اهلها حتى عیاده مرضاهم و حضور میتهم و تعزیتهم» از حقوق شوهر بر زن این است که بدون اجازه از منزلش خارج نشود اگر چه نزد خانواده‌اش برود و حتی اگر بخواهد به عیادت بیماران از خانواده خود برود یا در تشییع جنازه آنان حاضر شده و برای تسلیت‌گویی آنان برود این تعبیر در منابع زیادی موجود است مطابق نظر مشهور فقها خروج زن بدون اجازه از منزل شوهر در هر حال نشوز محسوب می‌شود مبنای نظریه مشهور روایاتی است که بعضی از فقهای امامیه در سند برخی از این روایات و دلالت بعضی دیگر بر مدعا تردید کرده‌اند با توجه به این که زن به عنوان موجودی اجتماعی می‌باشد که پا به پای مرد در اجتماع فعالیت نموده و در عین حال در کانون خانوادگی خویش نیز عهده دار مسئولیت‌های مهم می‌باشد لذا بررسی عوامل مرتبط با وضعیت اشتغال او و تأثیر آن بر روابط خانوادگی و تحت الشعاع قراردادن حقوق شوهر بالاخص تربیت فرزندان حائز اهمیت خواهد بود به هر حال در این پژوهش سعی خواهد شد اشتغال زوجه در روابط زوجین از منظر فقهی و حقوقی مورد مطالعه قرار گرفته و نیز با چاره‌اندیشی در این زمینه فرصتی را برای یافتن شیوه‌های نوین در خصوص بهره‌گیری مفید و مناسب از این امر در حقوق کیفری کشورمان مهیا کرده و به رشد و شکوفایی هرچه بیشتر آن کمک نماییم.

## ج- جنبه نوآوری موضوع

باید گفت تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده در گذشته مربوط به قوانین و مقرراتی بوده است که اشتغال زوجه و برخی از احکام آن را بیان کرده است فلذا بر آن شدیم که موضوع اشتغال زوجه را هم از لحاظ حقوق و هم از لحاظ فقه مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم.

## د- اهداف پژوهش

1) بررسی تحلیلی این موضوع که اشتغال زوجه در روابط زوجین در فقه حقوق و رویه قضایی ایران چگونه بوده و در این راستا وظایف صاحب‌نظران و اندیشمندان و عواملین ذیربط در سطح داخلی در جهت رفع کاستی

---

<sup>2</sup>. للرجال نصيب مما اكتسبوا وللنساء نصيب مما اكتسبن

ها و خلاهای قانونی موجود در این زمینه چه می تواند باشد ما را بر آن داشت تا به نحو مقتضی راه حل های عملی مطروحه در این زمینه را در جهت توسعه کشورها ارائه و مورد بررسی قرار دهیم

2) بررسی و تبیین روشنگرانه ی جنبه های گوناگون اشتغال زوجه در روابط زوجین در فقه حقوق و رویه قضایی ایران و ترکیه و حل مسائل و مجهولات و چشم اندازهای این موضوع در حد توان و بضاعت علمی محقق از طریق بیان نظریات مختلف علما و حقوقدانان و تطبیق موارد بحث با یافته های حقوقی

3) ارائه ی مباحثی چند در خصوص موضوع مورد تحقیق جهت مطالعه و دسترسی آسان دانشجویان و موسسات آموزشی و شناساندن و دقت در جایگاه اشتغال زوجه در روابط زوجین حق اشتغال زوجه در اسلام حق اشتغال زوجه در قوانین محدودیت های اشتغال زوجه حدود مخالفت زوج با شغل زوجه آثار مخالفت زوج و مواردی از این قبیل و تطبیق آنها با موضوع پژوهش و رفع ابهامات و خلاء های قانونی موجود

## هـ - سوالات پژوهش

### سوال اصلی

اشتغال زوجه و تأثیر آن در روابط زوجین در فقه و حقوق ایران چگونه است؟

### سوال های فرعی

1- اشتغال زوجه و اختیار زوج در ایجاد محدودیت برای حفظ اساس خانواده در فقه و حقوق ایران چگونه می باشد؟

2- از جمله مهمترین مزایا و معایب اشتغال زوجه در تاثیر گذاری بر روابط زوجین چیست؟

## و- فرضیه های پژوهش

### فرضیه اصلی:

حق اشتغال زنان هم در اسلام و هم در قانون اساسی و قوانین عادی برای زنان محترم شمرده شده است؛ همچنین در اسلام اشتغال زنان به عنوان یک حق به رسمیت شناخته شده و در کنار آن به حیثیت و شخصیت زنان نیز توجه شده است

## فرضیه های فرعی:

1- بسیاری از حقوقی که در چارچوب خانواده برای یکی از طرفین قرار داده شده در حقیقت از حقوق نهاد خانواده است نه از حقوق فردی زوجین استقلال مالی زنان با حق کار ارتباط تنگاتنگ دارد؛ زیرا اگر حق کار زنان به رسمیت شناخته شود اما استقلال مالی از آنان گرفته شود نتیجه ی کار زنان عاید خود آنان نخواهد شد و زنان مالک دست رنج خود نخواهند بود

2- نقش قوانین در جامعه بسیار تاثیرگذار و تعیین کننده می باشد و اگر با توجه به مقتضیات زمان و شرایط جامعه وضع شود باعث ارتقای کشور می باشد هر چند هر قانونی بدون نقض و اشکال نیست در میان قوانین حقوق و تکالیف زوجین در بعضی موارد دارای ابهام و یا سکوت است که یکی از آنها مربوط به حق اشتغال زوجه است و محدودیت های آن

## ر- پیش فرض های تحقیق

1- اسلام بین زوج و زوجه در حق اشتغال فرقی قائل نشده است.

2- اسلام مخالف اختلاط زن و مرد می باشد.

## ز- روش انجام پژوهش

روش تحقیق در این پایان نامه تحلیلی - توصیفی است در گام نخست منابع تحقیق شناسایی و جمع آوری و بایگانی و دسته بندی می شود سپس مطالعات لازم در منابع تحقیق اعم از کتب فارسی و خارجی مقالاتی که در نشریات داخلی و خارجی منتشر شده و نیز هرگونه منابع دیگر از جمله اطلاعات منتشره در صفحات دیجیتالی و اینترنتی انجام و از طریق فیش برداری اطلاعات لازم استخراج می شود و سر انجام با استفاده از اطلاعات گردآوری شده موضوع توصیف و تحلیل و نتیجه گیری خواهد شد

## ژ- سامان دهی پژوهش

در این پایان نامه مطالب را در 3 فصل بیان میکنیم به این علت که در ابتدا برای آشنایی با اصطلاحات مورد نیاز به بیان این اصطلاحات پرداخته تا با آن آشنایی پیدا کنیم سپس در فصل دوم قلمرو فقهی و حقوقی اشتغال زوجه را بیان میکنیم و بررسی میکنیم که از لحاظ فقه و حقوق این اشتغال زوجه چه تاثیری در روابط زوجین دارد؟ و در پایان راهکارهای لازم در این زمینه را بیان میکنیم.

فصل اول : کلیات (مفاهیم مبانی پیشینه تاریخی)

فصل دوم : تبیین قلمرو فقهی و حقوقی اشتغال زوجه در روابط زوجین

فصل سوم : تحلیل راهکارهای لازم در زمینه اشتغال زوجه در روابط زوجین و در آخر بیان نتیجه و پیشنهادهایی در خصوص موضوع پایان نامه میباشد .

## فصل اول:

### کلیات تحقیق (مفاهیم مبانی و پیشینه تاریخی)

## مبحث اول: مفاهیم

ذیلاً به مهمترین مفاهیم مربوط به این بند اشاره می گردد:

### گفتار اول: حق

#### بند اول: حق در لغت

حق در لغت به معنی راست کردن سخن ، درست کردن وعده ، یقین نمودن ، ثابت شدن ، می باشد.<sup>۳</sup>

#### بند دوم: حق در اصطلاح

حق در اصطلاح سلطه و اختیاری است که حقوق هرکشور به منظور حفظ منافع اشخاص به آنها می دهد.<sup>۴</sup>

#### بند سوم: حق اشتغال در قانون

طبق اصل 28 قانون اساسی : هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح و حقوق دیگران نیست برگزیند دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید

و بنابر ماده 1117 قانون مدنی :شوهر میتواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند.

---

۳. لغت نامه دهخدا، کلمه حق

۴. کاتوزیان ، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران ، شرکت سهامی انتشار، ص 249.

## گفتار دوم: فقه

فقه را می توان بدین گونه بیان کرد که: دانش به دست آوردن احکام شرعی اسلامی فرعی، با روش های معینی از منابع فقه است.<sup>5</sup>

هدف مشخص تعریف شده است که شریعت را کشف کند هر دانشی نیز موضوع مسائل مبادی ابزار و هدف مشخص دارد و در اصطلاح به معنای علمی که به وسیله آن احکام شرعی را از ادله تفصیلی بدست می آوریم و دلایل تفصیلی از نظر بیشتر علمای شیعه عبارتند از قرآن، سنت، اجماع و عقل.<sup>6</sup>

## گفتار سوم: تعدی و تفریط

به موجب ماده 951 قانون مدنی «تعدی تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری و در ماده 952 همان قانون «تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است»

## گفتار چهارم: قوه قاهره

قوه قاهره از ترکیب دو کلمه «قوه» به معنای قدرت و نیرو و توانایی و «قاهره» به معنای چیره شونده تشکیل شده است و عبارت است از: «آنچه که قابل پیش بینی نبوده و قابل اجتناب نیز نباشد و متعهد را در حالت عدم قدرت بر اجرای تعهد خویش قرار دهد و یا موجب معافیت کسی که به علت عدم توانایی خارجی به متعهد له خود یا متضرر دیگری ضرر وارد کرده است گردد مانند حریق که بدون عمد و تخطی صاحب کارخانه در کارخانه اتفاق افتد و در نتیجه او نتواند سفارشات را که قبول کرده به انجام رساند و این اصطلاح و اصطلاح حادثه غیر مترقبه در قوانین فرانسه و در آثار غالب حقوقدانان آن مرز و بوم به طور مترادف استفاده می شود»

---

5. مشکینی، اصلاحات الاصول و معظم ابحاثها، ج 1، ص 180.

6. شب خیز، اصول فقه دانشگاهی، چاپ اول.



## گفتار پنجم: اماره

اماره در لغت به معنای نشانه و علامت آمده است در اصطلاح حقوقی «اماره عبارت از اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می‌شود» (ماده 1321 قانون مدنی) از ماده یادشده معلوم می‌گردد که اماره عبارت از امر طبیعی است در خارج که به وسیله‌ی آن امر مجهولی ثابت می‌شود آن امر معلوم اوضاع و احوال خاصی است که دادرس را به امری راهنمایی می‌نماید که وجود آن مورد ادعا است و بدون راهنمایی اوضاع و احوال آن امر مجهول می‌باشد.

## گفتار ششم: عقد نکاح

عبارت است از رابطه حقوقی که بوسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌گردد و به آنها حق می‌دهد که از یکدیگر تمتع جنسی ببرند قانون مدنی ایران دو نوع نکاح شناخته‌است؛ یکی دائم و دیگری منقطع که هر کدام دارای وضعیت حقوقی مختلفو شرایط و احکام متفاوت هستند و بوسیله اسباب مختص به خود منحل می‌گردند.

## مبحث دوم: مبانی نظری پژوهش

در این مبحث به بیان حقوق اشتغال زوجه در اسلام و قانون می‌پردازیم.

## گفتار اول: حق اشتغال زوجه

حق اشتغال زوجه در نظام حقوق اسلام و به تبع پیروی قوانین از منابع اسلامی در حقوق ایران مورد تأیید و توجه است در ادامه حق اشتغال زوجه در اسلام و حقوق ایران بررسی می‌شود قبل از طرح مباحث مذکور شایسته است که موضوع اشتغال زن در اسناد بین المللی نیز تجزیه و تحلیل شود.

## بند اول: حق اشتغال زوجه در اسلام

در اسلام آیات متعددی به حق مالکیت و توارث زن اشاره کرده و به این امر تاکید کرده است که در صورتی که زن شاغل باشد درآمد حاصل از آن شغل متعلق به خود اوست و نمی‌توان آن را متعلق به شخص دیگر

دانست(نساء/ 32) نمونه عملی این امر اشتغال به تجارت از سوی حضرت خدیجه همسر بزرگوار پیامبر اسلام(ص) و میزان دارایی وی بود همچنین بهره مندی زنان از ماترک خویشاوندان منتسب به زوج که مورد تأکید قرآن قرار گرفته است (نساء/7)

از معانی کسب و اکتساب برمی آید که اکتساب در موردی استعمال می شود که شخص مالی برای خود به دست آورد و کسب در جایی به کار میرود که شخص برای خود و دیگری چیزی به دست میآورد و اصل معنای کسب کردن جمع کردن است<sup>۷</sup> در آیه ذکرشده حلال بودن اکتساب برای زنان یعنی تحصیل درآمد مفروض گرفته شده است از صراحت در تفکیک زن و مرد در آیه عدم انحصار مالکیت و کسب و کار به مردان استنباط می شود

قرآن در آیات متعددی مردان و زنان را به کسب و کار تشویق کرده است مانند: (جمعه/ 10) و دعوت به آبادانی (هود / 61) و بهره برداری از منافع زمین (ملک / 15) برخی از نمونه های حضور و تلاش زنان به کار و تلاش اقتصادی را بیان کرده است (قصص/ 23-26) حضور زنان در صحنه های سیاسی مانند بیعت (ممتحنه/ 12) و همچنین هجرت (ممتحنه/ 10) و حتی جهاد در اسلام از امور بدیهی است صرف نظر از آثار مثبت اشتغال زنان از قبیل بهره مندی از توان و تخصص زنان افزایش ظاهری رفاه و تأمین نیاز اقتصادی خانواده و آثار منفی آن مانند کاهش ارتباط با اعضای خانواده بروز مشکلات عاطفی برای فرزندان خستگی ناشی از کار مضاعف خانه و محل کار نارضایتی شوهر<sup>۸</sup> ضرورت اشتغال زنان در برخی از مشاغل از قبیل امور آموزشی و درمانی بخش زنان و مشارکت زنان در امور اقتصادی خانواده را نمی توان نادیده گرفت معنای عبارت کسب در آیه 32 سوره مبارکه نساء را برخی طلب رزق<sup>۹</sup> و دیگران تحصیل فایده دانسته اند<sup>۱۰</sup> در باب معنای کلی آیه به رغم احتمال به اکتساب اجر یا عقاب اخروی و میراث دنیوی مشهور نظر به اکتساب درآمدهای کشاورزی و تجارت و دسترنج بشر از مشاغل مختلف داده اند<sup>۱۱</sup> بنابراین در آزادی

7. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی التفسیر القرآن، ج 4، 174

8. روشن فر، مرضیه، اشتغال و مالکیت زن، ص 76

9. حسینی جوهری، خزائن الاشعار، ص 212.

10. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص 430.

11. رازی، مفاتیح الغیب، ص 22.

اشتغال زنان به کار و تلاش و تجارت و اختصاص دسترنج زنان به خودشان به صورت مستقل از شوهر و خانواده تردیدی وجود ندارد

### **بند دوم: حق اشتغال زوجه در حقوق ایران**

هر فردی اعم از زن و مرد می تواند طبق اصل 28 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شغل مورد علاقه خود را انتخاب کند به شرطی که با اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران مغایرت نداشته باشد و در غیر این صورت نمی توان ان شغل را برای خود انتخاب کند ، علاوه بر این اصل در بندهای دوم ، چهارم ، هفتم اصل 43 قانون اساسی به موارد ذیل اشاره کرده است :

تامین شرایط و فراهم کردن امکانات کار برای همه افراد جامعه و ازادی انتخاب شغل و اجبار نداشتن افراد به کار معین ، با توجه به مواردی که ذکر کردیم از اصول یاد شده فهمیده می شود که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، تفاوتی بین زن و مرد بودن در اشتغال قائل نشده است و لازم به ذکر است که دولت ایران طبق اصل 21 قانون اساسی موظف شده است که حقوق زنان را در همه زمینه ها به ویژه در زمینه های ذیل رعایت کند:

1: ایجاد کردن زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیاء حقوق مادی و معنوی او

2: حمایت کردن از مادران مخصوصا در دوران بارداری و زایمان و حضانت فرزند

همچنین در مواد متعددی از قانون کار مانند، (ماده 38-75-76-77-78) به اشتغال و دست مزد مساوی و برابر زنان با مردان در قبال کار مساوی و ممنوعیت انجام کارهای سخت ، مرخصی های دوران بارداری ، زایمان اشاره کرده است ، فلذا زنان همانند مردان می توانند به مشاغل مختلف بپردازند و در قانون منعی از سوی قانونگذار برای اشتغال زنان وجود ندارد.<sup>12</sup>

و در خیلی از موارد از جمله مصوبات شورای عالی انقلاب و فرهنگی جلسه 546 مورخ 31 شهریور 1383 بر حقوق زنان به ویژه حق اشتغال تاکید شده است.

---

12. عراقی، دوره کامل حقوق کار، ج 1، ص 31

## بند سوم: حق اشتغال زوجه در اسناد بین المللی

فعالیت زنان از گذشته تا کنون در عرصه اقتصادی وجود داشته است و در نظام های طبقاتی در هر جامعه ای هر صنف و قشری می توانستند شغل خاصی را انتخاب کنند و در این زمینه مبارزاتی در خصوص آزادی شغل افراد (اعم از زن و مرد) صورت گرفت که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز، تجلی نمود.

بنابر ماده 23 اعلامیه جهانی حقوق بشر: هرکس حق دارد کار کند و کار خود را ازادانه انتخاب کند، و شرایط منصفانه در رضایت بخشی مورد توجه باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد و همه افراد می بایست بدون هیچگونه تبعیضی در برابر کار مساوی اجرت و دست مزد مساوی دریافت کنند.<sup>۱۳</sup>

بعد از انقلاب صنعتی که در اروپا رخ داد، این امر موجب شد زنان به سمت محیط های کارگری و کار در کارخانه ها کشیده شوند و در آن محیط ها مشغول به کار شوند و دلیل این رویداد ان بود که نیروی زن ارزان بود و همین دلیل باعث شد که کارفرمایان گرایش بیشتری به بکارگیری نیروی زن داشته باشند و از استخدام مردان که دست مزدشان بیشتر بود جلوگیری کنند.<sup>۱۴</sup>

و در حال حاضر بیش از 45 در صد جمعیت حقوق بگیران کشورهای اتحادیه اروپا را زنان تشکیل می دهند و در برخی از کشورها مانند: فنلاند، فرانسه، سوئد و... این رقم بیش از 50 در صد می باشد که حقوق زنان در این کشورها همچنان 20٪ کمتر از حقوق مردان می باشد.

و همچنین در قانون اساسی کشورهای غربی، در برخی از کشورها به طور ضمنی و در برخی دیگر به وضوح به اشتغال همه افراد جامعه (اعم از زن و مرد) پرداخته است که از جمله می توان به ماده 11 کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان اشاره کرد که اشتغال را به عنوان یک حق برای همه انسان ها می شناسد.<sup>۱۵</sup>

---

13. مدنی، جلال الدین (1369). حقوق اساسی و نهادهای اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص 85.

14. ویل دورانت، لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب، ص 151.

15. عظیم زاده اردبیلی، نگرشی بر سیر تاریخی و تطبیق حقوق زن در ایران، ص 248

## گفتار دوم: حق مالکیت زن

براساس ماده 958 قانون مدنی همه انسانها اعم از زن و مرد از حقوق مدنی متمتع می شوند یکی از انواع بدیهی حقوق مدنی حق مالکیت است بنابراین در صورت اشتغال زوجه وی نتیجه کار خود را تملک میکند با تردید در حق اشتغال زوجه می توان به ماده ذکر شده استناد کرد<sup>۱۶</sup> یکی دیگر از موارد مورد استناد حقوق دانان در جواز اشتغال زوجه ماده 1118 قانون مدنی است<sup>۱۷</sup> ماده ذکر شده درخصوص تصرف زن در اموال خود به طور مستقل ذکر شده است و به طور طبیعی چنانچه زن اموالی داشته باشد تصرف در اموال ذکر شده مستلزم اجازه از دیگری از جمله شوهر نیست.<sup>۱۸</sup> از جمله حقوق مالی زوجه مهریه نفقه اجرت المثل زن در کارهای خانه مزد شیردادن و نگهداری فرزند ارث دریافت و پذیرش هبه و درآمدهای حاصل از کار و فعالیت است چیزهایی که در اسلام با نزول آیات وحی به منزله منابع مالی بدیهی برای زنان حساب کرد قوانین کشورهای اروپایی در سالهای 1900 به بعد به آن پرداخته اند زنان در اروپا حتی مالک محصول کار خودشان نبودند آلمانی ها در سال 1900 سوئیس ها در 1907 و ایتالیایی ها در سال 1919 قانون مالکیت زرا به تصویب رساندند.<sup>۱۹</sup> از منابع مالی ذکر شده روشن است که زن حتی در صورت اشتغال نداشتن به کار نیز از منابع مالی برخوردار است<sup>۲۰</sup> و میتواند در اموال شخصی خود بدون موافقت شوهر صرفنظر از اینکه اموال به دست آمده قبل از ازدواج وی باشد یا بعد از آن هرگونه تصرفی داشته باشد.<sup>۲۱</sup>

1. با پذیرش استقلال مالی و حق مالکیت برای زن جواز حق کار و اشتغال نیز اثبات می شود.<sup>۲۲</sup> اکنون با پذیرش حق مالکیت برای زن در نتیجه حق اشتغال به مشاغل مورد علاقه و اعتقاد به آزادی زن

<sup>16</sup> . مهرپور. مباحثی از حقوق زن، تهران، ص 33.

17 . صفایی، بررسی تطبیقی حقوق خانواده، چ اول ، ص 133

<sup>18</sup> . طوسی، کتاب الخلاف، ص 286

<sup>19</sup> . هاشمی رفسنجانی، زن و عدالت اجتماعی ( مجموعه خطبه های نماز جمعه ) ص 106

<sup>20</sup> . روشن فر، مرضیه، اشتغال و مالکیت زن ، ص 145.

<sup>21</sup> . محقق داماد، بررسی فقهی حقوق خانواده، ص 317

<sup>22</sup> . عراقی، دوره کامل حقوق کار، ج 1 ، ص 31

در پذیرش مسئولیت های اجتماعی فرهنگی و اقتصادی و کسب درآمد در نتیجه تلاش مذکور به مسئولیت زن در حفظ قوام خانواده و تشدید مبانی آن اشاره خواهیم کرد

### **بند اول: مسئولیت زن در تشدید مبانی خانواده**

در زندگی مشترک، هم زن هم مرد باید تمام تلاش خود را انجام دهند تا بتوانند کانون خانواده را گرم نگهدارند و بخاطر همین دلیل آنها نسبت به هم دارای وظایفی می باشند که در متن قانون مدنی از جمله مواد 1103 و 1104 به این امور اشاره شده است. این امور شامل حسن معاشرت با یکدیگر، معاضدت در تشدید مبانی خانواده، تربیت فرزندان و... می باشد. بنابراین ضمانت اجرای این تکالیف و معاضدت و همکاری را نباید از رأی دادگاه و اجرای آن انتظار داشت؛ بلکه مصداق های این تکالیف نیز نوعی الزام اخلاقی است.<sup>23</sup> علاوه بر اموری که ذکر کردیم باید موارد دیگری همانند وفاداری و سکونت مشترک به آنها اضافه کنیم که در قانون مدنی در ماده 1114 سکونت زن را در منزلی که توسط شوهر تعیین می شود در صورت عدم واگذاری حق سکونت به زن تکلیف زن دانسته است که واضح و روشن است این امور مربوط به جایی است که با شئون زن و عرف و عادات هم خوانی دارد.<sup>24</sup> برابر آیه 19 سوره مبارکه نساء مردان مکلف به معاشرت به نیکی با زنان هستند و به حکم آیه 6 سوره مبارکه طلاق نباید به آنان سخت بگیرد و به آنان ضرر برساند. از جمله وظایف زن در زندگی مشترک، تربیت فرزندان با کمک همسر خویش و معاضدت زوجه در تشدید مبانی خانواده می باشد. و همچنین در جامعه خانواده هایی هستند که هریک از افراد خانواده موظف به تلاش و همکاری برای حفظ کانون خانواده و دوام آن می باشند که تلاش آنها مبتنی بر اخلاق و قانون می باشد که اگر این کانون و بنیان را خطری تهدید کرد بتوانند با هم فکری یکدیگر تصمیم نهایی را بگیرند.

آنها موظف اند زیر یک سقف و با رعایت وفاداری و نهایت عشق ورزی و ابراز علاقه به یکدیگر در استحکام مبانی خانواده و تربیت محصول این بنیان و اساس یعنی فرزندان که عناصر اصلی سازنده جامعه خانواده محور است تلاش کنند از نظر برخی از حقوقدانان قواعد حاکم بر خانواده سازمانی مخلوط از قواعد حقوقی

<sup>23</sup>. کاتوزیان، دوره حقوق مدنی، حقوق خانواده، چ 7، ص 212

<sup>24</sup>. محقق داماد، بررسی فقهی حقوق خانواده، ص 311

و اخلاقی ساخته شده است.<sup>۲۵</sup> در نتیجه از هر چیزی که به این سازمان مخلوط از قواعد حقوقی و اخلاقی خدشه وارد کند باید پرهیز شود و هریک از زن و شوهر در عین آزادی در انتخاب شغل باید از مشاغلی که این خانواده مهم متشکل از زوجین را به خطر می اندازد اجتناب کرد

### **بند دوم: ریاست خانواده**

در ضرورت تصمیم گیری در اجتماعات ولو اجتماعات دونفری در هر سازمان حقوقی یا مردمی از نظر عقلی تردیدی وجود ندارد دوام این اجتماع دونفری یعنی خانواده نیز جز با تعیین مدیر و مسئول ویژه ممکن نیست.<sup>۲۶</sup> معمولاً یکی از دو نظر و تصمیم در یک جمع دونفری باید جامه عمل بپوشد تا کارها با بنیست مواجه نشود در مقابل این سؤال که چرا باید ریاست خانواده با مرد باشد پاسخ این است که از نظر قوای جسمانی و احاطه بر امور اجتماعی به طور نوعی صلاحیت بیشتری برای عهده دار شدن این مسئولیت در مردان مشاهده می شود برای تصدی ریاست خانواده باید به دنبال فردی بود که علاوه بر برتری در قوای جسمانی بر امور اجتماعی نیز احاطه داشته باشد به طور نوعی این ویژگیها بیشتر در مردان دیده میشود و صلاحیت بیشتری برای عهده دار شدن این مسئولیت در آنها مشاهده می شود استنباط احراز این مسئولیت از آیه 34 سوره مبارکه نساء به منزله عهده دار شدن یک مسئولیت مهم و به دنبال آن عهده دار شدن هزینه های زندگی زناشویی است قانون مدنی به موجب ماده 1105 ریاست خانواده را در روابط زوجین از خصایص مرد برشمرده و در ماده قبل از آن وظیفه معاونت و یاوری او را در تشیید مبانی خانواده و تربیت فرزندان به زن داده است.<sup>۲۷</sup> از تعبیر ریاست در ماده ذکر شده نباید تلقی برتری و ارزشگذاری مرد بر زن شود زیرا در مجموعه آیات و روایات هر جا بحث از ارزش جنس زن و مرد شده است سخن از برابری و ارزش مساوی است قرآن کریم در آیات متعددی برای زن و مرد در کنار هم زمینه های مغفرت و پاداش عظیم قرار داده است (احزاب/ 35) در این آیه در مراتب اسلام و ایمان و قنوت و عبادت و صدق و صبر و خشوع و صدقه و روزه و تقوا و ذکر خداوند زن و مرد را در کنار هم آورده است قرارداد پاداش اخروی برای اعمال زن و مرد در آیه 194 سوره مبارکه آل عمران نیز از نمونه های بارز برابری در ارزش عمل زن و مرد از دیدگاه اسلام می باشد

25. (کاتوزیان، دوره حقوق مدنی، حقوق خانواده، چ 7، ص 297)

26. کاتوزیان، دوره حقوق مدنی، حقوق خانواده، چ 7، ص 223

27. (کاتوزیان، دوره حقوق مدنی، حقوق خانواده، چ 7، ص 224)

بسیاری از مفسران بهدرستی از لفظ سرپرست برای تفسیر آیه 34 سوره مبارکه نساء بهره برده اند.<sup>28</sup> به روشنی معلوم است که خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است و مانند هر اجتماعی باید یک سرپرست و مسئول داشته باشد سرپرستی مرد در نظام خانواده به عنوان یک اجتماع دو نفری نیز از همین قبیل است عهده دار شدن این مسئولیت و پذیرش سرپرستی یک خانواده دو یا چندنفره هم به دلیل ویژگی ها و قوای جسمانی است و هم به دلیل پذیرش مسئولیت های مالی از قبیل پرداخت نفقه مهریه هزینه های نگهداری و تربیت فرزندان و حتی پرداخت اجرت المثل کارهای زن در خانه<sup>29</sup> یکی از دلایل ریاست و سرپرستی مردان در خانواده ترجیح قوه تفکر بر احساسات در ادامه امور خانواده است از همین روی مسئولیت سرپرستی و اداره این اجتماع دونفری برعهده مردان و معاونت و یآوری به زنان سپرده می شود

چنانچه اسلام برعکس این هم عمل می کرد و سرپرستی را در اختیار زنان قرار می داد نیز این ایراد بی پاسخ امکان طرح پیدا می کرد که چرا سرپرستی و ریاست خانواده بر عهده زنان گذاشته شده است در نتیجه به خوبی روشن است که ریاست و به تعبیر صحیح تر سرپرستی اجتماع دونفری زن و مرد درحقیقت نوعی پذیرش مسئولیت و عهده دار شدن اداره خانواده است که در ضمن پذیرش مسئولیت پرداخت هزینه های زندگی تصمیم گیری در وقت ضرورت و نیاز را نیز برعهده مرد قرار داده است این تصمیم گیری نهایی صرفاً در امور خانواده و مراعات مصالح آن مانند انتخاب محل سکونت (ماده 1114 قانون مدنی) و انتخاب شغل زن (ماده 1117 قانون مدنی) و نظایر آن از اختیارات شوهر است.<sup>30</sup>

رئیس یا سرپرست خانواده هر یک از زن و مرد که باشند نمی توانند و نباید از ضروریات این مسئولیت تجاوز کنند ریاست مرد بر خانواده و در چارچوب سازمان حقوق خانواده یک وظیفه اجتماعی است و مرد نباید به منزله یک حق شخصی از آن استفاده کند.<sup>31</sup>

ریاست خانواده برعهده مرد است زیرا مسئولیت اداره خانواده را بهتر ایفا میکند کانون خانواده با رهبری و فرماندهی دلسوزانه مرد به نحو شایسته تری قوام و استحکام می یابد و اعمال این اختیار از طرف مرد باید به منظور حفظ مصالح خانواده باشد

---

28 . مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 2 ، 412

29 . صادقی مقدم، اجرت المثل کارهای زوجه و بررسی آرای محاکم در این زمینه، ص 1.

30 . محقق داماد، بررسی فقهی حقوق خانواده، ص 388

31 . کاتوزیان، دوره حقوق مدنی، حقوق خانواده، چ 7، ص 226



## گفتار سوم: محدودیت های اشتغال زن و حدود اختیارات شوهر

با توجه به اهمیت سازمان حقوقی خانواده در اجتماعات بشری و تأکید مضاعفی که نظام اسلامی به جایگاه خانواده متشکل از زن و مرد و فرزندان در جامعه اسلامی دارد هریک از زن و مرد حقوق و تکالیفی در مقابل یکدیگر دارند ( ماده 1102 قانون مدنی) بهره مندی زوجه از حقوق مالی نظیر مهریه به تراضی طرفین (ماده 1108 قانون مدنی) نفقه شامل هزینه مسکن و لباس و غذا و حتی خادم در صورت عادت یا نیاز زن (ماده 1107 قانون مدنی) هزینه های درمانی و بهداشتی<sup>۳۲</sup> و اجرت المثل کارهای زن در خانه با توجه به نبود هیچ گونه تکلیف در انجام دادن کار زن در خانه و نیز مطالبه اجرت شیردادن به فرزند از سوی زن از حقوق مالی زن است علاوه بر اینها در صورت وجود هرگونه شرط در ازدواج از قبیل تنصیف دارایی شوهر در زمان زناشویی و بهره مندی زن از ماترک شوهر متوفای خود با کیفیت و شرایط موجود در قانون مدنی (مواد 946 948 و 949 قانون مدنی) از دیگر حقوق مالی زن بوده و زن در کلیه حقوق مالی و دارایی های خود حق هرگونه تصرف مستقل را دارد (ماده 1118 قانون مدنی)

بنابر نظر مشهور فقهای امامیه زن باید رضایت شوهر را هنگام خروج از منزل کسب کند<sup>۳۳</sup> شهید ثانی نیز در اینباره معتقد است که خارج نشدن از منزل شوهر بدون اجازه وی از حقوق شوهر بر زن است؛ اگرچه نزد خانواده خود برود برخی از فقها نیز مواردی را استثنا کرده اند<sup>۳۴</sup> عنصر اصلی در توجیه این اختیار برای مرد در چارچوب ریاست و سرپرستی مرد بر خانواده تحلیل می شود اگر بناست که در نظام اسلامی خانواده نقش مهم و ویژه ای ایفا کند در عین آزادی زن در کسب مال و به تبع آن اشتغال به مشاغل مختلف نباید به اساس خانواده و اهداف آن خللی وارد آید از مسائلی که ممکن است به این مهم خدشه وارد کند خروج زن بدون رضایت و اطلاع مسئول اداره خانواده و مدیر و سرپرست آن یعنی مرد است هدف قانونگذار از اعطای اختیار به شوهر برای منع زن از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا شوهر باشد حفظ مصالح خانواده و حیثیت طرفین است بنابراین مرد در اعمال اختیار ذکرشده بر محور حفظ مصالح خانواده و حیثیت زن یا خودش باید رفتار کند آنچه موجب اخلال در بنیان خانواده و ملزومات آن یعنی نگاه داری و تربیت فرزند و حفظ حیثیت اجتماعی زن یا شوهر یا به هم خوردن نظم خانواده از نظر تربیتی و اقتصادی

32. صادقی مقدم، نفقه و نیازهای درمانی زوجه، ص 406.

33. جیل العاملی، مسالک الافهام الی تنقیح الشرایع الاسلام، ج 8، ص 307.

34. نجفی، جواهرالکلام، ص 306.

باشد از امور منافی مصالح خانواده است<sup>۳۵</sup> در ادامه موضوع را در دو محور مورد تأکید قانون یعنی مشاغل منافی مصالح خانوادگی و مشاغل منافی با حیثیات خود یا زن و بعد از آن نحوه اعمال اختیار مرد می پردازیم.

### **بند اول: مشاغل منافی مصالح خانوادگی**

چیزی منافی مصالح خانوادگی یک خانواده محسوب می شود که بنیان و اساس آن را مختل کند و نظم حاکم بر آن از قبیل نحوه اداره تربیت و تحصیل فرزندان آرامش و آسایش اعضای خانواده را تحت تأثیر قرار دهد این موضوعات در هر خانواده‌های متفاوت است و تعیین ضابطه خاص برای آنها و تشخیص شغل منافی مصالح خانواده امکان ندارد بنابراین برحسب شرایط خانواده ها و اوضاع و احوال حاکم بر آن متفاوت است از مجموعه وظایف زن همکاری و معاضدت در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد نگهداری و مواظبت از اولاد تمکین سکونت در محلی که شوهر تعیین می کند و وفاداری را میتوان برشمرد بنابراین چنانچه مشاغلی که زن به آن اشتغال می ورزد با مصالح خانوادگی یعنی قوام و استحکام و نظم و آرامش منافات داشته باشد مرد میتواند وفق ماده 1117 قانون مدنی زن خود را از شغل ذکر شده بازدارد چنانچه زن با اشتغال خود اعم از اشتغال به حرفه یا صنعت خاصی در منزل یا بیرون از آن نتواند به تکلیف تمکین از مرد عمل کند علاوه بر عدم استحقاق نفقه برابر ماده 1108 قانون مدنی مرد میتواند برابر ماده 1117 وی را از حرفه یا صنعت ذکر شده جلوگیری کرد<sup>۳۶</sup>

علاوه بر این چنانچه اشتغال به حرفه یا صنعت یا شغلی توسط زن در داخل یا خارج از خانه وقت و توان کافی برای ایفای وظایف خود در تشیید مبانی خانواده و تربیت فرزندان نداشته باشد مرد به استناد ماده 1117 قانون مدنی و با ترتیبی که در مباحث بعدی اشاره می کنیم می تواند زن را از اشتغال به شغل ذکر شده منع کند با این وصف در صورتی که زوجه با اشتغال خود از ادای وظایف زناشویی اعم از زوجیت و مشارکت در تربیت فرزندان بازماند در تراحم دو حکم جواز اشتغال و وجوب ادای وظایف زوجیت زن باید از اشتغالی که مغایر و منافی ادای وظایف زناشویی است دست بردارد و به انجام وظایف ناشی از ازدواج که در ماده 1102 قانون مدنی آمده است پردازد در صورت تحقق نیافتن وظیفه مذکور قانونگذار به پیروی از شرع به مرد حق داده است که وی را از اشتغال به شغل ذکر شده بازدارد

35. کاتوزیان، دوره حقوق مدنی، حقوق خانواده، ج 7، ص 233.

36. صفار، درسهایی از حقوق خانواده، ص 33

## **بند دوم: مشاغل منافی با حیثیت مرد و زن**

از مواردی که قانونگذار به مرد حق داده زن خود را از اشتغال به حرفه یا صنعت معینی منع کند تنافی شغل ذکر شده با حیثیت مرد و همچنین زن است معیار ثابت و روشنی برای همه خانواده ها قابل تعیین نیست؛ بلکه برحسب شرایط خانواده ها و آداب و رسوم حاکم بر آنها متفاوت است این امر برحسب زمان و مکان و وضع خانواده ها متفاوت و تشخیص آن با عرف است<sup>37</sup> حیثیت و اعتبار اجتماعی یک روحانی، دانشمند، پزشک و هنرپیشه با یکدیگر متفاوت است شغلی را که همسر وی از مشاغل ذکر شده برمی گزیند با دیگر مشاغل متفاوت و ممکن است با حیثیت و اعتبار شوهر یا خود او منافات داشته باشد.

## **گفتار چهارم: شرط اشتغال حین عقد ازدواج**

زوج حق بر منع اشتغال زوجه را در مواردی دارد حال در صورتی که اشتغال زوجه به عنوان شرط بنایی یا شرط تصریح شده به ان در عقد نکاح یا به عنوان عقد لازم خارج در زمان عقد شرط شده باشد باز هم نمی تواند جلوی ممانعت زوج از اشتغال را بگیرد.

باید گفت که شرط ضمنی که در هنگام اینجاب و قبول به صورت صراحتی ان را ذکر نمی کنند ولی در عرف وجود ان شرط معهود می باشد ان هم نمی تواند جلوی ممانعت زوج بر اشتغال زوجه را بگیرد زیرا که اشتغال زوجه مسئله معهودی در عرف نمی باشد.

حال برای روشن شدن مطلب به بررسی شرط بنایی و سپس به شرط تصریحی در اشتغال می پردازیم:

## **بند اول: شرط بنایی بر اشتغال**

در صورتی که زن در زمان ازدواج شاغل بوده باشد و مرد بر اشتغال وی اشکالی نگرفته باشد می توان گفت اشتغال زوجه را به صورت ضمنی پذیرفته است حال از نظر حاکم برای مرد که بخواهد زوجه را از اشتغال منع کند 2 نظریه وجود دارد :

---

<sup>37</sup>. صفایی، بررسی تطبیقی حقوق خانواده، چ اول، ص 142.

1: نظر اکثریت بر این می باشد که مرد باز هم می تواند زوجه را از اشتغال در موارد قابل منع ، منع کند بنا بر این نظر در صورتی که مرد با دختری ازدواج کند که در زمان نکاح شاغل بوده است و بعد از آن متوجه گردد ادامه اشتغال زوجه با مصالح خانوادگی منافات دارد می تواند از دادگاه درخواست منع اشتغال زوجه را تقاضا نماید و علم بر رضایت زوج به اشتغال زوجه در زمان عقد از اختیارات قانونی شوهر کم نمی کند زیرا که این گروه قائل اند منع زوجه از اشتغال تنها حق زوج نیست بلکه این اختیار از مسائل مربوط به نظم عمومی و اعمال آن در مسئولیت های شوهر می باشد.<sup>38</sup>

2: گروهی دیگر می گویند اگر در هنگام ازدواج زوجه شاغل بوده ، و در عقد ادامه آن شرط شده باشد زوجه نمی تواند زوجه را از ادامه شغل منع کند.<sup>39</sup>

### **بند دوم: شرط تصریحی بر اشتغال**

با توجه به اینکه بین شرط بنایی و شرط تصریحی تفاوتی قائل نشده اند در حقوق نیز این 2 نوع شرط یکسان بوده است .<sup>40</sup> باید گفت که طبق ماده 1119 قانون مدنی عقد ازدواج می تواند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مذکور نباشد ضمن عقد نکاح یا عقد لازم خارج دیگر ، و توافق بر هر شرطی توسط زوجین در زمان عقد نکاح صحیح بوده به جز شروط فاسد و مفسد موضوع مواد 232 و 233 قانون مدنی بنا بر ماده 1119 قانون مدنی شروط ضمن عقد نکاح در صورتی باطل است که مخالف با مقتضای ذات عقد باشد که باید گفت مقتضای عقد نکاح خانه دار بودن زوجه نمی باشد و همچنین نظر فقهای معاصر نیز بر شرط اشتغال زوجه صحیح و نافذ می باشد .

---

38 . کاتوزیان، حقوق خانواده، ص 235

39 . محقق داماد، بررسی فقهی حقوق خانواده، ص 316

40 . شهیدی، حقوق مدنی (4). شروط ضمن عقد، ص 42.

در ماده 1105 قانون مدنی از لفظ "می تواند" استفاده شده است که این لفظ بیان کننده اعطای حق و اختیار به زوج است نه یک تکلیف برای آن لیکن گروهی بر این عقیده می باشند که این مسئله حق نمی باشد بلکه تکلیفی است که بخاطر حفظ مصالح خانوادگی مرد نمی تواند آن را از خود ساقط کند.

لازم به بیان است آنان که منع اشتغال زوجه را به عنوان تکلیف برای زوج در قبال جامعه دانستن قائل شده اند که ورود حکومت به حیطة خصوصی خانواده مجاز بوده و در نتیجه می گویند که منع اشتغال زوجه از شغلی که منافات با مصالح خانوادگی داشته باشد به عنوان تکلیف برای زوج می باشد که این نظر، نظری بدون ایراد و متقن نمی باشد چراکه دخالت کردن حکومت در روابط خصوصی مردم جامعه یک امر استثنایی بوده و نیازمند تصریح است فلذا نمی توان آن را به موضوع بحث منع اشتغال زوجه سرایت داد و سخت گیری در این امر موجب ورود ضرر به زوجه ای می شود که در هنگام عقد و خواستگاری مرد اشتغال داشتن را برای خود شرط کرده است و امنیت روانی برخی زنان را مختل می کند و باید گفت مردی که یک زن شاغل را به عقد نکاح خود در آورده است به طور ضمنی پذیرفته است که در برخی از ساعات همسرش در خارج از منزل باشد و حال منع مرد از اشتغال زوجه علاوه بر بی احترامی به شروط بین زوجین می تواند زمینه ساز سوء استفاده از حق هم باشد

### **بند سوم: قرارداد کار زوجه و تأثیرات حکم دادگاه بر آن:**

در ابتدا نیاز به بیان است که احکام یا اعلامی می باشند یا انشایی

حکم اعلامی یا همان حکم کشفی، حکمی می باشد که وضعیت سابق را قطعی کرده و اعلام می کند و وضعیت حقوقی جدیدی را ایجاد نمی کند و آثار این حکم محدود به خواسته خواهان می باشد.<sup>41</sup> و حکم انشایی یا همان حکم تاسیسی از تاریخ صدور حکم وضعیت حقوقی جدیدی را بیان می کند.<sup>42</sup> در مقابل حکم اعلامی، حکم

41. شمس، آیین دادرسی مدنی، ج 2، ص 217

42. معاونت آموزش قوه قضائیه سال 1385، ص 122

اجرائی نیز از جهاتی دیگر وجود دارد بدین صورت که حکم اعلامی در این معنا فاقد اقدامات اجرایی است و تاثیر آن بر محکوم علیه تحمیل اموری است که نتیجه تمکین نکردن از حکم است.

باید گفت که حکم بر منع اشتغال زوجه دارای جنبه اجرایی می باشد و بر این باور است که این منع به صورت عملی به حساب می آید در چنین وضعیتی در صورتی که زوجه مشغول به شغل غیر دولتی باشد و با بخش خصوصی قرارداد بسته باشد در صورت صدور حکم تمام تعهدات مربوط به زوجه ابطال میشود.<sup>۴۳</sup> و اگر منع عملی زوجه از اشتغال وجود نداشته باشد همانند جایی که زوجه با اموال خود به تجارت مشغول باشد می توان با تعیین مقداری جریمه مستمر به صورت روزانه، ماهانه برای زوجه، او را از اشتغال منع کرد. لازم به بیان است این حکم با توجه به قانون ایین دادرسی عمومی و انقلاب در امور مدنی در سال 1379 و با توجه به سکوت آخرین قانون در این باب می توان قائل به نسخ این قانون شد.

با توجه به اینکه با حکم دادگاه مبنی بر منع زوجه از اشتغال و قطع رابطه استخدامی زوجه توسط حکم دادگاه این رای ماهیت اجرایی پیدا می کند ماده 5 ایین نامه نحوه اجرای احکام و تصمیمات دادگاه خانواده مصوب 1354 که در آن گفته شده است روسا، مدیران، مسئولان سازمانها و موسسات عمومی و خصوصی به اجرای تصمیم دادگاه در مورد منع اشتغال زوج یا زوجه مکلف کرده است، موید این مطلب می باشد که حکم دادگاه در منع اشتغال زوجه دارای ماهیتی اجرایی می باشد حال اگر فرض کنیم این حکم دادگاه اعلامی می باشد در صورتی که حکم دادگاه قطعی گردد اگر زوجه به شغل خود ادامه دهد ناشزه محسوب حساب می شود و نتایج مربوط به نشوز برای او اعمال می شود مثل: عدم استحقاق نفقه، جواز صدور اجازه بر ازدواج مجدد زوج و اینکه شامل حکم تبصره 6 ماده واحده قانون اصلاح مقررات طلاق مبنی بر حق زوجه بر اجرت المثل در ایام زناشویی در زمان طلاقی که به درخواست زوج می باشد نمی گردد.

به نظر می رسد اینکه ما این حکم را اعلامی حساب کنیم موجه تر می باشد به دلیل اینکه:

1) ماده 5 ایین نامه نحوه اجرای احکام و تصمیمات دادگاه خانواده که از ادله اجرایی بودن این حکم محسوب می گردید، بر ماده 18 قانون حمایت از خانواده استوار است که بسیاری از مواد آن منسوخ شده و اجرایی نمی

---

43. کاتوزیان، حقوق خانواده، ص 236

باشد و باید گفت ایین نامه ها فقط توضیح دهنده قانون می باشند و مطابق اصل 170 قانون اساسی قضات مکلف اند از اجرای تصویب نامه ها و ایین نامه هایی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کند و این ایین نامه که مصوب هیئت وزیران است با قوانین استخدای و کار منافات دارد در نتیجه باید گفت این ماده در اعلامی یا اجرایی بودن حکم تاثیری ندارد .

2) زمانی که دادگاه حکم به الزام زوجه از تمکین می دهد بنابر رویه قضایی دلالت بر اعلامی بودن آن می باشد فلذا پس از تاریخ قطعیت حکم زوجه ناشزه محسوب می شود و دیگر مستحق دریافت نفقه و ... نمی شود و برای اجرای این حکم باید آن را مثل حکم الزام به تمکین زوجه اعلامی بدانیم .

3) لازم به ذکر است در صورتی که حکم را اعلامی بدانیم باعث می شود که حقوق افراد ثالثی که با زوجه قرارداد کار منعقد کرده اند ضایع نشود و همین امر باعث می شود که زوجه متحمل اثار و نتایج حکم دادگاه می شود .

4) در برخی از موارد که حکم بر ممانعت از اشتغال صادر می شود امکان دارد این حکم اجرا نشود لکن در صورتی که این حکم را اعلامی بدانیم از اجرا نشدن این حکم جلوگیری می کنیم مثلا : در موردی که زوجه با اموال خود به تجارت پرداخته است و امکان منع زوجه از اشتغال وجود ندارد می توان با محکومیت زوجه به پرداخت خسارت و جریمه و تخلف از حکم دادگاه بر او سخت نمود. باید گفت که این حکم و تکلیف ، تکلیف ما لا یطاق می باشد زیرا از یک طرف زوجه به وسیله حکم دادگاه از اشتغال منع شده است و منبع مالی خود را از دست داده است و باید منبع مالی و سرمایه خود را رها کند و در صورت تمکین این حکم ، باید خسارت طرف مقابل را پرداخت نماید و از طرف دیگر باید به زوج از جهت حفظ شغل خود خسارت پرداخت کند .

5) موازین انسانی و حقوق بشر که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است منطبق با اعلامی دانستن این حکم می باشد در قانون اساسی جمهوری اسلامی آزادی زن را به عنوان یک انسان محدود نمی کند و همچنین مانع ورود ضرر معنوی به زوجه می گردد با توجه به این وصف زن مخیر است بین شغل و زندگی مشترک یکی را برگزیند و زوج هم به عنوان محکوم له در این حکم از نتایج این انتخاب همانند عدم پرداخت نفقه ، حق طلاق زن بدون پرداخت اجرت المثل و.... لازم به ذکر است در خانواده که کانون و مرکز عشق و عاطفه و احساسات

است قهر و اختلاف و ناراحتی نباید در آن وجود داشته باشد در نتیجه منع عملی زوجه از شغل بدین جهت که زوجه به زندگی زناشویی و مشترک برگردد امکان ندارد .

### **بند چهارم: تأثیرات حکم دادگاه بر قرارداد زوجه با شخص ثالث :**

برای رسیدگی به چگونگی جبران خسارت این حکم دادگاه ابتدا باید اثر حکم را بر قرارداد کار زوجه بررسی کنیم ، که برخی اثر حکم منع اشتغال بر قرارداد کار زوجه و ثالث را ابطال قرارداد می دانند که لازم به ذکر است ابطال با بطلان و فسخ متفاوت است و مترادف نیستند که عقد قابل فسخ عقدی است صحیح و نافذ که ارکان آن بدون عیب می باشد و مشکلی دیده نمی شود ولی به دلیل ضرری که برای یکی از طرفین یا هر دو به وجود می آورد خیار فسخ ایجاد می کند که به استناد همین حق خیار می توان عقد را منحل کرد اما عقد قابل ابطال که مورد بحث ما می باشد از همان ابتدای انعقاد عقد به دلیل وجود عیب به وسیله طرفین معامله قابل حذف است و در زمره عقود باطل به شمار آورده اند.<sup>44</sup>

باید گفت که این ابطال و قابل ابطال بودن بدین گونه است که برای یک طرف عقد صحیح و برای طرف دیگر عقد باطل یا قابل ابطال است و این شخص می تواند به مقام قضائی ذی صلاح مراجعه کند و این دادگاه است که درخواست ابطال را قبول یا باطل اعلام می کند.

### **گفتار پنجم: حقوق و تکالیف مشترک بین زوجین**

در این گفتار بر آن هستیم که تکالیف هریک از زوجین بریکدیگر از قبیل حسن معاشرت و قانون معاشرت و مانند آن را بیان می کنیم.

---

44 . کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، 330.



## بند اول: حسن معاشرت

در ابتدای بحث باید اشاره کنم، مهم ترین و با ارزش ترین نهاد در همه جهان هستی ، خانواده می باشد که از اهمیت بسیار بالایی در بین همه افراد برخوردار است این اهمیت به حدی می باشد که هم در قران و هم در قوانین کشور به ان اشاره شده است که این نهاد دارای چه جایگاه والایی می باشد و حتی برای ان موضعی در قانون تعیین و تصویب شده است. یکی از این موارد که اهم همه مقررات وضع شده در قانون می باشد "حسن معاشرت میان زن و شوهر" است که در واقع این امر هم یک اصل حقوقی و هم یک اصل اخلاقی و اسلامی می باشد که به نوعی عمل به تکلیف زوجین نسبت به یکدیگر می باشد که این امر نشان دهنده میزان اهمیت این موضوع در نهاد خانواده می باشد.

در حقوق ایران ، در ماده 1102 قانون مدنی در بحث مربوط به حقوق و تکالیف زوجین نسبت به هم می توان گفت به خوبی معنی ایه 19 سوره مبارکه نساء وارد شده است و بیان کرده است که زن و شوهر باید به یکدیگر توجه کنند ، خوش رفتاری ، خوش رو بودن را در زندگی سرلوحه خود قرار دهند تا همیشه آرامش در زندگی انها برقرار باشد و از هرگونه بدرفتاری ، بی ادبی ، بدگویی دوری کنند چرا که باعث سست شدن بنیان و اساس خانواده می شود.

و همچنین در اسلام و قانون ، نظام خانواده بر اصول اخلاقی همچون گذشت ، مودت ، احترام ، کرامت و ... استوار است.<sup>45</sup>

با بررسی در آیات قران کریم در می یابیم که دستورات بسیاری مبنی بر روابط زوجین بر پایه نیکی و معروف بیان شده است که مهم ترین ایه ای که در این خصوص از خداوند متعال در قران به وسیله پیامبر اکرم (ص) به مردم رسیده است و می توان در این مورد به ان استناد کرد ، سوره مبارکه نساء است: با زنان به شیوه معروف زندگی کنید. (سوره مبارکه نساء ، 19 ) و معروف به رفتاری می گویند که از نظر شرعی و عقلی پسندیده باشد که در زندگی مشترک ، زوجین وظیفه دارند نسبت به هم رفتار نیکو و خدا پسند داشته باشند.

---

45 . میرخانی، رویکردی نوین در روابط خانواده، تهران، ص17.

علامه طباطبایی ذیل ایه 28 سوره مبارکه بقره بیان کرده است که چون اسلام شریعت خود را بر اساس فطرت و خلقت بنا کرده است معروف از نظر اسلام، همان چیزی است که مردم آن را معروف می دانند البته مردمی که از راه فطرت و از حد نظام خلقت منحرف نگردیده باشند.<sup>46</sup>

### **الف: معاشرت به معروف در قانون**

در قانون به معاشرت به معروف توجه شده است باید گفت که بعد از ازدواج در موقعیتی که قانونگذار در بحث حقوق متقابل زوجین برای هر یک از زن و مرد وظیفه ای مشخص می کند. اصل و قاعده معاشرت به معروف به عنوان یکی از موازین در نظام خانواده مانع از سوء استفاده از حقی که به یکی از طرفین داده شده است جهت ضرر رساندن به شخص مقابل می شود.

با اندک بررسی در قانون، پی می بریم که قانونگذار به خوبی تکالیف هر یک از زوجین را در مواد 1102-1119 قانون مدنی به خوبی بیان کرده است و در نتیجه این امر و قانون موجب گردیده است که در صورت تخلف هر یک از زوجین با او برخورد گردد ماده 1103 قانون مدنی زن و شوهر را مکلف به حسن معاشرت کرده است و ماده 1108 همین قانون بیان کرده است که اثر سوء معاشرت زن، بی بهره ماندن او از نفقه است و همچنین ماده 1111 ق.م نیز در صدد بیان سوء معاشرت مرد می باشد که قانونگذار بیان کرده است که اگر مرد در پرداخت نفقه به زوجه کوتاهی کرده و آن را پرداخت ننماید بنا بر قانون با او برخورد می شود.

با توجه به اینکه خانواده در جامعه پایگاهی برای رشد عواطف انسانی و تکامل مراحل عقلانی می باشد قانونگذار به خوبی برای آن اهمیت قائل شده است و قوانینی را که متمایز با سایر قوانین در دیگر بخش های قانون می باشد وضع کرده است.

### **ب: حسن معاشرت به معروف در نگاه فقیهان و مفسران**

با توجه به پیرو سخنان گذشته، حال نوبت آن رسیده است که به بررسی حسن معاشرت و معروف در فقه و تفسیر پردازیم که این اصل، یک اصل قرآنی نیز می باشد بدین صورت که زمانی که زن و مرد با یکدیگر ازدواج می کنند پس از عقد، یک سری تکالیف نسبت بهم برای آنها به وجود می آید که در این رابطه در معنای معروف

---

46. علامه طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی التفسیر القرآن، ج 4، 232.

علامه طباطبایی در تفسیر ایه 19 سوره مبارکه نساء می نویسد: کلمه معروف به معنای هر امری است که مردم در جامعه ان را شناخته و با ان مانوس باشد و بدان جاهل نباشد.

معنای امر به معاشرت به معروف، معاشرتی است که در بین مامورین به این امر یعنی مسلمانان معروف باشد. معاشرتی در میان انسان ها معروف و شناخته شده است و در بین آنها متعارف می باشد که یک فرد جامعه جزء مقوم جامعه باشد یعنی در تشکیل جامعه دخیل باشد و دخالتش مساوی باشد با دخالتی که سایر اعضاء دارند و در نتیجه تاثیرش در به دست آمدن غرض تعاون و همکاری عمومی به مقدار تاثیر سایر افراد باشد این، ان معاشرتی است که در نظر افراد جامعه معروف است و همچنین در مقابل، معاشرت غیر معروف این است که دیگران به او ستم کنند و استقلال او در جزئیت برای جامعه را سلب نموده و او را تابع و غیر مستقل سازند، به این معنا که دیگران از حاصل کار او بهره مند شوند ولی او از حاصل کار دیگران بهره ای نبرد.<sup>۴۷</sup> و به نظر می رسد که مرحوم طباطبایی به خوبی معروف در این ایه را تفسیر کرده است.

مرحوم طبرسی در توضیح ایه 19 سوره مبارکه نساء می نویسد: مقصود هم زیستی مطابق با فرمان خداوند است که ادای حقوق زن باشد مانند: حق بهره وری جنسی، پرداخت نفقه و.... سخن زیبای معروف ان است که ازار جسمی و گفتاری به زن روا ندارد و در رویارویی با او گشاده رو باشد.<sup>۴۸</sup> این نیز تفسیری نیکو از کلمه معروف می تواند باشد.

راغب در کتاب مفردات خود در مفهوم معروف، حسن عقلی و شرعی را نهفته می داند و به این صورت بیان می کند که " معروف نام هر کاری است که عقل یا شرع حسن و بایستگی ان را در می یابد، و منکر نام هرکاری است که عقل یا شرع ان را زشت و ناپسند می دانند از همین رو به میانه روی در بخشش، معروف گفته می شود زیرا که از منظر عقل و شرع پسندیده است."<sup>۴۹</sup>

---

47. علامه طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی التفسیر القرآن، ج 4، 255

48. طریحی، مجمع البیان، ص 25.

49. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص 179.

باید گفت که ابوالقاسم حسین بن محمد معروف به راغب یک لغت شناس و ادیب اصفهانی بوده است که یکی از بزرگترین دانشمندان ایرانی، در دوران آل بویه بوده است.

با توجه به سخنان بالا، می توان فهمید پرداخت نفقه زوجه و خوش زبانی را از مصادیق معروف بر شمرده اند حال هنگامی که سخن از معروف و مفهوم معروف می رسد در مواردی که توسط آیات و روایات محدوده معروف بیان شده است که تکلیف روشن و مشخص است حال این سوال پیش می آید در جایی که مفهوم و محدوده معروف به عرف به عقل ارجاع داده شده است تکلیف چیست؟ برای پاسخ به این پرسش باید گفت که معیار های متفاوتی وجود دارد برخی می گویند خوشایند زوجه ملاک است و برخی دیگر ملاک را عرف مردم سرزمین یا طایفه می دانند و گروهی دیگر علاوه بر خوشایند زوجه، جایگاه اجتماعی او را نیز در نظر میگیرند و در نتیجه حسن معاشرت، با توجه به تفاوت طبقات اجتماعی تغییر می کند. به نظر می رسد که نظر مرحوم طباطبایی که ذیل تفسیر ایه 10 سوره مبارکه نساء بیان شد هم با مبانی قرآنی و هم با اهداف تشکیل خانواده سازگارتر است.<sup>50</sup>

مرحوم طباطبایی، معروف را بدین گونه تعریف کرده اند که مردم آن را بشناسند و آن را انکار نکنند و هر فرد از جامعه را عضوی مستقل و آزاد می داند که در قوام جامعه و رسیدن به اهداف آن جامعه به اندازه دیگران تاثیرگذار باشد و لازم به ذکر است که مرحوم طباطبایی معروف را در چهارچوب جامعه مورد بررسی قرار داده است و به خوبی به معنای آن اشاره می کند زیرا که معروف مقید به معاشرت شده است در نتیجه باید مقصود از آن معاشرتی باشد که معروف میان مخاطبان می باشد.

### **بند دوم: قانون معاضدت در تشدید مبانی خانواده**

گفتیم که، حقوق مالی و غیر مالی می باشد و یکی دیگر از حقوق غیرمالی زوجین، معاضدت و همکاری در تشدید مبانی خانواده می باشد و ماده 1104 قانون مدنی گفته است "زوجین باید در تشدید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند" در خانواده که یکی از ارکان مهم زندگی می باشد اینگونه معاضدت،

---

50. علامه طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی التفسیر القرآن، ج 4، 404

کمک، همکاری، همدلی، و... موجب تحکیم پایه و بنیان خانواده می شود و جلوی هرگونه ناپایداری و اختلال در خانواده و زندگی که از عدم همکاری زوجین به وجود می آید، می گیرد.

باید گفت منظور ماده 1104 قانون مدنی از تشدید مبانی خانواده این است که زن و شوهر در کلیه امور مربوط به زندگی مشترک باید با یکدیگر همکاری داشته و در تمامی امور زندگی همچون تربیت فرزندان به یکدیگر کمک کنند و زن و شوهر باید تمام تلاش خود را به کار گیرند منش، روش، خلق و خوی یکدیگر را به هم نزدیک کنند و باید گفت کارهای گروهی، نیاز به همکاری مناسب دارد فلذا زندگی مشترک زوجین نیز یک کار گروهی مشترک می باشد که در صورت عدم وجود همکاری میان زوجین، این زندگی مشترک و کارهای آن به نتیجه مناسب و دلخواه نخواهد رسید لازم است. لازم است گفته شود در اسلام نیز کار کردن مرد در خانه و کمک کردن به همسر خود بسیار ارزشمند و امری پسندیده است و زن و مرد باید در تحکیم زندگی تلاش کنند و معیار این همکاری و کمک عرف، فرهنگ، زمان و مکان می باشد.

### **بند سوم: جایگاه تربیت فرزند**

در ماده 1104 قانون مدنی که معاضدت و همکاری در تشدید مبانی خانواده را بیان کرده بود توضیح دادیم که برای حفظ زندگی و رسیدن به نتیجه مطلوب، وظایف مشترکی بین زن و شوهر وجود دارد که یکی از این وظایف ها، تربیت، نگهداری، پرورش، تعلیم و... فرزندان می باشد که پدر خانواده در این امور مسئولیت سنگین تری دارد اما وظیفه زن بسیار حساس تر و خطیرتر و سازنده تر نسبت به پدر در تربیت فرزندان

می باشد و عرف هر دو را یعنی هم زن و هم شوهر موظف می داند در حد توانایی و موقیت خویش در تعلیم و تربیت و پرورش فرزندان تلاش کنند. امام خمینی در سخنانی در بیان اهمیت خانواده و اینکه بچه داری و تربیت صحیح فرزند هم رسالت انبیاء می باشد فرموده اند که: "مادر که بچه در دامن او بزرگ می شود بزرگترین مسئولیت را دارد، و شغل بچه داری شریف ترین شغل در عالم هستی محسوب می شود"<sup>51</sup> لازم به بیان است که سخنان امام خمینی و دیدگاهشان در مورد اهمیت خانواده مخصوصاً اهمیت زن در تربیت کودک فراوان می باشد ایشان فرموده اند که خانواده از دو راه وراثت و محیط، نقش اساسی خود را در پرورش کودکان

---

51. موسوی خمینی، صحیفه امام (دوره 22 جلدی)، ص 464.

ایفاء می کنند و شخصیت کودکان در کانون خانواده شکل می گیرد و نتیجه تلاش پدر و مادر موجب رشد همه جانبه شخصیت کودک در ابعاد علمی، اجتماعی، دینی، فرهنگی، عاطفی، اخلاقی، و ... می باشد.

### **بند چهارم: اهمیت و ارزش مصالح خانوادگی در مقابل مصالح فردی**

اصل گذشت و همدلی و چشم پوشی در اسلام از اصول و مبانی خانواده و حقوق ان می باشد مخصوصاً در مواردی که موجب حفظ مصلحت بزرگتری همچون حفظ بنیان و اساس خانواده مطرح باشد قرآن کریم در سوره مبارکه نساء ایه 19 در مورد حدود و سازش و گذشت زوجین پس از ازدواج بیان کرده است: «فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء/19) اگر به دلایلی از همسران و زنان خود رضایت کامل ندارید ولی به خاطر مصالح خانواده و ارج گذاشتن به این پیوند در حفظ این بنا می کوشید و کانون گرم خانواده را ویران نمی کنید و شیوه سازش و معاشرت احسن را رعایت می کنید خداوند به جبران این عمل خیر و برکات فراوان نصیب شما می گرداند که از آن جمله اعطای فرزندان صالح و شایسته و برکات دیگر می باشد.

این ایه متوجه افرادی است که به دلیل عدم توافق اخلاقی، علمی، اجتماعی، فرهنگی، و دیگر مسائل با همسرانشان به طلاق روی می آورند و تلاشی برای جلوگیری از جدایی و سازش نمی کنند و طلاق را به سازش کردن ترجیح می دهند و در باب اهمیت ازدواج در سوره مبارکه نساء ایه 21 ازدواج را "میثاق غلیظ" نامیده اند که این عبارت به معنای معاهده و عقدی محکم و استوار می باشد فلذا زوجین وظیفه دارند در حفظ و استحکام این عمل تمامی اصول لازم و ارزشمند را رعایت کنند و ان را در زندگی زناشویی سرلوحه خود قرار دهند که می توان عمده ترین ان را حسن معاشرت دانست در این دوران با توجه به اینکه به ابعاد مادی زندگی بسیار توجه می گردد و ارزش های اخلاقی و مصلحت خانواده و عدم توجه به نیازهای طرفین ازدواج در خانواده، نادیده گرفته شده و زمینه نا به سامانی های خانواده و تصمیم های عجولانه و ناپخته به وجود آمده است و در نتیجه موجب طلاق و جدایی زوجین در زندگی می گردد.

حال در این میان برای حفظ بقای خانواده و احیاء ارزش های الهی که در قوام بخشیدن به زندگی لازم می باشد آموزش های لازم موجب آشنایی با رفتارهای نیکو ملی و مذهبی می باشد

## بند پنجم: تکالیف زوجه در برابر زوج

در این بند به بیان تکالیف زوجه در برابر همسر خود می پردازیم تا جلوی هرگونه سوء استفاده و یا افراط و تفریطی گرفته شود.

### الف: پذیرش ریاست شوهر

نظر قطعی و نهایی شوهر، در صورت بروز هرگونه مشکل و اختلافی که در خانواده به وجود می آید باید گفت که نسبت به اعضای خانواده ارجعیت دارد لکن همانطور که نباید از هیچ یک از حقوق سوء استفاده شود از این حقی که مرد در خانواده دارد نباید سوء استفاده کند چون سوء استفاده از این حق هم در قانون و هم در شرع مقدس برخلاف حسن معاشرت و معاضدت شمرده شده است با توجه با قانون مدنی ایران و بررسی در آن روشن می شود که ریاست مرد در دو بخش می باشد که عبارتند از:

1- ریاست شوهر بر زن یا قوامیت شوهر که در رابطه زوجیت است (مستفاد از ماده 1105 قانون مدنی)

2- ریاست پدر بر فرزند یا ولایت پدر که در رابطه پدر و فرزندی است (مستفاد از مواد 1105 و 1180 و 1181 قانون مدنی)

گفتیم که ریاست مرد با خانواده امری قطعی است فلذا این ریاست نسبت به این دو بخش امری جامعه می باشد در بین فقها، برای تعیین محدوده ریاست مرد بر خانواده همانند بسیاری دیگر از مسائل فقهی اختلاف نظر وجود دارد و این اختلاف نظر به دو گروه عمده تقسیم شده است:

یک گروه از این فقها محدوده ریاست را فقط منوط به روابط زناشویی دانسته اند و گروهی دیگر این ریاست را به صورت عام می دانند و مقید به امور زناشویی نمی کنند که هر گروه برای خود استدلال مختص به خود را دارند.<sup>52</sup>

---

<sup>52</sup>. پروین، فرهاد و وحیده حسینی، شرایط، قلمرو و آثار فقهی و حقوقی ریاست زوج در رابطه با

باید گفت این ریاست شوهر که در فقه و حقوق اسلامی بیان شده است از ایه 34 سوره مبارکه نساء برگرفته شده است که خداوند متعال می فرماید: "مردان سرپرست و نگهبانان زنانند"<sup>53</sup> (نساء/34) حال برای توضیح این ایه باید گفت که لفظ قوام به معنای قیام و اشراف و کنترل بر امر یا مالی داشتن می باشد. و همچنین در ترجمه قوامه در لغت ان را به عنوان محافظت کردن و رعایت مصالح فرد دانسته اند و قیام به معنای کسی که بر امور چیزی قیام می کند را از همین ریشه دانسته اند<sup>54</sup> «قوام» همان قیام می باشد لکن بلیغ تر و رساتر یکی از قدیمی ترین مفسران اهل سنت به نام محمد بن جریر طبری در این باره گفته است: «مردان قائم بر زنانشان در تأدیب و نظارت بر انجام واجبات و تکالیف آنان در برابر خداوند و شوهران می باشند»

حال آن گروه که محدوده ریاست شوهر بر زن را منوط به روابط زناشویی دانسته اند دلیل و مدرک شرعی بر این امر را ایه 34 سوره نساء دانسته اند و می گویند مکلف شدن زوج نسبت به همسرش بر انفاق به او فقط در صورت وجود رابطه زوجیت بر ذمه زوج ایجاد می شود. علامه طباطبایی که یکی از قائلین به این محدودیت برای ریاست شوهر می باشد گفته است که: «قومیت مرد بر همسرش به گونه ای نیست که اراده و تصرف زن را در ملک خویش سلب کند یا زن را از استقلال و حفظ حقوق اجتماعی و فردی خود و دفاع از آن باز دارد بلکه معنی آن این است که چون مرد در مقابل تمتع خود از زن مالی را به او می پردازد زن نیز باید در آنچه مربوط به تمتع مرد است مطیع وی باشد و در غیاب شوهر حافظ ناموس او باشد»<sup>55</sup>

علامه فضل الله نیز بر همین عقیده و محدودیت می باشد و بیان کرده است که: «برخی مصداق ریاست مرد بر زن را توسعه می دهند تا شامل هر چیزی بشود به طوری که مرد قائم به کارها و امور مختلف زن شود و هر چیزی نمی شود بلکه مختص به دایره زوجیت و رابطه همسری است»<sup>56</sup>. ایشان در جای دیگر می نویسد: «اسلام بر زن فرض نکرده که از شوهر به طور مطلق اطاعت کند به گونه ای که تفکر و خواست او در زندگی خصوصی و اجتماعی اش مختل شود»<sup>57</sup> و با توجه به اینکه در حقوق سعی شده است نظرات فقهی مورد توجه قرار گیرد

---

53. الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ

54. ابن منظور، لسان العرب، ص 347.

55. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی التفسیر القرآن، ج 4، 344

56. فضل الله، تاملات اسلامیة حول المرأة، ص 113.

57. فضل الله، تاملات اسلامیة حول المرأة، ص 91



و قانونگذار نیز به تبعیت این گروه از فقها در ماده 1105 پرداخته است و مقرر شده است که: «در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است» پس می توان گفت قانون مدنی صراحتاً نظر این گروه از فقها را پذیرفته و ریاست مرد بر خانواده را محدود به رابطه زوجیت کرده است و این دیدگاه ظاهراً با اصل آزادی اراده و عدم سلطه فردی بر دیگری سازگارتر است.<sup>58</sup>

گروهی از مفسران گفته اند که "قوامون یعنی قائم بر امر زنانند و در کارهای آنان قیام و ایستادگی و در محافظتشان رعایت و مراقبت دارند".<sup>59</sup>

قابل توجه است برخی حتی وجود برتری و اشراف برای مرد را مردود دانسته اند و قوام بودن مرد را به نوعی تکلیف حساب نموده اند و رهبری و ریاست زوج را در همین راستا توجیح می کنند با مطالعه آثار امام خمینی به صورت ضمنی و تلویحی می توان فهمید که اطاعت زن از شوهر از جمله وظایف او می باشد و نباید زوجه از همسر خود نافرمانی کند.<sup>60</sup> پس همانگونه که در حکومت اسلامی به کشور و اجتماع اهمیت داده شده برای خانواده و زندگی مشترک زوجین نیز ارزش و اهمیت زیادی قائل است.

### **ب: تمکین زن نسبت به مرد**

در صورتی که زن دارای عذر شرعی و یا قانونی همانند عادت زنانگی و یا مریضی باشد می تواند از پذیرش و امادگی در برابر بهره های جنسی مرد اجتناب کند در غیر این صورت زن باید حالت پذیرش و امادگی در حد توانایی جسمی و روحی بنابر انتظار عرف داشته باشد هرچند قانون در مورد برطرف کردن نیازهای جنسی همسر به عبارت حسن معاشرت اکتفاء کرده است لکن در فقه به این مورد گوشزد شده و گفته شده است که شوهر

---

58. پروین، فرهاد و وحیده حسینی، شرایط، قلمرو و آثار فقهی و حقوقی ریاست زوج در رابطه با

زوجه، شماره 3، ص 71

59. میرزا خسروانی، تفسیر خسروی، ص 197.

60. موسوی خمینی، صحیفه امام، ص 745.

حق دارد از همسر خویش بهره ببرد مگر در زمانی که برای زن منع شرعی و یا وظیفه مهم تری وجود داشته باشد.<sup>61</sup>

و همچنین امام خمینی در این باره گفته اند که: زنی که عقد دائمی شده نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود و باید خود را برای هر لذتی که او می‌خواهد تسلیم نماید و بدون عذر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند و اگر در اینها از شوهر اطاعت کند تهیه غذا و لباس و منزل او و لوازم دیگری که در کتب ذکر شده بر شوهر واجب است و اگر تهیه نکند چه توانایی داشته باشد یا نداشته باشد مدیون زن است.<sup>62</sup>

لازم به بیان است که این حق و برآورده کردن نیازهای شوهر محدود به شوهر نبوده و یک حق کاملاً مشترک بین زوجین می‌باشد حال باید گفت علاوه بر این گونه تمکین و لزوم اجابت خواسته‌های مشروع شوهر همچون کام جویی و به طبع ان مسکن‌گزینی و سرپرستی شوهر در امور خانواده و فرزندان نیز باید از طرف زوجه پذیرفته شود و همچنین نظارت بر اعمال و رفت و آمد و معاشرت زن تا حدی که به مصالح خانواده و شئون زناشویی مربوط است باید از طرف زوجه پذیرفته گردد و حقوقدانان این را به معنی تمکین عام می‌دانند ولی نباید اشتباه برداشت شود که این ریاست زوج و قوامیت او در جایی غیر از زوجیت و امور مربوط به مصالح خانواده پذیرفته شده است و شوهر نمی‌تواند ازادی‌ها و حقوق مشروع زن را نادیده گیرد

### ج: تبعیت از مرد در محل اقامتگاه و مسکن

واضح و روشن است که اختیار انتخاب محل زندگی زوجین طبق ماده 1114 قانون مدنی با زوج است و زن در آن دخالتی ندارد مگر اینکه این اختیار را شوهر به زوجه واگذار کرده باشد و یا خلاف شأن اجتماعی زن باشد و یا ضرر جانی و جسمی برای زن داشته باشد و همچنین زوجین می‌توانند و حق دارند که در انتخاب محل زندگی خود با هم به توافقاتی برسند که می‌تواند این حق با زوجه باشد و نیز برخی دیگر از زنان هستند که ممکن است حق انتخاب محل سکونت در زندگی مشترکشان را ضمن عقد نکاح شرط کنند. و لازم به بیان است محل اقامت

61. خوئی، مصباح الفقاهه، ص 109.

62. موسوی خمینی، (1378). صحیفه امام، ص 381

زوجین طوری باشد که هم مورد قبول زن باشد و هم مورد قبول مرد و به گونه ای باشد که زوجین در آن آرامش داشته و بتوانند در کنار هم یک زندگی سرشار از عشق را شروع کنند.

### د: تبعیت از مرد در خروج از منزل و ورود دیگران به منزل

خروج زن از منزل باید با اجازه همسرش باشد مگر اینکه برای انجام تکالیف دینی؛ مثل حج واجب یا برای انجام مداوا از منزل خارج شود یا ماندن در خانه ضرر جانی بدنی و شرافتی برای زن داشته باشد بر اساس اصل برائت و اباحه اعمال در راستای آزادی و کرامت زن و برابری انسانها خروج زن از منزل و معاشرت وی بی آنکه مقارن با مفسدهای باشد باید عملی روا تلقی شود اما با عنایت به حقوق شوهر و تکالیف متقابل زن بویژه تمکین او در برابر کامجویی شوهر و همچنین با در نظر گرفتن مصالح خانواده و مسئولیت شوهر در حفظ و صیانت زن این حق زن با اشکالها و ابهامهایی مواجه شده است

نظریه مشهور در فقه امامیه بر این است که زن برای خروج از منزل شوهر لازم است که رضایت او را به دست آورد و در مقابل شوهر می تواند زن را از بیرون رفتن از خانه منع کند اگر چه این عمل زن با حقوق شوهر منافاتی نداشته باشد.<sup>63</sup>

شهید ثانی نوشته است: از جمله تکالیف زن در برابر شوهر این است که از منزل بدون اذن او خارج نشود حتی اگر برای دیدن و عیادت بیماران و حضور در مراسم فوت یکی از اقوامش باشد.<sup>64</sup> نیز چنین عقیده ای را ابراز داشته اند خروج زن از خانه به هر برخی از حقوقدانان نیز متأثر از چنین باور غالبی گفته اند: «از نظر فقهی اصولی منظور این است که خروج زن از خانه باید با موافقت شوهر انجام پذیرد»<sup>65</sup> به هر حال مبنای این باور می تواند از یک سو اعتقاد به لزوم اطاعت زن از شوهر به صورت مطلق باشد و از سوی دیگر میتوان پایه نظریه مزبور را بر این ادعا قرار داد که حق کامجویی شوهر مطلق است و هیچ قید و شرطی آن را محدود نمی سازد بنابراین زن باید برای خارج شدن از منزل که زمینه بهره جویی مرد را از میان میبرد اجازه بگیرد البته در اثبات این نظریه برخی به آیه 33 سوره احزاب تمسک جسته اند که<sup>66</sup>

63. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی التفسیر القرآن، ج 4، 317

64. موسوی خمینی (ره)، صحیفه امام، ص 745

65. محقق داماد، بررسی فقهی حقوق خانواده، ص 316.

66. وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى

توضیح اینکه: آیه 33 سوره احزاب در خطاب به همسران پیامبر -صلی اهلل علیه و آله- و در مقام توصیه به حفظ عفت و حجاب است که در خانه های خود بمانید و همچون جاهلیت نخستین - که زنان با پیراهن های بدن نما بیرون می آمدند در میان مردم ظاهر نشوید روشن است که از این جهت به ممنوعیت خروج زن بدون کسب اجازه شوهر ارتباطی ندارد

و همانطور که برخی از فقیهان معاصر اشاره کرده اند ناروا بودن خروج زن از منزل و وجود حق منع به طور مطلق برای شوهر با قاعده امساک به معروف (طلاق / 2) و معاشرت نیکو با زن (نساء / 19) مغایرت دارد و از سوی دیگر قاعده نفی حرج از انسان در دین اسلام راه را بر چنین باوری مسدود می سازد چرا که با به رسمیت شناختن چنین حقی برای مرد به او اجازه داده می شود که حتی زن خود را به طور ابد زندانی و در بند خانه خویش قرار می دهد.<sup>67</sup>

### ه: تبعیت از مرد در اصل شاغل بودن و نوع شغل

حال نوبت به مسئله اصلی و اشنایی کوتاه با آن رسیده است گفتیم که شوهر ریاست بر خانواده را بر عهده دارد و مسئول در حفظ سلامت خانواده و حیثیت آن می باشد و به همین دلیل حق دارد اگر شغل همسر خود را بر خلاف عرف و زمان و مکان و موقعیت و حیثیت زن و مرد دید با آن مخالفت کرده و در آن دخالت کند می دانیم که فعالیت و اشتغال زوجه از حقوق قانونی و شرعی زوجه به حساب می آید و می تواند با رعایت موازین شرعی، به حرفه ای که متناسب با شئون خویش باشد مشغول گردد و اصل 20 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز این مطلب را تایید می کند. واضح می باشد که هر اشتغالی از جمله اشتغال زوجه به طور معمول در بر دارنده خروج زن از خانه می باشد و در نتیجه اشتغال او نیاز به کسب اجازه از شوهر دارد و می تواند همسر خود را از هرگونه اشتغالی در خارج از خانه منع کند برخی از اندیشمندان معتقدند:

"چنانچه زن در هنگام ازدواج شاغل نبوده و با شرط اشتغال ازدواج انجام نکرده باشد شوهر می تواند مطلقاً زن را از اشتغال به هر گونه حرفه در بیرون خانه منع کرد.<sup>68</sup>

در ماده 1117 قانون مدنی گفته شده است: «شوهر میتواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند» این ماده حق شوهر و نیاز به اجازه و اختیار داشتن شوهر در این

67. فضل الله، تاملات اسلامیة حول المرأة، ص 90.

68. محقق داماد، بررسی فقهی حقوق خانواده، ص 316.

باب را محدود به شغل های پس از ازدواج نکرده است بلکه آن را به شغل های سابق نیز تسری داده و گفته اند که: «رضایت شوهر نیز از اختیار قانونی او نمی‌کاهد؛ زیرا منع زن تنها حق مرد نیست که بتوان ادعا کرد با اعلام رضایت ساقط شده است بقای این اختیار در زمره مسائل مربوط به نظم عمومی است و اعمال آن در شمار تکالیف و مسئولیت های شوهر در اداره خانواده است».<sup>69</sup>

امام خمینی در سخنانشان وظیفه اصلی زن را تربیت فرزندان صالح بیان کرده اند و گفته اند که: « شما خانم ها معلم هستید؛ دو شغل شریف دارید یکی شغل تربیت فرزند که این از همه شغل ها بالاتر است یک فرزند خوب شما اگر به جامعه تحویل بدهید برای شما بهتر است از همه عالم».<sup>70</sup>

## مبحث سوم: پیشینه تاریخی موضوع

1) کاتوزیان (1393): در قوانین موضوعه به شیوه های متفاوت به حق کار زنان اشاره شده است که به چند نمونه ی آن اشاره خواهد شد: در قانون اساسی آمده است: هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند در همین اصل دولت موظف شده است برای همه ی افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید در اصل 43 بند 3 رعایت آزادی انتخاب شغل به طور مطلق یکی از ضوابطی تلقی شده که اقتصاد جمهوری اسلامی بر آن استوار است بر اساس این ماده زنان نیز در چارچوب موازین اسلامی و مقررات قانونی حق انتخاب شغل دارند که باید رعایت گردد در ماده ی 9 قانون کار آمده است: اصل بر صحت کلیه ی قراردادهای کار است مگر آنکه بطلان آن از سوی مراجع ذی صلاح به اثبات برسد این ماده با اطلاق خود بر اصل حق کار زنان دلالت می کند در ماده ی 6 قانون کار آمده است: همه ی افراد اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون کار قرار دارند و هر کس حق دارد شغلی را که به آن تمایل

69. صفایی، حقوق خانواده، ص 235.

70. موسوی خمینی، صحیفه امام (دوره 22 جلدی)، ص 90.

دارد و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حق دیگران نیست برگزیند پس در چارچوب احکام اسلامی و مصالح عمومی و حقوق دیگران در قوانین موضوعه حق کار زنان به رسمیت شناخته شده است

2) صفایی (1392): در اسلام از همان آغاز - در کنار حق کار زنان - حق مالکیت آنان را نیز به رسمیت شناخته است در عصری که جوامع برای زن هیچ گونه حقوق اقتصادی قایل نبودند و حتی زن از حقوق اولیه ی انسانی محروم بود اسلام برای زن حقوق مالی و اقتصادی وضع نمود: «لررجال نصیب مما اكتسبوا و للنساء نصیب مما اكتسبن» (نساء: 32) قرآن مجید در این آیه ی کریمه همان گونه که مردان را در نتایج کار و فعالیتشان ذی حق دانسته زنان را نیز در نتیجه ی کار و فعالیتشان ذی حق شمرده است در نظام حقوقی اسلام همزمان با به رسمیت شناختن حق کار زنان - در چارچوب مقررات اسلامی - استقلال مالی زنان را نیز پیش بینی شده و دست مرد از دستاورد کار و تلاش زنان کوتاه شده است علاوه بر این زن مکلف به پرداخت مخارج خانواده هم نیست بر خلاف نظام حقوقی غرب که زن باید بخشی از دارایی خود را صرف مخارج خانواده نماید از این رو اسلام به زن امتیاز داده و نفقه ی او را بر مرد واجب ساخته است همچنین با استقلال مالی زن بنیان و کانون گرم خانواده را حفظ و حراست نموده و اساس خانواده را متزلزل نکرده است

3) واحدی (1388): هر کس برای دیگری کار می کند باید مزد عادلانه دریافت کند با قطع نظر از اینکه نیروی کار مرد است و یا زن در اسلام در خصوص دست مزد میان زن و مرد تفاوتی وجود ندارد در حالی که در برخی از کشورهای صنعتی زن را که دست مزد کمتری از مرد می طلبد به کار می گیرند و در کارهای یکسان بین زن و مرد تبعیض روا می دارند آمارهای بین المللی نشانگر آن هستند که در کشورهای صنعتی دست مزد زنان معادل 50 تا 80 درصد دست مزد مردان است اما از نظر اسلام اگر زن در خانه و یا در هر جای دیگر کار می کند همان حقوقی را دارد که به مرد تعلق می گیرد منظور از «حقوق عادلانه» حقوق مساوی نیست بلکه هر کس باید به اندازه ی ارزش کار خود مزد بگیرد یک کارگر زن ممکن است به اندازه ی یک کارگر مرد و یا حتی بیش از او هم کار کند بنابراین باید به همین نسبت حقوق بگیرد؛ یعنی زن بودن نباید معیار باشد خود کار و شرایط آن ملاک است بر اساس ماده ی 38 قانون «کار» از جمله تعهدات کارفرما در برخورد با کارگر زن این است که برای کار مساوی باید به کارگر زن دست مزد مساوی با کار مرد پرداخت نماید: برای انجام کار مساوی که در شرایط مساوی در یک کارگاه انجام می گیرد باید به زن و مرد مزد مساوی پرداخت شود تبعیض در تعیین میزان مزد بر اساس سن، جنس، نژاد، قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی ممنوع است

4) شریعتمداری (1385): در اسلام برخی شرایط عمومی به خاطر مصالح جامعه و امنیت زنان برای حضور زن در جامعه در نظر گرفته شده اند که رعایت آنها در محیط کار نیز الزامی است از جمله ی این شرایط رعایت

حجاب است در عین حال اسلام زن را در محیط خانه محبوس نکرده و جلوی بروز استعدادهای او را نگرفته است مبنای حجاب این است که التذاذ جنسی باید در محیط خانه و به همسر مشروع اختصاص یابد و محیط کار خالص برای کار و فعالیت باشد از سوی دیگر حجاب نه تنها نیروی کار زن را فلج نمی کند بلکه موجب تقویت نیروی کار اجتماع نیز می شود قرآن کریم در آیات متعددی زنان را مکلف به رعایت حجاب نموده است که با رعایت این تکلیف شرعی زنان و مردان در محیط جامعه با آرامش روحی و روانی کارهای خود را انجام خواهند داد قرآن معاشرت های اجتماعی را تکلیف زنان و مردان دانسته و زنان را به روسری بلند بر خود انداختن پوشش فرو گرفتن و پرهیز از تبرج جاهلی (ظاهر کردن زینت) مکلف ساخته است از دیگر شرایط عدم اختلاط و رعایت حریم است که عدم رعایت آن خطر شکستن حصار عفاف و پاک دامنی را در پی دارد.

5) محمدی گیلانی (1390): از زمان پدید آمدن انقلاب صنعتی و ظهور کارخانه های صنعتی به اشتغال و ارزش اقتصادی زن بها داده شد و در مقابل اعتبار مادری او را کم کردند و به اینکه او مربی با روح لطیف و مناسب برای تربیت اولاد است کمتر توجه شده این در حالی است که تربیت و پرورش کودک بسیار مهم و جزو نیازهای اساسی یک جامعه است با پست جلوه دادن کارهای خانه زنان نسبت به تربیت کودکان بی رغبت شده اند از سوی دیگر در بسیاری از موارد کارهای بیرون از خانه به گونه ای هستند که جمع بین وظیفه ی مادری و تربیت فرزندان و کار را عملاً دشوار می کنند و این تعارض موجب شده است زن در غرب از وظایف فطری و متناسب با وضعیت جسمی خود فاصله بگیرد و در نتیجه کودکان دچار انواع انحرافات اخلاقی شده و چه بسا به مجرمان بسیار خطرناک مبدل شوند در جوامع سنتی وظایف مادری و تربیتی و کار تا حد زیادی قابل جمع بود و طبعاً کار زنان این گونه پیامدهای سوء را به دنبال نداشت اما امروزه کار کردن زن بیرون از خانه در بسیاری از موارد به زیان خانواده و فرزندان و زندگی خانوادگی تمام می شود زن آن گاه که بر اثر پیشرفت صنعتی وارد صحنه ی کار می شود بخش بزرگی از آرامش روانی خود را از دست می دهد و مشکلات بسیاری که دوری از خانه بر او تحمیل می کنند به وجود می آیند.

## فصل دوم:

# تبیین قلمرو فقهی و حقوقی اشتغال زوجه در روابط زوجین



## مبحث اول: حق اشتغال در قوانین

در این مبحث بر آن شدیم که ابتدا حق اشتغال زوجه را اسباط کرده و سپس به حالات مختلف آن و مغایرت های آن با زندگی زوجه بپردازیم

### گفتار اول : حق اشتغال در قانون مدنی و اساسی

با توجه به اینکه در فصول گذشته به بررسی اشتغال زوجه در قانون اساسی و قوانین عادی پرداخته شد لکن به صورت خلاصه و اجمالی به بیان این قوانین می پردازیم. در قانون اساسی 3 اصل 21 و 28 و 43 با توجه به اینکه از الفاظ عامی همچون ، همه ، هرکس و تمام جهات استفاده کرده است می توان فهمید این حقوق برای تمامی افراد جامعه است و فرقی بین زن و مرد ندارد و در حق اشتغال زن و مرد مساوی می باشد.

حال که اشتغال زوجه در قانون اساسی را بیان کردیم حال نوبت به بیان قوانین عادی نسبت به اشتغال زوجه می رسد، یکی از اصلی ترین قوانین مربوط به اشتغال زوجه ماده 1117 قانون مدنی می باشد که گفته است: " شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند" این ماده گفته است زوج در برخی از شرایط می تواند زوجه را از اشتغال منع کند و در صورتی که این شرایط و موارد

وجود نداشته باشد برای شوهر چنین حقی وجود ندارد و نمی تواند همسر خود را از اشتغال منع نماید و این ماده در اصل بیان کننده این می باشد که برای زوجه حق اشتغال قطعی می باشد لکن در صورتی شغلی که زوجه انتخاب می کند دارای شرایطی باشد که در قانون آمده است زوج می تواند از اشتغال زوجه در آن شغل ممانعت کند.

یکی دیگر از قوانین مربوط به اشتغال زوجه قانون کار می باشد با توجه به اینکه قانون کار برای تمامی افراد شاغل می باشد فلذا مواردی مربوط به زنان در آن بیان شده است در فصل سوم قانون کار مبحث چهارم آن مواد 75 الی 78 بیان کرده است که برای زنان اشتغال و به کارگیری آنان در مشاغل سخت و زیان آور و همچنین در مورد مرخصی بارداری و زایمان قوانینی بیان شده است، همین نشان دهنده این مطلب می باشد که حق اشتغال زوجه در این قانون مسلم دانسته شده و به جای اینکه بگوید ایا برای زنان و زوجه که زایمان دارد حق اشتغال وجود دارد یا خیر؟ به بحث مرخصی دوران بارداری پرداخته و این نشان دهنده مسلم بودن حق اشتغال زوجه در قانون کار می باشد.

قوانین دیگری داریم که در آنها به حق اشتغال زوجه اشاره شده است که برخی از این قوانین صریحا چگونگی اشتغال برای زوجه را بیان کرده است همانند ماده 20 قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب 1370 و قانون خدمت نیمه وقت بانوان مصوب 1362 و ماده 20 قانون مقررات استخدامی نیروی انتظامی ایران مصوب 1374 و تبصره 5 ماده واحد قانون اصلاح و قانون الحاق 5 تبصره به قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب 1374 و همچنین ماده 32 قانون ارتش ایران مصوب 1366<sup>71</sup> یکی دیگر از قوانین مهمی که به اشتغال زنان پرداخته است مصوبات سال 1371 شورای عالی انقلاب فرهنگی در این زمینه می باشد که در آن قوانین مناسبی در این خصوص بیان شده است در ماده 2 این تصویب نامه گفته شده است که "اشتغال بانوان در مشاغل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، اداری از جمله شرایط و لوازم تحقق عدالت اجتماعی و تعالی جامعه است و باید به آن توجه شود"

---

71. آرتیدار، قوانین و مقررات ویژه زنان، ص 199.

## گفتار دوم: اشتغال زوجه در دوران زناشویی

قرن هیجدهم میلادی جهان شاهد دو دگرگونی بسیار مهم و تاثیرگذار، همزمان در اروپا بود یکی رشد افکار آزادی خواهانه و لیبرالیستی و دگرگونی دیگر ماشینی شدن صنایع بود که هر دوی این تحولات روابط انسانی و اجتماعی پیشین را تغییر دادند در همین زمان بود که مکتب فردگرائی فلسفی در انقلاب 1789 فرانسه باعث گردید مباحثی همچون برابری افراد و آزادی انسان در روابط اجتماعی مطرح گردد که این اتفاق مقدمه عنوان شدن اشتغال زن به عنوان یکی از نتایج این برابری شده بود از طرفی در دنیای کنونی لازمه گرایش زنان به کسب دانش و آشنائی با فنون علمی و تکنولوژی روز اشتغال آنان در کنار مردان و افزایش روابط حقوقی و اجتماعی آنان در بیرون از خانه است.

بررسی اشتغال زن از نظر قوانین، گذشته از اینکه مسئله مورد بحث از مسائل مربوط به نظم عمومی است یا مسائل خصوصی که توافق بر سر آن را معتبر بدانیم یا بی اعتبار باید ببینیم قوانین در این زمینه چه حقوق و تکالیفی برای زن و شوهر در نظر گرفته اند طبق ماده 1117 قانون مدنی " شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند « ماده 18 قانون حمایت خانواده مصوب 1353 نیز مقرر می دارد «شوهر می تواند با تایید دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود با زن باشد منع کند زن نیز می تواند از دادگاه چنین تقاضایی را به نماید دادگاه در صورتی که اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود مرد را از اشتغال به شغل مذکور منع می کند « ضمانت اجرای تخلف از چنین حکمی طبق بند 7 از ماده 8 همین قانون جواز طلاق برای شوهر یا زن است در واقع تخلف یکی از طرفین از موجبات درخواست طلاق برای طرف مقابل و صدور گواهی عدم امکان سازش است مفاد حکم قانون مدنی با آنچه در قانون حمایت خانواده آمده است تفاوت چندانی ندارد جز اینکه در قانون اخیر این حق برای زن نیز در نظر گرفته شده است و کسی را که مدعی منافی بودن شغل همسر خود با مصالح خانوادگی یا حیثیات خود است باید در دادگاه طرح دعوا نموده و این موانع را اثبات کند و بعد از احراز صحت ادعا با تأیید و جواز دادگاه مانع از ادامه اشتغال همسر خود بشود اما مسئله بدین جا ختم نمی شود بلکه باید دید آیا در تعیین اینکه چه شغلی منافی با مصالح خانوادگی است می توان قاعده ای تعیین نمود یا خیر به نظر می

رسد در این زمینه نمی توان ضابطه خاص و ثابتی را در نظر گرفت و در تشخیص این مسئله باید دو جنبه نوعی و شخصی را در نظر گرفت.

از لحاظ نوعی و عرفی قطعاً مشاغلی وجود دارد که با حیثیات هیچ انسان متعارفی سازگار نیست و قانون نیز آنها را به رسمیت نمی شناسد مانند فالگیری در خیابان یا نظافت ماشینها به صورت دوره گردی پرداختن هر یک از زوجین بدین گونه مشاغل حق رجوع به دادگاه برای منع قانونی از شغل مذکور را ایجاد می کند اما همیشه داوری این گونه آسان نیست زمانی که پای جنبه شخصی مسئله به میان می آید عوامل بسیار زیادی در تصمیم گیری دادگاه نقش دارد تشخیص مخالف بودن شغلی با حیثیات یکی از طرفین بوسیله انطباق آن با : شرایط زندگی وضع اجتماعی زن و مرد سطح خانواده آنها موقعیت اجتماعی اقتصادی و مذهبی طرفین سوابق کاری آنها و محیطی که در آن پرورش یافته اند و وضعیتی که اکنون در آن زندگی می کنند و جایگاه طرفین در میان اقارب و نزدیکان ممکن می گردد.

پس امکان دارد حرفه ای از لحاظ نوعی در زمره اشتغال آبرومندانه باشد اما پرداخت یکی از زوجین بدان منافی با شئونات خانواده آنها در آن موقعیت و وضعیت خاص باشد یا شغلی که غالباً آن را موجب بی ابرویی می دانند لیکن متناسب با وضعیت زندگی کسی باشد که بدان می پردازد پس در هر مورد کسی که می خواهد منافی بودن این حرفه ها را با حیثیات خود در دادگاه ثابت کند باید اول از همه وضعیت و موقعیت خانواده خود را اثبات کند و بعد عدم تناسب شغل همسر خود با مصالح خانوادگی را برای دادگاه احراز کند مدعی در این راه می تواند از اماره های قضائی و ظواهر موجود به نفع خود بهره گیرد چنانچه شغلی با حیثیات غالب خانواده ها سازگار نباشد دادگاه بدون بررسی جنبه شخصی مسئله می تواند صحت ادعا را اعلام کند مگر این طرف مقابل تناسب آن را با شئونات خانواده خود ثابت کند حکم دادگاه از این جهت که وضعیت پیشین را اعلام می کند اعلامی است اما از جهت ایجاد منع برای اشتغال تأسیسی است یعنی از همان لحظه صدور حکم منع و آثار آن حاصل می شود نه این که کاشف از ممنوع بودن همسر در پرداختن به آن شغل باشد

حال نوبت این است که ببینیم با منع زوجه از اشتغال نتیجه قرارداد زوجه با شخص ثالث چه می شود؟ آیا منع دادگاه موجب ابطال قرارداد کاری زوجه می شود یا این قرارداد منفسخ شده یا به شوهر یا زن حق فسخ آن داده می شود بعضی از اساتید قائل به ابطال این قرارداد به موجب حکم دادگاه داده اند.

در نظام حقوقی ایران بر خلاف حقوق خارجی، قراردادی که صحیحاً منعقد شده باشد دیگر امکان ابطال آن وجود ندارد. چرا که سببی که جدیداً حادث گردیده اگر در عقد سابق موثر باشد حداکثر تأثیر آن انفساخ یا ایجاد حق فسخ برای متضرر است و از این جهت نیز سبب حادث می باشد نه اینکه کاشف از بطلان عقد باشد پس ابطال این قرارداد به معنای اخص امکان ندارد از طرف دیگر ایفای تعهدات این قرارداد بعد از حکم دادگاه منع شده است پس باید دید تأثیر این منع در این قرارداد چیست از ظواهر حکم قانون چنین بر می آید که حکم دادگاه از موجبات انحلال عقد نیست و سبب ابطال عقد نیز نمی باشد از طرفی حکم قانون حق فسخی به متعهد یا ثالث (شوهر) نیز نمی دهد پس با این وجود به نظر می رسد که منع دادگاه تأثیری در وضعیت قرارداد ندارد و حق فسخ به ثالث نیز نمی دهد لیکن بر مبنای تعذر از اجرای مفاد عقد مستنبط از ماده 240 ق.م.م تعهد له حق فسخ قرارداد را دارد اما در هر صورت زن دیگر ملزم نیست که تعهدات این قرارداد را ایفاء کند و اجبار زن نیز از طریق دادگاه به ایفای تعهدات قراردادی ممکن نیست با وجود این طرف دیگر قرارداد می تواند مطابق ماده 226 قانون مدنی خسارت ناشی از عدم اجرای تعهدات را از زن مطالبه کند و منع دادگاه از مصادیق قوه قاهره نمی باشد که به مواد 227 و 229 قانون مدنی استناد شود و به موجب آن زن از دادن خسارت عدم اجرای تعهد معاف شود چرا که زن با اراده خویش خود را در چنین وضعیتی قرار داده است و این مورد از مصادیق حادثه خارجی نیست.

اما اگر متعهدله قرار داد را فسخ نکند و زن با وجود منع دادگاه از اشتغال به اجرای تعهدت قرارداد اقدام کند نمی توان گفت ایفای تعهد صورت نگرفته یا اعمال حقوقی که در راستای اجرای تعهدات خود انجام داده است باطل و بی اثر است بلکه این اقدام زن را ناشزه می کند و مرد بر مبنای نشوز می تواند در خواست طلاق کند (مواد 1130 قانون مدنی و ماده 8 قانون حمایت خانواده) و طبق بند 3 ماده 16 قانون حمایت خانواده مجوز اختیار همسر دوم برای مرد نیز است علاوه بر این موارد عدم توجه زن به منع دادگاه طبق ماده 1108 ق.م.م موجب عدم استحقاق وی به نفقه در دوران نشوز است چرا که مصداق بارز عدم تمکین می باشد و طبق ماده 1109 این قانون طلاق در چنین وضعیتی تکلیف شوهر را در دادن نفقه مطلقه رجعیه ساقط می کند بحث مهم دیگری که مطرح می شود این است که اگر زن قبل از دوران زناشویی به شغلی مشغول بوده و بعد از ازدواج با آگاهی مرد از این شغل آن را ادامه دهد یا ضمن عقد ازدواج شوهر اذن به ادامه این شغل را به زن داده باشد آیا وی می

توان منع زن را از دادگاه بخواهد و چنین منعی امکان دارد یا بر مبنای قاعده اقدام شوهر قادر بر منع زن توسط دادگاه نیست.

با وجود این که بعضی از اساتید حقوق توسل به قاعده اقدام را در این زمینه موجه می دانند به نظر می رسد در این مورد نمی توان شوهر را از درخواست منع زن خود بازداشت و این حق را از وی سلب کرد چرا که در حقوق خانواده بحث مطلق منافع شخصی زن و شوهر مطرح نیست جامعه با سلامت یا فساد چنین نهادی متأثر می شود و هر جا که حیثیات و مصالح خانواده ای زیر پا گذاشته اولین ذینفع دعوا جامعه است و نفع اقارب و خویشان طرفین در سلامت خانواده را نیز نمی توان نادیده گرفت پس در این مورد نیز مرد می تواند برای منع زن خود از ادامه شغلش اقامه دعوا نماید هر چند ضمن عقد صریحاً اذن داده باشد اما به هیچ عنوان بر مبنای تخلف از شرط نمی تواند نکاح را فسخ کند چرا که موجبات فسخ نکاح بر خلاف سایر قراردادها به صورت حصری در قانون احصاء شده است که خیار تخلف شرط از این مواجب نیست.

در این رابطه ارتباط نظم عمومی با مسئله اشتغال زن آشکار می شود و هر گونه شرطی که ضمن عقد نکاح پیرامون اشتغال زن و مرد درج شود در صورتی که با مصالح خانواده در تعارض باشد مخالف نظم عمومی بوده و باطل می باشد بدون اینکه مبطل نکاح باشد اما آگاهی شوهر از شغل پیش از ازدواج یا شرط جواز ادامه شغل زن ضمن عقد نکاح به عنوان یک رویداد خارج از مسائل قراردادی نمی توان بی اثر باشد بلکه در زمینه هائی آثار حقوقی خاصی به بار می آورد یکی از این موارد زمانی است که زن به موجب قراردادی قبل از ازدواج تعهداتی را عهده دار شده است یا ضمن عقد مرد اجازه پرداختن زن به این شغل را داده است در اینجا همانطور که گفته شد در صورت منع دادگاه زن دیگر ملزم به اجرای تعهدات خود نیست و اجبار وی نیز ممکن نمی باشد و متعهدله می تواند خسارت عدم اجرای تعهد را از وی بگیرد (در اینجا خسارت تأخیر در اجرای تعهد مطرح نمی باشد)

در این فرض بر خلاف موردی که قبلاً گفته شد در ممتنع شدن اجرای این تعهدات شوهر نیز نقشی قاصرانه دارد که جای توسل به قاعده اقدام است و انگشت ضمان به سوی او نیز اشاره می رود گذشته از این که متعهدله می توان مستقیماً به شوهر رجوع کند یا خیر نقش مسئولانه وی را در خسارات قرارداد نمی توان انکار کرد چرا که خود وی با آگاهی و حتی اجازه اشتغال به زن خود را در چنین موقعیتی قرارداد داده است و عادلانه نیست که زن را

مسئول خسارات عدم اجرای چنین قراردادی دانست چرا که طبق ماده 1105 ق.م ریاست خانواده با شوهر است و وی مسئول خساراتی است که از عدم لیاقت و کارآمدی وی در اراده خانواده از زمان تشکیل آن ایجاد می شود البته مشروط بر اینکه شوهر قبل از ازدواج قاطعانه مخالفت خود را با شغل زن اعلام نکرده باشد چرا که صرف ازدواج با چنین زنی اقدام محسوب نمی شود اما در اینجا متعهدله حق مراجعه مستقیم به شوهر را ندارد چرا که شوهر بر اساس حفظ سلامت خانواده از حق خویش استفاده کرده است و ممتنع از اجرای قرارداد زن محسوب می شود و می تواند بعد از پرداخت خسارت به طرف قرارداد برای دریافت معادل آن به همسر خود رجوع نماید و علت وجود چنین حقی نیز مسئولیت مدنی و قاعده تسبیب است که قطعاً باید رابطه سببیت عرفی بین عمل مرد و وارد شدن خسارت به زن وجود داشته باشد.

در این دعوا از لحاظ اثباتی زن مدعی است و باید تقصیر مرد را در ادامه شغل خود ثابت کند البته مبنای مراجعه زن به شوهر برای دریافت خساراتی که به متعهدله داده است می تواند قاعده غرور نیز باشد در جایی که زن با اذن شوهر به شغل ادامه داده است و آن را حمل بر سازگاری این شغل با حیثیات خانوادگی خویش می کند مگر این که مرد خلاف آن و آگاهی زن را ثابت کند که در این صورت از دادن خسارت به زن معاف می شود این حکم در فرضی که مرد بعد از ازدواج اذن اشتغال زن به شغلی را می دهد و زن نیز تعهداتی را برای ادامه شغل خود بر عهده می گیرد و بعد با منع دادگاه مواجه می شود پر رنگ تر است و ظاهری که ایجاد می کند در هر حال زن را در جایگاه مدعی علیه قرار می دهد همچنین اگر زن با توجه به ماده 1118 ق.م به استقلال در دارایی خود تصرف کند و با آن معاملاتی انجام دهد که شغل وی محسوب شود در صورت منع دادگاه و ادامه این وضعیت ناشزه محسوب می شود.

### **گفتار سوم: مصالح خانواده و امکان ممانعت از اشتغال زوجه**

در فصل اول گفتیم که شغلی که با مصالح خانواده مغایرت داشته باشد به زوج این توانایی را می دهد که از دادگاه درخواست جلوگیری از اشتغال زوجه را بنماید حال چه اموری و چه شغل هایی با مصالح خانواده منافات دارد دارای ضابطه روشنی نمی باشد ولی بر آن هستیم که یک ضابطه ای در مغایرت این شغل زوجه با مصالح خانواده بیان کنیم که این موارد می تواند:

1: در ماده 1168 قانون مدنی گفته شده است که نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبین است این قانون می گوید علاوه بر حق بودن وظیفه زوج و زوجه نگهداری فرزندان خود است و هرچه که جلوی نگهداری فرزندان را بگیرد ممنوع می باشد و اشتغال زوجه در صورتی که مانع از انجام اموری که بر عهده زوجه در قبال فرزندان است ممنوع است.

2: ماده 1104 قانون مدنی می گوید: زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یگدیگر معاضدت نمایند این ماده بیان می کند که تحکیم خانواده وظیفه ای است که بر دوش زوج و زوجه می باشد در نتیجه هر امری که مانند شغل و اشتغال زن اگر موجب سستی بنیان خانواده گردد زوج می تواند با آن مخالفت نماید

### **بند اول: حیثیت زوج و زوجه و امکان ممانعت از اشتغال زوجه**

در ماده 1117 قانون مدنی گفته شده است که "منافات داشتن شغل زوجه با حیثیات خود یا شوهر" که باید بگوئیم این ماده بسیار در بحث اشتغال زوجه ورود کرده است و شرایط آن را بیان کرده است و که یکی از آنها حیثیات زوج یا زوجه می باشد یعنی زوجه باید شغلی را انتخاب کند که منافاتی با جایگاه اجتماعی خود و همسرش نداشته باشد و تنها ملاک نباید ملاک مادی باشد و اگر حیثیت یکی از طرفین مورد توجه قرار نگیرد و بر خلاف حیثیت باشد مرد می تواند همسر خود را از اشتغال به چنین شغلی که منافات با حیثیت دارد مخالفت نماید و مانع آن شود.

شاید گفته شود حیثیت زن با حیثیت مرد تفاوت دارد لکن می گوئیم بعد از ازدواج دیگر تفاوتی بین زن و شوهر در حیثیت وجود ندارد چرا که با ازدواج کردن این دو باهم دیگر منافع زن و شوهر و حیثیت این دو باهم یکی شده است و قابل جدایی نمی باشد در نتیجه هرکس نمی تواند برای خودش تصمیم بگیرد مثلا اگر زوجه شغلی را در منافات با حیثیت خود ندید لکن با حیثیت زوج منافات داشت نمی تواند آن شغل را انتخاب کند و نسبت به مخالفت شوهر با آن شغل و حیثیت شوهر بی اعتنا باشد لازم به بیان است که شرعی بودن یک شغل دلیل به منافات نداشتن با مصالح خانواده یا حیثیت زوجین نمی باشد بلکه در عین حال که یک شغل شرعی بوده و از لحاظ شرع جایز می باشد می تواند با مصالح خانواده و حیثیت زوجین منافات داشته باشد مثلا همسر یک



دانشمند یا یک پزشک نمی تواند منشی یک دفتر کوچک اقتصادی باشد و یا مشغول به دست فروشی باشد به خوبی واضح است که این شغل ها تماماً شرعی بوده ولی زوجه نمی تواند به این شغل ها اشتغال پیدا کند چرا که در برخی موارد با حیثیت زوج و گاهی نیز در تربیت فرزندان اختلال ایجاد می کند و موجب مغایرت این شغل با مصالح خانواده می گردد.

### **بند دوم: تنافی شغل زوجه با حیثیات زوجین**

همچنین در ماده ۱۱۱۷ ق.م آمده: «منافات داشتن شغل زوجه با حیثیات خود یا شوهر» ممکن است فردی با نگاه مادی محض و بدون لحاظ موقعیت اجتماعی خود یا همسر شغلی را برگزیند در این صورت مرد حق دارد با آن مخالفت نماید نمی توان بین حیثیت مرد و زن تفاوت قایل شد زیرا پس از ازدواج بین منافع زن و شوهر و نیز آبرو و حیثیت آنان پیوند ناگسستنی برقرار می شود بنابراین زن نمیتواند به این دلیل که شغلش تنها با حیثیت وی مغایرت دارد و هر کسی حق دارد راجع به خود تصمیم بگیرد به مخالفت شوهرش بی اعتنا باشد البته بین مغایرت شغل با مصالح خانواده یا حیثیات زوجین با غیرشرعی بودن همان شغل هیچ ملازم های وجود ندارد به بیان دیگر ممکن است شغلی مشروع باشد در عین حال با مصالح خانواده یا حیثیات زوجین ناسازگار باشد مانند این که همسر یک استاد دانشگاه یا یک عالم دینی منشی ادارهای باشد یا شوهر یک خانم با تحصیلات عالی شغل دستفروشی را برگزیند این قبیل مشاغل با وجود این که مشروع هستند ولی عرفاً میتواند منافی حیثیات زوجین تلقی شود همچنین حضور زن در فعالیت های اجتماعی مشروع است ولی احتمال دارد در امر تربیت فرزندان اختلال ایجاد شود و در نتیجه مغایر مصالح خانواده باشد.

درنهایت برای وضوح و روشن شدن بهتر مطالب از نظر قانون مدنی به صورت خلاصه به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

باید گفت در قانون مدنی قوانین مختلفی در این باب وجود دارد یکی از این مواد ، ماده 1117 ق. م می باشد این ماده در صدد بیان این مطلب است که: در صورت اشتغال زن باید این شغل با مصالح خانواده و همچنین با

حیثیت زوجین منافات نداشته باشد و محل تشخیص این منافات دادگاه و مراجعه دادگاه به عرف می باشد؛ و همچنین در ماده 1104 ق. م یکی از وظایف زوجین تحکیم بنیان خانواده می باشد و این اشتغال زوجه نباید موجب سستی بنیان خانواده گردد و بنابر ماده 1168 ق. م نیز نباید این اشتغال موجب اختلال در تربیت فرندان خانواده گردد زیرا که این یکی از تکالیف و وظایف اصلی می باشد که با ازدواج بر عهده زوجین قرار می گیرد.<sup>۷۲</sup>

## مبحث دوم: اشتغال زن و نظرات فقها در خصوص آن :

پس از بررسی اشتغال زن در قانون حال نوبت به بررسی آن در بین نظرات فقها می رسد

در مورد اشتغال زن در بین فقها اختلاف نظر وجود دارد گروهی قائل به جواز اشتغال زن می باشد و گروهی دیگر قائل به ممنوعیت آن می باشند که هر گروه برای نظر خود ادله ای دارند که به بررسی و بیان هر یک از این ادله می پردازیم.

قائلین به جواز اشتغال زن می گویند که اسلام هیچ شغلی را برای زن منع نکرده است و همیشه قائل به حضور زن در فعالیت اجتماعی بوده و حتی در صدر اسلام منصب های بزرگ و با اهمیتی به برخی از زنان داده شده است که می توان در تایید این ادله به نظر برخی فقها اشاره کرد :

1) صاحب کتاب الفقه علی المذاهب الخمسه از سید یزدی در عروه الوثقی و سید حکیم در مستمسک نقل شده است که در اشتغال زن صحه گذاشته است و حتی گفته اند اگر زن برای خدمت در مدت معینی تعهد دهد پیش از پایان این مدت ازدواج کند تعهد باطل نیست حتی اگر این خدمت و تعهد و شغل منافی با حقوق زناشویی و بهره جویی شوهر باشد و در این حکم هیچ تفاوتی بین اینکه شوهر در زمان ازدواج از تعهد زن و اشتغال او خبر داشته باشد یا نداشته باشد ، نمی باشد.<sup>۷۳</sup>

72. کاتوزیان، کلیات حقوق، نظریه عمومی، ص 135

73. مغنیه، الفقه علی المذاهب الخمسه، باب الاجاره، جلد 4، 365.

2) ابو حنیفه گفته است که زنان حق اشتغال دارند و حتی می توانند قضاوت نیز بکنند باید گفت که ابو حنیفه از علمای بزرگ اهل سنت و رییس مذهب حنفی می باشد.

3) ابن جریر طبری نیز گفته است که زنان اگر حرفه ای همانند امامایی داشته باشند حتی در صورت عدم اجازه شوهر این شغل بر او واجب کفایی می باشد و شوهر حق منع خروج او را ندارد و همچنین قائل به حق قضاوت برای زنان شده است.<sup>۷۴</sup>

گروهی دیگر از فقها بر این عقیده اند که که مطلقاً زنان نمی توانند مشغول به شغل شده و شاغل شوند چراکه اشتغال زنان را موجب فتنه و فساد دانسته و بیرون رفتن زن بدون اجازه شوهر امکان ندارد مگر اینکه زن برای عیادت پدر و مادر مریض خود بخواهد از خانه خارج شود و خروج زوجه در غیر این مورد موجب ناشزه محسوب شدن زوجه می گردد.<sup>۷۵</sup> برخی دیگر از علماء می گویند فطرت مرد بر زن برتری داشته و نباید زنان شاغل شوند و در غیر این صورت یعنی موافقت با اشتغال زنان را مخالفت با دستور خداوند متعال می دانند و فطرت زن بر بارداری، شیردهی و نگهداری فرزندان و انجام کارهای درون خانه می باشد.<sup>۷۶</sup> قائلین بر این عقیده دلیل عقده ی خود بر منع اشتغال زن را بدینگونه بیان کرده اند:

1. اشتغال زن در کارهای خارج از خانه موجب می گردد با مردان نامحرم و بیگانه مختلط گردند و این اختلال از نظر اسلام مورد منع شدید قرار گرفته است و از اختلاط زنان با مردان بیگانه باید منع شود زیرا که این اختلاط در معرض نابودی و از بین رفتن حدود شرعی می گردد.<sup>۷۷</sup>

---

74. الماوردی، الاحکام السلطانیة الولايات الدینیة، ص 65.

75. السرخسی، المبسوط فی الفقه، ص 185.

76. رشید رضا، حقوق النساء فی الاسلام، ص 37

77. شمس الدین، مسائل حرجه فی فقه المرأة - حقوق الزوجیه، ص 218

2. یکی از وظایف زوجین، شوهر داری و بچه داری است و در صورت اشتغال زوجه به شغلی خارج از خانه موجب تضاد این دو امر می گردد و بین این دو مسئله آنچه که پسندیده و مقبول از نظر اسلام می باشد آن است که: زن در خانه بماند و آنچه که بر اساس خانواده و زندگی خانوادگی بر عهده او می باشد انجام دهد که نتیجه آن نهی خروج زن از خانه می باشد.

در نهایت برای وضوح و روشن شدن بهتر مطلب نظر فقها را در مورد اشتغال زن به صورت طبقه بندی و خلاصه بیان می کنیم و عبارتند از:

الف: موافقین با اشتغال زوجه به صورت مطلق:

این افراد با توجه به اینکه در قرآن به زن حق انجام هر کاری داده شده است و برای زن هر امری که مشروع باشد جایز دانسته شده است و آیاتی که زن و مرد را با هم برابر دانسته است می توان حق اشتغال زن را به صورت مطلق و بدون هرگونه قید و شرطی پذیرفت و می گویند که در سیره پیامبر اعظم (ص) و معصومین (علیهم السلام) چیزی که صراحت بر منع اشتغال زن باشد، نیامده است.

ب: موافقین به اشتغال زوجه به صورت مقید:

این گروه می گویند اولین وظیفه زن مادر بودن و تربیت فرزندان می باشد و هرچه که مانع این امور گردد جایز نمی باشد و همچنین می گویند شغل هایی که مانع این دو امر نگردد مشکلی ندارد و این شغل ها باید دارای تسهیلاتی برای زنان باشد که موجب آسیب رساندن و اختلال در دیگر وظایف اصلی زن همانند مادری برای فرزندان نباشد؛ این گروه گفته اند که شغلی که با شوونات زنان تنافی داشته باشد ممنوع می باشد.

ج: مخالفین با اشتغال زن:

این گروه بر خلاف دو گروه گذشته مطلقاً قائل به منع اشتغال زنان شده اند، چرا که علاوه بر اینکه اشتغال زنان در خارج از خانه موجب رواج فساد اخلاقی در جامعه می گردد، همچنین با توجه به اینکه مخارجی بر عهده زن

و همسر خانواده نمی باشد و نیازی به این اشتغال وجود ندارد پس زنان در خانه بمانند و کار و مسولیت های منزل را عهده دار شوند.

### **مبحث سوم : ضوابط**

در این مبحث می خواهیم بررسی کنیم آیا ضابطه ای برای اشنایی با مصادیق شغل منافی با حیثیت زوجین و مصالح خانواده وجود دارد یا خیر و برای تشخیص آنها چه باید کرد.

### **گفتار اول : ضابطه تشخیص**

حال که گفتیم از لحاظ قانون و در چه مواردی می توان زوجه را از اشتغال منع نمود بدین صورت که گفتیم شغل زوجه یا حیثیت زوجین تنافی دارد که در این صورت زوج می تواند زوجه را از اشتغال منع کند و یا با مصالح خانوادگی مغایرت دارد و در این صورت نیز امکان منع اشتغال زوجین برای زوج وجود دارد حال برای اینکه تشخیص دهیم چه مواردی به عنوان ملاک منافات داشتن با مصالح خانواده و یا حیثیت زوجین می باشد به مشکل برخوردیم زیرا معیار ثابتی در این زمینه وجود ندارد زیرا که با توجه به هر شخص و زمان و مکان و جایگاه و اخلاق عمومی حیثیت خاصی وجود دارد فلذا نمی توان به مصادیق خاصی اشاره نمود و تنها راه آن مراجعه به دادگاه بوده و دادگاه با توجه به اختیاری که دارد و با بررسی اداب و رسوم و ویژگی های زوجین می تواند بفهمد که آیا این شغل با مصالح خانواده مخالفت دارد یا خیر؟<sup>78</sup>

### **گفتار دوم: ماده 1117 قانون مدنی و تحلیل حقوقی آن**

باید گفت که ماده 1117 قانون مدنی که در آن به زوج به حق مخالفت با اشتغال زوجه در صورتی که منافات با حیثیات زوجین و یا با مصالح خانواده داشته باشد داده شده است مقرراتی در این زمینه بیان شده است که می تواند یاری کننده ما در این بحث باشد فلذا به بررسی آنها می پردازیم

---

78. کاتوزیان، حقوق خانواده، 233

1: در ماده 18 قانون حمایت از خانواده که مصوب سال 1353 می باشد و ماده 15 قانون حمایت از خانواده که مصوب 1346 که همان ماده 18 مصوب 1353 می باشد با اندک تغییراتی گفته شده است شوهر می تواند با تایید دادگاه زن خود را از اشتغال به هرگونه شغلی که منافی با مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند باید دقت کرد در این ماده گفته شده است "با تایید دادگاه" فلذا تایید دادگاه در ان ضروری بوده و بدون تایید دادگاه امکان تشخیص شغل منافی با مصالح خانواده و یا حیثیت طرفین وجود ندارد ماده 18 قانون حمایت از خانواده مطلب دیگری را نیز بیان کرده است و گفته است شوهر می تواند با تایید دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافات با مصالح خانوادگی دارد منع کند زن نیز میتواند از دادگاه چنین تقاضایی را نماید و دادگاه در صورتی که اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود مرد را اشتغال به شغل مذکور منع می کند پس دو نکته در اینجا مهم و قابل ذکر است ابتدا لزوم تایید دادگاه و دوم حق زوجه در مخالفت کردن با شغل همسر و اینکه مخالفت زوجه موجب اختلال در معیشت بشود یا نشود؟ در ادامه به بررسی این موارد خواهیم پرداخت

### **بند اول: لزوم تایید دادگاه**

به زوج با توجه به ماده 1117 قانون مدنی و ماده 18 قانون حمایت از خانواده حق ممانعت از اشتغال زوجه را داده است و همچنین دیگر حقوقی به تمامی افراد و همچنین زوجین داده شده است برای اینکه این حقوق موجب سوء استفاده زوج نگردد محدودیت هایی برای ان تایید شده است مثلا زوج میتواند زوجه را از اشتغال منع کند لکن در مواردی که دادگاه تایید نماید در صورتی که بیان می کردیم تایید دادگاه لازم نمی باشد مرد میتواند حتی از شغلی که منافاتی با مصالح خانواده یا حیثیت زوجین ندارد منع نماید و این مخالف با قوانین و شرع بود نکته ای در این باب مورد توجه می باشد و ان هم مسئله قیمومیت است، ایا قیمومیت برای زوجه شغل محسوب می گردد یا خیر؟ ما هر دو صورت را بررسی می کنیم اگر قیمومیت برای زوجه شغل محسوب گردد شامل ماده 18 قانون حمایت از خانواده قرار می گیرد و اگر شغل محسوب نشود شامل ماده 1233 قانون مدنی می شود که گفته است: "زن نمی تواند بدون رضایت شوهر خود سمت قیمومیت را قبول کند"

در ماده 18 قانون حمایت از خانواده گفتیم که زوجه می تواند با همسر خود در مورد شغل او مخالفت نماید و این حق به زوجه داده شده است بدین گونه که زن نیز می تواند از دادگاه چنین تقاضایی را بنماید شرایط و موارد

امتناع زوج توسط زوجه همان مواردی می باشد که برای زوج دز نظر گرفته شده است و تفاوتی وجود ندارد. در صورتی که زوجه به دادگاه درخواست ممانعت زوج از شغل را نماید اگر این ممانعت موجب اختلال در معیشت خانواده نشود که مشکلی وجود ندارد چرا که مرد مسئول تامین هزینه های زندگی و معاش خانواده می باشد و زوجه چنین مسئولیتی ندارد لکن اگر منافات داشته باشد چنین حقی برای زوجه وجود ندارد و می توان ماده 1117 قانون مدنی که تنها حق زوج در این باب را بیان کرده است و حق زوجه را بیان نکرده است

حال که گفتیم زوج در صورت اینکه شغلش منافاتی با مصالح خانواده و یا حیثیت زوجین داشته باشد ولی از باب عدم اختلال در معیشت نتوان او را از ان شغل منع نمود به این می رسیم که اگر برای زوجه نیز افراد واجب النفقه ای وجود داشته باشد و منع زوجه با درخواست زوج و تایید توسط حکم دادگاه موجب اختلال در معیشت آنها می گردد در اینجا تکلیف چه می باشد؟ همانند جایی که زوجه ازدواج دوم کرده باشد یا در ازدواج اول خود دارای فرزندی باشد در نتیجه نفقه این فرزندان بر عهده مادر است در مواردی که قانون به ان تصریح کرده است و نفقه پدر و یا مادر زوجه، بر زن واجب باشد در چنین مواردی اگر زوج با اشتغال همسرش مخالفت نماید و دادگاه نیز ان را تایید نماید قطعاً اختلال در معیشت فرزندان و یا والدین ایجاد می شود فلذا در نتیجه با توجه به ماده 1117 قانون مدنی در اینکه زوجه را از اشتغال نهی کرده وظیفه چه می باشد؟ در ادامه باید بگوییم اینکه بیان کردیم زوج را می توان از شغل منع کرد و اینکه اختلال در معیشت زوجه ایجاد می شود در مواردی که ذکر شد باید گفت تفاوتی اساسی بین نفقه زوجه که بر عهده زوج می باشد و نفقه ای که بر عهده زوجه می باشد برای فرزندان یا والدین او وجود دارد.

## **بند دوم: تفاوت بین نفقه پرداختی زوج و زوجه:**

تفاوت ها بدین گونه می باشد:

1) در ابتدا اینکه نفقه فرزند و والدین به دلیل قرابت بر زوجه واجب می باشد و وقتی قرابت می تواند سبب وجود نفقه گردد که ان شخص توانایی پرداخت را داشته باشد فلذا زمانی که زوجه توانایی و تمکن مالی نداشته باشد چیزی بر گردن او نیست و اگر تمکن مالی داشته باشد نفقه فرزندان یا والدین بر او واجب خواهد بود. این تکلیف بنا بر ماده 1198 قانون مدنی می باشد و این تفاوت واضحی بین نفقه زوجه که بر گردن زوج است، می

باشد چرا که نفقه زوجه بر زوج لازم و واجب و تکلیف زوج می باشد مطلقا خواه تمکن مالی داشته باشد خواه نداشته باشد.

2) نفقه ای که زوج لازم است به زوجه پرداخت نماید فقها همانند علامه حلی در این باره بیان کرده اند بر زوج لازم است برای نفقه خود و همسرش کار کند این سخن علامه حلی بیان کننده این است که اگر کسی قدرت کار کردن را دارد و الان فقیر می باشد و مخارج همسر را تامین می نماید که این تامین لازم می باشد چرا که قدرت بر کسب درآمد را دارد حال باید گفت آیا این لزوم کسب درآمد برای زوجه نسبت به قریبا نیز وجود دارد و فقها همین نظر را دارند؟ علامه حلی در ادامه مطلب خود گفته است که وجود تکسب برای تامین اقربا اشکال دارد بنابراین بعید نمی باشد که شرط وجوب پرداخت نفقه نسبت به قریبا تمکن مالی شخص باشد و اگر تمکن مالی شخص وجود نداشته باشد وجوب پرداخت نفقه نسبت به قریبا وجود ندارد حتی در صورتی که توانایی بر کسب را دارد و یک تفاوت واضح می باشد گفتیم که زوج لازم است نفقه را پرداخت کند اگر توانایی و قدرت بر کسب را دارد ولی در اینجا این ملاک نمی باشد بلکه ملاک تمکن داشتن می باشد.

3) به فرض که وجوب نفقه اقربا در آن تمکن شرط نباشد و همین که شخص توانایی بر کسب درآمد را داشته باشد کفایت کند لکن هر شغل که امکان پذیرش آن وجود ندارد شغل که عرف آن را مشروع بدانند و متناسب با شان شخص باشد فلذا قدرت کسب درآمد از راه نامشروع یا مغایر با شان شخص جایز نخواهد بود پس شخص لازم نیست برای تامین درآمد نزدیکان به شغل هایی همانند گدایی، دست فروشی و... بپردازد یا مشغول به شغل های نامشروع گردد.

در نتیجه زنی که تمکن مالی نداشته باشد ولی با شغلی که منافات با مصالح خانواده داشته یا منافات با حیثیت زوجین داشته باشد و زوج با آن شغل ها موافقت کند آیا باز مکلف به تامین نفقه فرزندان یا والدین خود می باشد و آیا این نفقه بر او واجب می باشد یا خیر؟ قاعدتا باید در پاسخ بگوییم که جواب ما نسبت به این سوال منفی می باشد و لازم نیست و زوج حتی در صورت اختلال در معیشت افراد واجب النفقه زوجه می تواند در صورتی که منافات با مصالح خانواده یا حیثیت زوجین داشته باشد مخالفت نماید.



### **گفتار سوم: اجازه شوهر و نقش ان در اشتغال زوجه:**

وقتی عقد ازدواج برقرار می گردد، هر یک از طرفین یک حقوق و تکالیفی بر عهده اش قرار می گیرد که احتمال ان می رود که در آغاز زندگی و یا در ادامه زندگی بین این حقوق و تکالیف تزاخم ایجاد شود و یکی از این تزاخم ها، شغل زوجه می باشد چرا که لازمه اشتغال زوجه خارج شدن او از خانه می باشد که ممکن است با تمکین از شوهر و حفظ مصالح مغایرت پیدا می کند حال اگر شوهر با این شغل موافقت کند مشکلی در زندگی آنان به وجود نمی آید و زوجه می تواند به کار خود ادامه دهد اما اگر شوهر با شغل وی مخالفت و ممانعت کند ان موقع است که در خانواده مشکل به وجود می آید که برای حل این مشکل باید به قانون و موازین فقهی و عرف رجوع کند.

### **گفتار چهارم: مخالفت زوج با اشتغال زوجه و آثار آن:**

در صورت مخالفت کردن زوج با اشتغال زوجه و درخواست ان از دادگاه و تایید درخواست زوج توسط حکم دادگاه، اشتغال زوجه را منع نموده است حال این حکم دادگاه دارای آثاری می باشد.

### **بند اول: ابطال تعهدات زوجه نسبت به شخص ثالث**

بعد از اینکه دادگاه حکم به ابطال قرارداد اشتغال زوجه صادر نمود، اگر زوجه در این قرارداد با یک شخص حقیقی یا حقوقی تعهداتی را پذیرفته بود این قرارداد توسط دادگاه باطل شده و تعهد زوجه از بین می رود لازم به ذکر است این تعهدات که توسط دادگاه تعیین می شود در جایی بوده که با مصالح خانوادگی با حیثیت زوجین تنافی داشته است فلذا در صورت مخالفت ابتدایی زوج با اشتغال زوجه مثلا بگوید من مخالف اشتغال تو در این اداره می باشم کفایت نمی کند و حتما باید به تایید دادگاه برسد و کارفرما نمی تواند صرفا با مخالفت زوج اشتغال زوجه را لغو کند. ماده 14 این نامه اجرایی قانون حمایت از خانواده بیان کرده است که: کارفرما هنگامی می تواند به استناد ماده 15 قانون حمایت از خانواده به خدمت زن شوهردار که در استخدام اوست خاتمه دهد که دادگاه قبلا به درخواست شوهر که مبنی بر اینکه شغل زن منافی با مصالح خانوادگی است رسیدگی کرده و نظر موافق داده باشد و این ماده صراحتا بیان کرده است کارفرما مستقیما با درخواست زوج نمی تواند زوجه را از اشتغال

منع نماید بلکه باید تایید دادگاه باشد در نتیجه زوجه اگر حکم دادگاه مبنی بر امتناع زوجه از اشتغال صادر شود دیگر زوجه نمی تواند به ان شغل ادامه دهد و در صورت ادامه دادن به ان شغل، زوجه ناشزه محسوب می شود و اثار نشوز بر وی بار می شود.

### **بند دوم: لزوم جبران خسارت کارفرما**

گفته شد که در صورت تایید منع اشتغال زوجه در کار، قرارداد او با کارفرما باطل خواهد شد حال ممکن است برای کارفرما خسارتی وارد گردد حال این جبران خسارت بر عهده چه کسی می باشد؟ و آیا کارفرما می تواند از زوجه درخواست جبران ضرر و زیان وارد شده را بنماید؟ برخی از حقوقدانان گفته اند که، خسارتی که از این بابت به اشخاص ثالث وارد می گردد باید به وسیله زن جبران شود و تایید دادگاه در حکم قوه قاهره نمی باشد و زن را از پرداخت خسارت ناشی از عدم انجام تعهد معاف نمی کند (مواد 227 الی 229 قانون مدنی)

دکتر کاتوزیان در این زمینه گفته اند که زیرا مانعی که او را از ایفای تعهدات خود بازداشته باشد یک علت خارجی نیست که ان را قوه قاهره بدانیم بلکه علتی می باشد که خواسته و ناشی از وضعی است که در اثر عقد نکاحی که خود او ان را تایید کرده است می باشد بنابر ماده 221 قانون مدنی: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر

اینکه جبران خسارت تصریح شده یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا بر حسب قانون موجب ضمان باشد»<sup>۷۹</sup>  
در نتیجه خسارت عدم انجام تعهد ۳ صورت پیدا می کند:

1) در قرارداد کارگر و کارفرما جبران خسارت عدم انجام کار صریحاً بیان شده باشد؛

2) قانون جبران چنین خسارتی را لازم دانسته باشد؛

3) کارگر متعهد به انجام کار شود عرفاً بدین معنا که باید خسارت عدم انجام کار را بپردازد.

با توجه به مطالب گذشته، اگر جبران خسارت در قرارداد پیش بینی نشده باشد و یا قانون جبران آن را لازم ندانسته باشد طبق عرف باید عمل شود و در مواردی که عدم انجام تعهد به علت حادثه ای که قابل پیش بینی نبوده و نتوان آن را دفع کرد که به آن قوه قاهره گفته می شود، جبران خسارت منتفی می گردد و در ماده 229 قانون مدنی گفته شده است که «اگر متعهد به واسطه حادثه ای که دفع آن خارج از حیطه اقتدار او است نتواند از عهده تعهد خود برآید محکوم به تادیه خسارت نخواهد بود» اگر متعهد به واسطه حادثه ای که در این ماده گفته شده است که دفع آن خارج از حیطه اختیار اوست همان قوه قاهره می باشد.

حال باید ببینیم حکم دادگاه بر منع اشتغال زوجه، قوه قاهره محسوب می گردد یا خیر؟ برخی گفته اند که اگر منع زن از کار به حکم دادگاه قوه قاهره محسوب شود، زن مسئولیتی نخواهد داشت لیکن صدق قوه قاهره در این مورد به علت قابل پیش بینی بودن منع زن از کار دشوار است.<sup>۸۰</sup>

حال آیا این نظرات درست می باشد یا خیر؟ تردید وجود دارد چرا که بنابر ماده 227 قانون مدنی که آمده است «متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تادیه خسارت می شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده است که نمی توان مربوط به او نمود» حال چنانچه عدم انجام یک تعهد به واسطه حکم دادگاه و تصمیم زوج باشد این عدم تعهد منتسب به زوجه نمی باشد مخصوصاً در زمانی که در ابتدا زوج با آن شغل

---

79. کاتوزیان، حقوق خانواده، ص 236.

80. صفایی، حقوق خانواده، ص 145.

موافقت کرده باشد ولی پس از اشتغال، زوج با ان شغل مخالفت نماید فلذا برخی از فقها برخلاف نظرات حقوقی زوج را مسئول جبران خسارت وارده به کار فرما دانسته اند و ایت الله مکارم شیرازی در پاسخ به استفتایی مربوط به این امر فرموده اند " شوهر باید خسارت ها را جبران کند " باید گفت که در قانون جدید کار مطلبی در این خصوص نیامده است حتی در مورد خسارت های ناشی از فسخ غیر موجه نیز حکمی پیش بینی نشده حال اگر در قرارداد نیز در مورد جبران خسارت حرفی بیان نشده باشد چاره ای جز رجوع به عرف نمی باشد در نتیجه باید گفت عرف، عدم انجام تعهد را در صورت مخالفت زوج و حکم دادگاه به ترک کار یک عذر موجه دانسته و زن را مسئول جبران خسارت نمی داند بلکه شوهر مسئول جبران این خسارت می باشد.

### **بند سوم: لزوم جبران خسارت زوجه**

گفتیم که زوج می تواند قرارداد کاری زوجه را در صورت داشتن شرایط خاص باطل کند حال در صورتی که زوج قرارداد کاری را باطل کرد و خسارتی در بر داشت مسئول جبران این خسارت چه کسی می باشد؟ برخی گفته اند که اگر زوجه با موافقت شوهر و با کسب اجازه از طرف وی شاغل شده و بعد از ان شوهر مخالفت نماید و زوجه را مجبور به ترک کار کند در این صورت مسئول تمام جبران خسارت با زوج می باشد.

ایت الله مکارم شیرازی در این باب فرموده اند که هرگاه زن قراردادی با اجازه شوهر نسبت به مدتی بسته باشد ان قرارداد لازم الاجرا می باشد و شوهر حق ممانعت از ان را ندارد و اگر قراردادی دارد که می تواند استعفاء دهد باید این کار را انجام دهد اما اگر خسارتی از این جهت به زن برسد، شوهر باید ان خسارت را جبران کند در این متنی که ذکر شد صراحتا بیان شده که جبران خسارت با زوج می باشد. ایت الله شبیری زنجانی نیز در این موضوع بیان کرده اند که در مورد کاری که نیاز به اجازه شوهر دارد، زوج می تواند مانع ادامه اشتغال زوجه گردد حتی پس از انکه به همسرش اجازه داده است اری اگر منع موجب وارد آمدن خسارت به زوجه شود جبران ان واجب خواهد بود. ایت الله شبیری نیز همانند ایت الله مکارم شیرازی گفته اند که اگر خسارتی به زوجه وارد شود، جبران ان خسارت بر عهده زوج می باشد و این امر را واجب می دانند.

حال با توجه به سخنانی که ذکر کردیم واضح است که جبران تمام خسارت بر عهده زوج می باشد و باید پرداخت نماید از باب اینکه زوج باعث یک عهد شکنی شده است که باعث به وجود آمدن خسارات شده ولی از لحاظ

قانونی، مطلبی در این باره ذکر نشده است و مسکوت می باشد ، فلذا برای رفع این نقص باید فکری کرد و چاره ای اندیشید.

## فصل سوم:

# تحلیل راهکارهای لازم در زمینه اشتغال زوجه در روابط زوجین

## مبحث اول: تبیین وضعیت مطلوب اشتغال زنان و ضوابط کلی حاکم بر آن

اشتغال از نظر اسلام فقط منحصر به بخش اقتصادی نمی باشد بلکه برای ان اهداف معنوی، اخلاقی، دینی نیز مطرح می باشد که موجب رشد جامعه میگردد و به همین دلیل است که اسلام تنها بعد اقتصادی مد نظرش نمی باشد و همچنین لازم به بیان است می باشد که برای اشتغال از جمله اشتغال زنان معیارهای ویژه ای را اسلام در نظر گرفته است که در تعیین این ملاک و معیارها تحکیم بنیان خانواده و اقتصاد ان مدنظر می باشد<sup>81</sup>.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل های 20 و 21 و 28 هم گفته شده است که نباید این شغل ها بااسلام و احکام ان منافات داشته باشد یعنی نباید غیر شرعی باشد و مواد 975 قانون مدنی و ماده 6 قانون ایین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی نیز عدم مغایرت با نظم عمومی را بیان نموده است که تمام این مواد قانونی با اسلام سازگار می باشد. در قانون محدودیت هایی نیز برای اشتغال زنان بیان شده است(مواد 1117 و 1105) همانند: ممنوعیت قضاوت، محدودیت اشتغال زنان در معادن، محدودیت اشتغال زنان در آتش نشانی و....

## گفتار اول: تعارضات شغل زن

در این گفتار در صدد بیان تعارضاتی برای اشتغال زن با وظیفه اصلی او هستیم که آیا شغلش اگر با نقش های همسر در خانواده تعارض داشته باشد و یا با نقش مادری طوجه در تناقض باشد چه وظیفه ای داریم.

## بند اول: عدم تعارض شغل زن با نقش های اختصاصی همسری

پس از انعقاد عقد نکاح، در صورت تمکین کامل زوجه از زوج پرداخت نفقه از سوی زوج به زوجه واجب می باشد و به همین منظور مواد 1106 و 1107 و 1108 قانون مدنی که دلالت بر این امر دارد تدوین شده است و در صورت عدم اجرای این قوانین برای ان ضمانت اجرایی در نظر گرفته شده است که این ضمانت اجرا در ماده 1205 قانون مدنی بیان شده است. باید گفت که امور مادی خانواده به هیچ وجه بر عهده زوجه نمی باشد و

---

<sup>81</sup>. زیبایی نژاد، گردآوری اشتغال زنان، عوامل، پیامدها و رویکردها، ص 62

تمامی این مسائل بر عهده زوج می باشد و وظیفه اصلی زوجه، تکالیفی است که موجب حفظ بنیان خانواده می گردد لازم به ذکر است که در شرع نیز به این موارد اشاره شده است و ان را لازم می داند این نشان دهنده این مطلب می باشد که نفقه زوجه و اقارب و مهریه و اجرت المثل بر عهده زوج می باشد نه شخص دیگری و همچنین اثبات کننده این امر می باشد که وظیفه زن حضور در منزل و انجام وظیفه مادری می باشد.

با توجه به مطالب گفته شده، هیچ وظیفه و تکلیفی بر عهده زن از نظر مالی نبوده و در نتیجه نیازی به اشتغال او نمی باشد و حال اگر مشغول به کار شود این اشتغال، نیاز به مجوز همسر دارد زیرا که می تواند با حقوق شوهر مغایرت داشته باشد و پر واضح است که اولویت، جلب رضایت شوهر و عدم اشتغال زوجه می باشد.

در نهایت می توان گفت وظیفه واجب بر زوجه، اطاعت از شوهر می باشد و امر اشتغال یک امر مستحبی محسوب می شود و بین واجب و مستحب، واجب مقدم می باشد.<sup>۸۲</sup>

باید گفت حقوقی که برای شوهر در شرع و قانون در نظر گرفته شده است عبارتند از:

اطاعت زن از مرد، عدم خروج از منزل بدون اجازه همسر، تمکین زن از مرد، ریاست شوهر بر خانواده و .... می باشد به همین دلیل اشتغال زوجه چه در داخل خانه و چه در خارج از خانه به هیچ وجه نباید با حقوق ذکر شده منافاتی داشته باشد. یکی از آثار ریاست زوج بر خانواده امکان ممانعت از اشتغال زوجه در برخی از موارد می باشد که ماده 1117 قانون مدنی در صدد بیان همین مطلب می باشد که شوهر به صورت مطلق حق منع زوجه از اشتغال را ندارد و امکان منع اشتغال زوجه توسط زوج در صورتی می باشد که ان شغل منافی با حیثیت زوجین یا منافی مصالح خانوادگی باشد باید گفته شود زوج می تواند با شغل انتخابی همسر خود مخالفت کند اما با اشتغال زوجه نمی تواند مخالفت کند گروهی دیگر از حقوقدانان همچون دکتر کاتوزیان بر این باور می باشند که اختیار شوهر حتی شامل مشاغل انتخاب شده پیش از ازدواج نیز می شود و رضایت شوهر به ان شغل از اختیار قانونی او نمی کاهد.<sup>۸۳</sup> و برای ناشزه محسوب شدن همسر باید شروطی که در ماده 1117 قانون مدنی که در باب

---

82. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی التفسیر القرآن، ج 4، ص 112

83. کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، ص 672



شرایط اشتغال زوجه بیان شده است رعایت نگردد باید گفت اشتغال زوجه در خارج از خانه با توجه به تجارب امروزه باعث کوتاهی در خلق نیکو در مواجهه با همسر و تربیت فرزندان گردد.

### **بند دوم: عدم تعارض شغل زن با وظیفه مادری**

نقش اساسی زن در تربیت و مراقبت و حضانت از فرزند می باشد و نقشی در مقابل فرزند به عنوان ولایت و حضانت بر او ندارد باید گفت که حضانت به معنی سرپرستی و ولایت بر تربیت فرزند و مراقبت از طفل می باشد در صورت عدم اشتغال زوجه این فرد می تواند به خوبی اموری که بر عهده او می باشد همچون حضانت برسد حضانت را بانوان به خصوص مادران به بهترین صورت در غالب موارد نسبت به فرزندان خود انجام می دهند و چنانچه مادر با رضایت حضانت را پذیرفت از ان زمان به بعد باید حضانت فرزند خود را بر عهده گیرد که در این صورت اولویت در وهله اول با مادر است که باید تمام وظایف و تکالیف مربوط به حضانت فرزند را به خوبی انجام دهد که یکی از ان وظایف حضور در منزل می باشد که اقتضاء می کند مادر در خانه بماند و امور مربوطه را انجام دهد. در کتاب جواهر، رضاع که اخص از حضانت است بر عهده مادر و اجرت بر عهده پدر است که تکلیف تربیت فرزندان بین پدر و مادر مساوی می باشد و این امر نشان دهنده این است که مادر به دلیل داشتن دلسوزی های مادرانه در زمان رضاع فرزند نسبت به تربیت و تعلیم و حضانت فرزند در این مدت سزاوارتر است و پس از پایان یافتن دوران رضاع، پدر بر حضانت سزاوارتر می باشد.<sup>۸۴</sup> مواد ۱۱۷۶-۱۱۷۸-۱۱۶۸-۱۱۶۹ قانون مدنی به تکلیف مادر در رضاع و تربیت و حضانت فرزند اشاره نموده است.

---

<sup>۸۴</sup>. کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ص ۷۱۱

### **بند سوم: تناسب شغل با ویژگی های زنانگی**

یکی از احکام بدیهی عقل نیز این است که باید مشاغل بر مبنای قابلیت به افراد سپرده شود و هر کس برای هر کاری قابلیتش بیشتر باشد برای تصدی آن شایسته تر است بعضی از شغل ها هست که در عین اینکه برای بانوان جایز است اما متناسب نیست و طبیعت زنانه را دستخوش تغییر قرار می دهد.<sup>۸۵</sup>

### **بند چهارم: رعایت حجاب عفاف و عدم اختلاط**

امام علی (ع) در این باره به فرزندشان حسن (ع) می فرماید: در پرده حجاب نگاهشان دار تا نامحرمان را ننگرند؛ زیرا که سخت گیری در پوشش عامل سلامت و استواری آنان است بیرون رفتن زن بدتر از آن نیست که افراد غیر صالح را در میانشان آوری و اگر بتوانی به گونه ای زندگی کنی که غیر از تو را نشناسند

رعایت حجاب و پوشش و عفاف از جهت نگاه گفتار و رفتار برای زنان از ضروریات اسلام است همچنین از اختلاط و برخورد با مردان نامحرم بپرهیزند به ویژه از مکان های خلوت با مرد بیگانه بپرهیزند روایت را شیخ صدوق در امالی در خبر مناهی علت این نهی را سببیت تکلم زن نسبت به وجود فحشای احتمالی می داند.<sup>۸۶</sup>

### **بند پنجم: الگوی مطلوب اشتغال زنان از منظر اسلام**

برای ارائه الگوی مطلوب اشتغال زنان از دیدگاه اسلام چند مطلب قابل توجه است: اولاً نگاه جامع به آموزه های دینی؛ به گونهای که الگوی اشتغال زنان به عنوان پاره‌ای از نظام اجتماعی اسلام با سایر اجزاء و ابعاد آن هماهنگی کامل داشته باشد ثانیاً عدم اکتفا به گزاره های فقهی یا حقوقی؛ مطالب اخلاقی تربیتی و روانشناختی در آموزه ها و اشتغال باید مورد عنایت قرار گیرد

85. حرّ عاملی، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ص 120

86. قائمی، تشکیل خانواده در اسلام، ص 231

ثالثاً عنایت به سیره و روش زندگی اولیاء دین؛ در واقع اسوه های موردنظر اسلام که در تحقق عینی الگوی مطلوب هستند به جد مدنظر باشد رابعاً اولویت دادن به مصالح خانواده با رویکرد اجتماعی و تمدن ساز و جامعه مطلوب بر نگاه فردگرایانه منافع آحاد جامعه با توجه به این اولویت بایستی سیاستگذاری انجام شود

رسول خدا (ص) کارهای خارج خانه را بر عهده حضرت علی (ع) و داخل منزل را بر عهده حضرت زهرا (س) قرار دادند هر چند این نکته الزامی نیست اما با توجه به اسوه بودن اولیای دین قطعاً نکته مهمی در الگوی اشتغال مطلوب زنان خواهد بود و نشان از روحیه لطیف زنان و حفظ آن می باشد.

## مبحث دوم: دلایل جواز اشتغال زنان

با عنایت به مستنداتی که در ذیل خواهد آمد در اسلام اشتغال زنان به عنوان یک حق به رسمیت شناخته شده و در کنار آن به حیثیت و شخصیت زنان نیز توجه شده است در حالی که اشتغال زنان در غرب پس از انقلاب صنعتی به صورت گسترده شکل گرفت و افزایش مشارکت زنان در عرصه ی فعالیت های اقتصادی و اشتغال به سبب نیاز شدید جوامع صنعتی به نیروی کار ارزان بود نه به علت اینکه گسترش مشارکت زنان در جهت رعایت شخصیت و منزلت آنان باشد پس طرفداری از گسترش فعالیت اقتصادی زنان در غرب در ابتدا با شعار «آزادی» و «مساوات» صورت گرفته در حالی که در واقع ناشی از ضرورت و نیاز به نیروی کار ارزان بوده است؛ زیرا کارگران و روستاییان پس از انقلاب صنعتی کار کشاورزی را رها کردند و به سوی مراکز صنعتی روی آوردند و با توجه به ناچیز بودن مزد کارگران مرد آنان مجبور بودند زنان و کودکان خود را نیز برای کار کردن به کارخانه ها گسیل دارند و به دلیل آنکه در آغاز انقلاب صنعتی لازم نبود کارگران از مهارت های خاصی بهره مند باشند استفاده از کار زنان و کودکان مرسوم و متداول شد.<sup>87</sup>

به عکس در اسلام به اشتغال زنان به عنوان یک حق توجه شده است از دیدگاه فقهی در اصل عدم حرمت کار زنان تردیدی وجود ندارد کتاب سنت و سیره ی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه ی اطهار (علیهم السلام) گویای آن هستند که زنان می توانند برخی مشاغل و کارها را عهده دار گردند از این رو نگرانی های احتمالی در

---

87. هدایت نیا، 1385، ص 48.

خصوص به مخاطره افتادن امنیت اجتماعی زنان نباید موجب صدور حکم مطلق حرمت اشتغال زنان باشد حرمت اشتغال زنان - با احراز شرایط حرمت - حداکثر می تواند از باب طریقی لحاظ شود نه موضوعی اشتغال زنان به خودی خود حرام نیست ولی چنانچه شرایطی پیش آید که واقعاً مصالح و بنیاد خانواده و یا مصلحت مهم تری به مخاطره افتد بنابر شرایط اشتغال کار برای زن جایز نخواهد بود که این شرایط و ضوابط در ادامه خواهند آمد اکنون نوبت آن است که دلایل جواز اشتغال زنان مورد بررسی قرار گیرند:

### گفتار اول: قرآن کریم

از آیات قرآن کریم می توان استنباط نمود که کسب و کار - فی الجمله - برای زنان مجاز بوده و حرام نیست برخی از اطلاقات و عمومات و دلالت التزامی آیات ما را به جواز کار زنان رهنمون می سازند: (مردان را از آنچه به اختیار کسب کرده اند بهره ای است و برای زنان (نیز) از آنچه (به اختیار) کسب کرده اند بهره ای است)<sup>۸۸</sup> آیه ی کریمه بر جواز اشتغال زنان دلالت دارد؛ زیرا حلال بودن اکتساب - یعنی تحصیل درآمد - مفروض گرفته شده و سپس درباره ی درآمد حاصل از آن اظهار نظر شده است پس اگر زن و یا مرد از راه عمل چیزی به دست آورند خاص خودشان است در اینجا کلمه ی «اکتساب» عمل اختیاری و غیر اختیاری را شامل می شود گرچه دانشمندان علم لغت درباره ی واژه ی «کسب» و «اکتساب» گفته اند که هر دو مختص جایی هستند که عمل به اختیار آدمی انجام شود در هر صورت واژه ی «اکتساب» عمل اختیاری را شامل می شود که در اینجا مورد نظر است

آیه ی دیگری که با اطلاق خود بر جواز اشتغال زنان دلالت دارد آیه ی ذیل است: هنگامی که نماز پایان یافت در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید و خدا را بسیار یاد کنید؛ شاید رستگار شوید)<sup>۸۹</sup> این آیه بر جواز کار زنان دلالت دارد؛ چنان که در تفسیر نمونه آمده است: گرچه جمله ی «و ابتغوا من فضل الله» و یا تعبیرات مشابه آن در قرآن شاید غالباً به معنای طلب روزی و کسب و تجارت آمده است ولی روشن است که مفهوم این جمله گسترده است و کسب و کار یکی از مصادیق آن است امر به انتشار در روی زمین و طلب روزی امر وجوبی

۸۸. للرجال نصيب مما اكتسبوا وللنساء نصيب مما اكتسبن: نساء: ۳۲

۸۹. «فاذا قضيت الصلاة فانتشروا في الأرض و ابتغوا من فضل الله و اذكروا الله كثيراً لعلكم تفلحون»، جمعه: ۱۰

نیست بلکه - به اصطلاح - امر بعد از حضر و نهی است و دلیل بر جواز می باشد خطاب در آیه عام است و شامل مرد و زن می شود.<sup>۹۰</sup>

### گفتار دوم: سنت

از روایات نیز می توان جواز اشتغال زنان را به دست آورد؛ چنان که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: طلب حلال بر هر زن و مرد مسلمانی واجب می باشد.<sup>۹۱</sup> که طلب مال حلال از راه کسب و کار را نیز شامل می شود در جای دیگر آمده است: (فرستاده خدا (صلی الله علیه و آله) به زنان جوان اجازه دادند تا در مراسم عید فطر و قربان از منازل خود خارج شوند و برای تهیه ی روزی بساط بگسترانند.<sup>۹۲</sup>

سیره و نوع رفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله) با اشتغال زنان در عصر رسالت به خوبی گویای جواز کار زنان است و جواز بسیاری از کارها برای زنان امضا شده صنایع دستی نخ ریزی پارچه بافی تجارت بازرگانی فروشندگی پرستاری و امدادگری نانوائی و چوپانی از جمله مشاغل زنان در عصر رسالت بوده و حضرت از این کارها نهی نفرموده و آن را در چارچوب احکام اسلام امضا کرده اند در تفسیر المیزان آمده است:

امور غیر عامه از قبیل تعلیم و تعلم کسب و پرستاری بیماران و مداوای آنان پیامبر زنان را از آن منع نفرموده سیرت نبویه بسیاری از این کارها را امضا کرده است اشتغال زنان در عصر رسالت به شکل گسترده به چشم می خورد و تقریباً در بسیاری شغل های رایج آن زمان زنان حضور داشتند می توان از آیات و روایات این گونه استنباط کرد که زنان حق دارند برخی مشاغل را عهده دار گردند؛ زیرا اطلاقات و عمومات آیات روایات و سیره بر این امر دلالت دارند مگر دلیل خاصی آنها را مقید و شغل خاصی را برای زنان ممنوع سازد.<sup>۹۳</sup>

---

۹۰. قائمی، تشکیل خانواده در اسلام، ص ۱۴۵

۹۱. طلب الحلال فریضه علی کل مسلم و مسلمه

۹۲. «رخص رسول الله (صلی الله علیه و آله) فی خروج النساء العواتق العیدین للتعرض الرزق»

۹۳. ملک زاده، حق زوجه بر اشتغال و رابطه ان با حق زوج بر تمکین، ص ۹۸

## گفتار سوم: عقل

هر فردی برای رسیدن به هدف خود نیاز به وسایل و امکاناتی دارد و باید به این نکته نیز توجه داشت که افراد جامعه همانند قطعه های یک پازل می باشند و هدف افراد در راستای هدف یک جامعه می باشد چس همانطور که افراد برای رسیدن به اهداف خود نیاز به ابزار و وسایلی دارند جامعه نیز نیاز دارد حال این ابزار و وسایل و حقوق، در صورت مشروع بودن می توان برای رسیدن به اهداف فرد و جامعه مورد استفاده قرار داد و حال این مشروع بودن را در برخی موارد می توان بوسیله عقل و به تنهایی تشخیص داد یعنی به خوبی در می یابد که انسان اگر از آنها محروم گردد هدف خدای متعال از آفرینش فرد و جامعه تحقق نمی یابد؛ همانند: خوردن، آشامیدن، لباس، مسکن، کار کردن و مانند آن در این گونه موارد که عقل بدون کمک از منبع دیگر و به تنهایی ارتباط میان فعل و هدف را به خوبی شناسایی می کند و از راه کشف ارتباط به ثبوت حق می رسد و از آن استفاده می کند. ثبوت حق در این گونه موارد از «مستقلات عقلی» است از این رشته حقوق گاهی به «حقوق عقلی» یا «حقوق فطری» یاد می کنند.

پس بدون کار کردن همانند دیگر نیازهای اولیه انسان به اهداف اخلاقی و اجتماعی خود نخواهیم رسید و از این رو حق کار کردن چه برای زن و چه مرد جزو حقوق فطری و مستقلات عقلی است و اگر انسان ها از آن محروم گردند هدف خدای متعال از آفرینش تحقق نمی یابد و این را عقل به تنهایی درک می کند و متوجه می شود که نیازه اشتغال و کار کردن به صورت مساوی و با توجه به توانایی های جسمی و روحی افراد یک نیاز درست و به حق می باشد.

## گفتار چهارم: قوانین موضوعه و حق کار زنان

با توجه به بررسی قوانینی که در این باب . موضوع، وضع شده است می توان به شیوه های متفاوتی که برای اینکه زنان به حق کار خود برسند دسترسی پیدا کرد به عنوان مثال: در اصل 28 قانون اساسی آمده است: هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند.

و همین اصل می باشد که دولت را مکلف کرده است برای تمامی افراد جامعه شرایط مساوی و مناسب برای بدست آوردن شغل لازم را فراهم کرده و افراد را برای شغل مناسب به خود در جایگاه مناسب خود قرارداد. و

همچنین در اصل ۴۳ بند ۳ رعایت آزادی انتخاب شغل به طور مطلق یکی از ضوابطی تلقی شده که اقتصاد جمهوری اسلامی بر آن استوار است بر اساس این ماده زنان نیز در چارچوب موازین اسلامی و مقررات قانونی حق انتخاب شغل دارند که باید رعایت گردد در ماده ی ۹ قانون کار آمده است:

اصل بر صحت کلیه ی قراردادهای کار است مگر آنکه بطلان آن از سوی مراجع ذی صلاح به اثبات برسد؛ واضح است که اطلاق این ماده بر اصل حق کار زنان دلالت می کند. و در ماده ی ۶ قانون کار آمده است:

همه ی افراد اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون کار قرار دارند و هر کس حق دارد شغلی را که به آن تمایل دارد و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حق دیگران نیست برگزیند پس در چارچوب احکام اسلامی و مصالح عمومی و حقوق دیگران در قوانین موضوعه حق کار زنان به رسمیت شناخته شده است.

### **مبحث سوم: بررسی آثار ایجابی و سلبی شرایط کنونی اشتغال زنان**

یکی از شاخصه های توسعه یافتگی را حضور زن در جامعه و حتی اشتغال وی می دانند. باتوجه به وضع کنونی جامعه برای اینکه یک جامعه از روند توسعه جهانی عقب نماند زمینه ی اشتغال زنان در جامعه را فراهم می کند و با توجه به فرهنگ هر جامعه این امر و میزان آن متفاوت می باشد و در نتیجه فرهنگ حاکم بر جامعه نقش موثری در محدود کردن فرصت های شغلی زنان دارد بالاخره برخی از فعالیت ها ماهیتا به گونه ای هستند که زنان قادر به انجام آن ها نمی باشند و از لحاظ جسمی و یا روحی توانایی انجام آن کار را ندارند و در صلاحیت بانوان جامعه نمی باشد به طور کلی زنان در مقایسه با مردان از فرصت های بالقوه کمتری در انتخاب شغل برخوردار هستند تغییر در نقش اجتماعی زنان و حق طلبی آنان در عرصه فعالیت های شغلی و اجتماعی در عصر حاضر بایستی تحت بررسی های دقیق و علمی روانشناسی و جامعه شناسی قرار گیرد تا جنبه های مثبت و منفی آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد بدین منظور به برخی آثار اشتغال زنان اشاره می شود مطالعات بسیاری در

جهت اشتغال زنان بر روی مناسبات خانوادگی اعم از روابط زوجین و مادر و فرزند انجام گردیده است که اغلب تاثیر منفی برای آن اظهار نموده اند).<sup>۹۴</sup> به ویژه اشتغال بانوان در کنار اشتغال همسرانشان

### **گفتار اول: آثار ایجابی و مثبت اشتغال زنان**

- احساس رضایتمندی و افزایش اعتماد به نفس
- استقلال مالی و وابستگی کمتر به والدین یا همسر و بهره وری بیشتر از منابع مادی خانواده
- برآورده شدن نیازهای مالی و افزایش نسبی رفاه اعضای خانواده
- افزایش سطح آگاهی و تجربه و برخورداری از ذهنی پویا و فعال
- رسیدن سریعتر فرزندان به استقلال در انجام کارهای شخصی و نیز کمک و همکاری اعضای خانواده در فعالیتهای مربوط به منزل
- احساس تعهد و مسئولیت بیشتر نسبت به خانواده
- ایفای نقش اجتماعی و کسب مهارت ها و افزایش سطح سواد اجتماعی و شکوفایی استعدادهای انسانی زن
- خارج شدن از رکود و یکنواختی در زندگی و پر شدن اوقات فراغت و جلوگیری از آسیب پذیری اجتماعی و رهایی از احساس تنهایی و پیامدهای آن
- بهره مند شدن از قدرت درک اقتصادی و مدیریت بهتر خانه از نظر اقتصادی
- حفظ نشاط و شادابی ظاهری و تطبیق خود با شرایط مختلف محیطی و اجتماعی
- بالا رفتن منزلت زن در جامعه

---

<sup>۹۴</sup>. سفیری، جامعه شناسی اشتغال زنان، ص 76.



- مشارکت آنان در تصمیم گیری ها باعث می شود از حالت انفعالی خارج شده و به صورت فعال در اجتماع حاضر شوند

- افزایش توان مدیریتی زنان که کمک بسزایی در تصمیم گیری های اساسی خانواده خواهد کرد.<sup>۹۵</sup>

### **گفتار دوم: آثار سلبی و منفی اشتغال زنان**

- اشکال در ایفای نقش های زنان (وظایف خانه داری و مادری و همسری) در منزل و تحول هویتی و ساختار خانواده و اعتراض به الگوی تقسیم کار جنسیتی اشتغال مادر ممکن است نقش و جایگاه پدر را در بین فرزندان مخدوش کند و به مرور زمان پدر در انزوا قرار گیرد<sup>۹۶</sup>؛ در حالی که همانطور که قبلاً هم بیان شد از دیدگاه اسلام اداره ی مالی خانواده به طور کلی به عهده ی مرد واگذار شده است و زن را از این امر معاف دانسته تا به راحتی و با خیالی آسوده به اداره ی زندگی و ایفای نقش خویش بپردازد.

- پیامدهایی نامطلوب اشتغال مادر بر رشد و سلامت جسمانی و روانی فرزندان و غفلت از نیازهای تربیتی آنها با نداشتن فرصت کافی برای پخت و پز و استفاده بیش از حد از غذاهای آماده مشکلاتی را در تغذیه و رشد جسمانی اعضای خانواده به وجود می آورد<sup>۹۷</sup> از آنجا که توسعه نیروی انسانی که امری مهم در پیشرفت و توسعه کشور است از طریق خانواده به خصوص مادران صورت می گیرد توجه به این مسئله با اهمیت است فقهای مشهور معتقدند در دوران شیرخوارگی حضانت بر عهده مادر است و بعد از سپری شدن دو سال از سن کودک مادر نسبت به دختر تا هفت سالگی و پدر نسبت به پسر تا زمان بلوغ و نسبت به دختر پس از هفت سالگی اولویت دارد<sup>۹۸</sup> تعلیم و تربیت نیز که جزئی از حضانت است نسبت به اموری که مصلحت ملزومه ای از طرف

---

<sup>۹۵</sup> . آملی، المکاسب و البیع (تقریر بحث آیت الله نائینی)، ص 402

<sup>۹۶</sup> . ملک زاده، حق زوجه بر اشتغال و رابطه ان با حق زوج بر تمکین، ص 145.

<sup>۹۷</sup> . روشن فر، مرضیه، اشتغال و مالکیت زن، ص 82 .

<sup>۹۸</sup> . علامه حلی، قواعد الأحکام، ص 290 .

شارع وجود دارد و اگر تربیت نباشد فرزند مصلحت ملزومه ای را از دست خواهد داد واجب است بنابر این اولویت انجام وظایفی است که قانون در قبال فرزندان و همسر بر عهده زن گذاشته و نباید شغل زن مانع انجام این وظایف باشد

- سست شدن کانون خانواده اغلب زنان شاغل بیشتر توانمندی و خلاقیت خود را در محیط شغلی خود به کار می گیرند و در مورد مسائل کاری درگیری ذهنی دارند در نتیجه نمی توانند به شکل مطلوبی در مورد همسر و فرزندان به کار گرفته و به نشاط و پویایی خانواده بیفزایند زن در آرامش بخشی خانواده نقش ویژه ای دارد و آیه 189 سوره اعراف و 21 سوره ی روم در همین راستاست خداوند زنها را آفرید و در وجود آنها چیزی تعبیه کرد که موجب آرامش مردان می شود زن وظیفه دارد اخلاق خوش و نیکویی در رابطه با همسر داشته باشد

امام صادق (ع) نیز در خصوص حسن معاشرت متقابل زن و شوهر علاوه بر اینکه برخی رفتارها را از جانب مرد ضروری می داند به زن نیز توصیه به عشق ورزی به همسر و آراستگی ظاهری و جذابیت در برابر دیدگان مرد و مسرور نمودن او می نماید<sup>99</sup> صاحب جواهر نیز تغییر در رفتار و گفتار و اعمال زن مثل عبوس بودن چهره و خشن شدن کلام و رفتار زن را اماره ای بر نشوز و به نوعی معارض با استمتاع مرد می داند لذا حسن معاشرت مقدمه واجب یعنی مقدمه تمکین عام و خاص می باشد و حسن معاشرت نیز مثل تمکین از وظایف زن به شمار می آید.<sup>100</sup>

در روایات دیگری از زن خواسته شده که در حین ورود شوهر به خانه از او استقبال به عمل آورد او را در صورت خستگی راحت گذارد وسایل آسایش او را مهیا کند از اینجا به توجه خاص خداوند به جنس وجودی زن و آراستگی او در مقابل همسر پی خواهیم برد که اشتغال موجب تضعیف آن می گردد با حضور زنان در عرصه های شغلی که بعضاً قسمت عمده ی وقت آنان را می گیرد دیگر مجالی برای زن باقی نمی ماند تا به خوبی به ایفای نقش خود در خانواده بپردازند همان طور که در بحث قبل اشاره شد پذیرش اشتغال برای زنان به معنای

99. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ص 239.

100. نجفی، جواهر الکلام، چ چهارم، ص 211.

زیر بار مسئولیتی مضاعف رفتن و قبول نقش های متعدد در زندگی است و باعث خستگی زیاد استرس های مداوم و فشارهای روحی و روانی و افسردگی می گردد این امر سبب می گردد بعضی مسئولیت های خانوادگی وی را تحت الشعاع قرار دهد و از ایفای نقش ها و آن چه بر عهده ی او در خانواده نهاده شده بر نیاید

- کم میلی به بچه دار شدن یا اکتفا به فرزند کمتر و کوچک شدن خانواده گسترده در نسل آتی<sup>۱۱</sup> در حالی که در شرع مقدس اسلام یکی از اهداف تشکیل خانواده فرزندآوری و تولد نسل بیان گردیده که به بنیان خانواده استحکام بیش تر می بخشد؛ بدیهی است که نسل بیمار عقب مانده و گرفتار انواع مشکلات و ناهنجاری ها نمی تواند مطلوب و مورد توصیه اسلام و موجب افتخار و مباهات پیامبر و اولیای گرامی خدا باشد

- اشکال در ایفای نقش جنسی فرزندان (اگر جایگاه پدر در خانواده سست باشد) و محرومیت فرزندان دختر از یک الگوی جنسیتی مناسب و دوگانگی در تربیت فرزندان و گسترش فساد در جامعه به دلیل کاهش تربیت آمیخته با محبت مادر<sup>۱۲</sup> هرکدام از دختر و پسر باید در آینده نقش خاصی را در خانواده و اجتماع پیاده کنند لذا هرکدام تربیت متفاوتی را می طلبند یک مادر از کودکی باید به دختر خود بفهماند که او در آینده می خواهد مادر و همسر بشود بنابراین باید به مرور زمان به فرزند خود اعم از دختر و پسر نکاتی را که در زندگی آینده نیاز خواهد داشت بیاموزد

- افزایش سطح انتظارات اقتصادی خانواده و افزایش میزان خریدهای قسطی و مصرف گرایی خانواده ها و افزایش خطر بازگشت ناپذیری در مواقع از دست دادن شغل

- به خاطر مسئولیت مضاعف زنان شاغل خانم ها را به پیری زودرس افسردگی و مشکلات جسمانی و روانی گرفتار می کند

- از جمله مشکلات این زوج های شاغل محدودیت رفت و آمد و ارتباط با بستگان و دوستان و همین امر باعث انزوای اعضای خانواده می شود در حالی که در دین اسلام راجع به صله رحم تاکید خاصی شده است به این

---

101. زیبایی نژاد، گردآوری، اشتغال زنان، عوامل، پیامدها و رویکردها، ص 51.

102. قائمی، تشکیل خانواده در اسلام، ص 39.

شکل حمایت عاطفی و روانی و حتی مالی اطرافیان را از دست می دهند گاهی اگر فرصتی هم برای یکی از زوجین به وجود می آید زوج دیگر مشکل دارد؛ مثال عدم هم خوانی مرخصی ها و تعطیلی ها و...<sup>۱۰۳</sup>

- احساس بیهودگی و بی ارزشی نیز میتواند از آسیب های مادران شاغل باشد به خصوص اگر از سوی همسر یا فرزندان حمایت کافی و قدرشناسی لازم صورت نپذیرد.<sup>۱۰۴</sup>

- تغییر در ارزشها و اولویّت ها و انتظارها و تفکرات و ویژگی های زنان و رقابت برای کسب موقعیت های شغلی و استقلال مالی را به مثابه یک ارزش جلوه گر می سازد.<sup>۱۰۵</sup>

- بیکاری مردان و افزایش آسیب های اجتماعی از قبیل عدم امکان تشکیل خانواده و افزایش ولگردی و مزاحمت برای نوامیس و به خصوص در کشورهای در حال توسعه مثل ایران.<sup>۱۰۶</sup>

- انگیزه کمتر برای ازدواج و شیوع تجرد زیستی وسخت کردن شرایط ازدواج در حالی که در اسلام توصیه به ازدواج شده است رسول خدا(ص) به فردی فرمود: «ازدواج کن و آلا از خطاکارانی ازدواج کن که اگر نکنی در صف گناهکاران قرار میگیری و ازدواج موجب دوری و برکناری از لغزش و انحراف و در نتیجه باعث حفظ دین می گردد»

- توسعه مشاغل جایگزین خانواده: درگیر شدن زنان به اشتغالات رسمی سبب می شود بخشی از فعالیت های خانگی آنان بر عهده سازمان هایی چون مهد کودک ها، تولیدکنندگان مواد غذایی، رستوران ها، شرکت های خدماتی و موسسات دیگر بیفتد در این صورت اشتغال رسمی افزایش می یابد و درآمد حاصل از آن در درآمد ملی جامعه به شمار می آید و به غلط به منزله بهبود وضع اقتصادی تفسیر می شود.<sup>۱۰۷</sup>

---

103 . باقری، اشتغال زنان در ایران، ص 80

104 . باقری، اشتغال زنان در ایران، ص 77

105 . زیبایی نژاد، گردآوری، اشتغال زنان، عوامل، پیامدها و رویکردها، ص 42

106 . زیبایی نژاد، گردآوری، اشتغال زنان، عوامل، پیامدها و رویکردها، ص 58

107 . زیبایی نژاد، گردآوری، اشتغال زنان، عوامل، پیامدها و رویکردها، ص 68

در بین پیامدهایی که برای اشتغال زنان در وضعیت موجود جامعه مطرح شد بیشتر پیامدها منفی بود اما پیامدهای مثبت هم کم نبود که آن پیامدها برخلاف برخی از سفارشات دین مبین اسلام راجع به نقش ها و شئون زنان در خانواده می باشد و اشتغال مانع انجام آن می گردد نقش های پر اهمیت زنان در محیط خانواده آن قدر مهم است که نمیتوان آن را با هیچ نقش دیگری مقایسه کرد و حیف است این تعهد تأثیرگذار آسیب ببیند یا به آن خدشه وارد شود اگر شاخصه های اشتغال زنان بر اساس متون دینی طراحی گردد و آسیب ها و آفت های اشتغال زنان شناسایی شده و تدابیری برای رفع آن اندیشیده شود پیامدهای منفی اشتغال تقلیل خواهد یافت.

### **گفتار سوم: آسیب شناسی اشتغال زنان و تاثیر آن بر پیشرفت فرهنگی**

جامعه انسانی تدریجاً رو به کمال می رود و عالم بشریت هر روز قدم تازه ای در راه مدنیت بر می دارد و مقررات قابل اجرا در جامعه به یک حال باقی نمی ماند از طرفی در اثر پیشرفت خیره کننده علوم تجربی در زمینه های مختلف حیات بشری موضوعات جدیدی در زندگی آنان و نیز ارتباطات گسترده و پیچیده اجتماعی آنها پدید آمده است که در زمان های پیشین خبری از این موضوعات و ارتباطات و آثار قوانین لازم برای آنها نبود از این جاست که بنیانگذار جمهوری اسلام امام خمینی (ره) سخن از فقه پویا به میان آورده و می توان بر حسب مصلحت وقت حکم حکومتی سرچشمه از ولایت صادر کرد جواز اشتغال زنان نیز از احکام اولیه می باشد که می توان با توجه به بالا گرفتن پیامدهای منفی آن و مصالح وقت منع اشتغال توسط حاکم اسلامی به عنوان حکم حکومتی صادر نمود که لازم الاجرا و مانند شریعت دارای اعتبار می باشد و صدور حکم بر مبنای مصلحت در زمینه اشتغال بر اساس نیازهایی است که به انسان مربوط می شود و جهت تسهیل و بهبود روابط خانوادگی و استحکام بنیان خانواده به کار گرفته می شود.

امروزه یکی از مهم ترین معیارها برای سنجش درجه توسعه یافتگی یک کشور میزان اهمیت و اعتباری است که زنان جامعه در زمینه های مختلف دارا هستند زنان با جایگاه ها و موقعیت های متنوع و متفاوت برخاسته از توانمندی ها و مهارت های علمی - تخصصی و نیز با فرصت هایی که جامعه و نظام سیاسی در اختیار آنان قرار می دهد به نقش آفرینی در عرصه توسعه می پردازند

فرهنگ اسلامی - ایرانی خانه داری را یک شغل بسیار مهم می داند برای نقش های مادری و همسری زن ارزش زیادی قائل است و دیگر نقش های وی را در سایه این دو وظیفه مهم تعریف می کند زیرا این نقش ها بر خلاف دیگر وظایف تعریف شده در جامعه هیچ جایگزینی ندارند علاوه بر این فرآیند مهم تربیتی عاطفی اخلاقی نیز منوط به حضور مؤثر زن در خانه است بنابراین خانه داری نه تنها شغل محسوب می شود بلکه در حلقه های اقتصادی جایگاه مهمی را به خود اختصاص میدهد

یکی از شاخص های توسعه به عنوان یک امر جهانی میزان اشتغال و فعالیت زنان است هر چند در کشور ما این رقم بسیار پایین است حدود 10 درصد؛ اما در توسعه تنها یک شاخص مهم نیست بلکه چندین شاخص باهم اهمیت دارند این گونه نیست که اگر در کشوری اشتغال زیاد شود آن کشور از نظر جهانی در مرحله توسعه یافتگی باشد؛ اگر شاخص هایی برای توسعه یافتگی مطرح شد باید ببینیم چگونه می توانیم آنها را در جامعه و فرهنگ خود به کار بندیم؛ بنابراین می شود گفت که ما باید شاخص های جهانی را در جامعه خود در نظر داشته باشیم ضمن اینکه فرهنگ خود را نیز همزمان در نظر می گیریم در حالی که ما با کشورهای توسعه یافته از لحاظ ارزش ها نزدیک نیستیم و شاخص ها و ضوابط آن باید با فرهنگ و اعتقادات ما ارزیابی شوند نباید سعی کرد سطح اشتغال زنان را در جامعه بالا برد در این صورت هدفی که از نظر توسعه یافتگی در نظر است تحقق نخواهد یافت باید دید این شاخص ها به چه شکل بر اساس فرهنگ ما پیش خواهند رفت تا جامعه بابت آسیب هایی که در این راه بر پیکرش وارد می شود کمترین هزینه را بپردازد در هر صورت آسیب هایی وجود دارند و هزینه هایی را باید پرداخت اگر بخواهیم برنامه ای را که در جامعه ای پیش رفته اجرا شده است در جامعه ای که هنوز بستر آن برنامه آماده نیست عملی کنیم با هزینه های بسیار و آسیب های اجتماعی ناگواری روبه رو می شویم.

امروزه در غرب نظریه های توسعه با مشکلات جدی نظری مواجه شده اند یکی از این اشکال ها که به نظریات توسعه وارد می شود کمیت گرایی توسعه بدون توجه به ماهیت و جهت افزایش کمیت است در کشور ما برخی شاخص های فرهنگی وجود دارد که ممکن است در الگوهای توسعه ارزش گذاری نشده باشند؛ اما برای ما کاربرد فرهنگی داشته باشند لذا اولین گام مسئله بومی کردن شاخص اشتغال زنان و الگوی برنامه ریزی مطابق با فرهنگ و ارزش های دینی می باشد که در فرهنگ ما زنان در کنار خانواده بودن را بر اشتغال ترجیح می دهند و خانواده یک اصل است و اشتغال باید در جهت خانواده تنظیم گردد این مسئله به بسیاری از حوزه های دیگر

حقوقی نیز سرایت می کند حتی به برنامه ریزی و مهم تر از همه به فرهنگ سازی ما سرایت می کند و رسانه ها نیز باید همین را تبلیغ کنند و این به معنی محرومیت زنان از عرصه مشارکت های سیاسی و اجتماعی نیست زیرا این مطلب در قالب یک شاخص بومی و فرهنگی پذیرفته شده که خانواده اصل است و حقوق و مبانی فقهی هم بر این اساس است زیرا اگر شرایطی را برای کار زنان فراهم کنید تا بتوانند در کنار خانواده هایشان به فعالیت بپردازند هم آرامش دارند هم شاغل هستند و هم آسیب های اجتماعی کم تری بر پیکر خانواده وارد می شود در این صورت هم بر اساس فرهنگمان عمل کرده ایم هم بر اساس شاخص های بین المللی توسعه و می توان گفت که به هردو نیاز هم اشتغال بانوان هم حفظ خانواده پاسخ درست داده شده است.

باید گفت نظریه های اجتماعی و مشکلاتشان به تعارضاتشان باهم بر می گردد خیلی خوب است که هر خانمی در کنار محیط کارش مهد کودک طراحی کند محل زندگی اش را انتخاب کند و از همسرش حمایت کند؛ اما مشکل از جایی آغاز می گردد که به تعارض دچار می شویم؛ مثال تعارض محیط کار مرد با زن یا محیط کار مرد با محیط زندگی در این جا دیگر نمی توان با توصیه های اخلاقی مسئله را حل کرد برنامه ریزی لازم است اما این برنامه که اشتغال زنان در قالب حضور در ساعات مشخصی و بیرون از منزل تعریف شود درست نیست باید با در نظر گرفتن شرایط برنامه ریزی شود برای جامعه کنونی پذیرفتنی نیست که بخواهیم برای همه زنان و به صورت تمام وقت شغل ایجاد کنیم و آنان را به حضوری این چنین در جامعه تشویق کنیم باید فرصت های شغلی به تدریج و به صورت پاره وقت ایجاد شوند تا زنان هم استقلال مالی داشته باشند و هم ببینند که می توانند توانایی های خود را بروز دهند.

رهبر فقید انقلاب حضرت امام خمینی (قدس سره) زن را با حفظ موقعیت و نقش های مختلف خانوادگی و نیز کرامت و منزلت انسانی او در جامعه مطرح نمود و در مرکز فعالیت های سیاسی و اجتماعی قرار داد و پرچم بسیاری از فعالیت های اجتماعی را بدست آنان سپرد اما این مشارکت زنان را در طول وظیفه مادری- همسری می دیدند و در مورد اشتغال زنان نظرشان این بود که تا حدی که به خانواده لطمه نخورد اشکالی ندارد چرا که زن را مربی جامعه می دانست و فرمودند: «از دیدگاه اسلام زن و مرد هر کدام دارای هویت انسانی و استقلال ذاتی بوده و رشد و پیشرفت کشور بدون حضور اجتماعی زنان به پیروزی و اهداف نخواهد رسید» ولی ارزش شغل تربیت فرزند با هیچ میزانی سنجیده نمی شود

## گفتار چهارم: ابعاد دو سویه حقوق و تکالیف زوجین در نظام خانواده

«حق» در لغت در معانی گوناگونی به کار رفته است برخی از معانی لغوی این واژه به شرح زیر است: راستی عدالت ثابت و یقین که در آن جای تردید و انکار نباشد شایسته و سزاوار راستی در گفتار مال ملک و سلطنت بهره و نصیب امر صورت پذیرفته و انجام شده<sup>۱۰۸</sup>؛ از نظر اصطلاحی نیز به گونه های مختلفی است مثال حق در فلسفه در فقه در اخلاق و از لحاظ حقوقی حق عبارت است از اقتداری که قانون به افراد می دهد تا عملی را انجام دهند<sup>۱۰۹</sup> تکلیف در قرآن و علوم اسلامی فقه و حدیث در قرآن واژه تکلیف به کار نرفته اما از مشتقات این مصدر هفت بار در قرآن استفاده شده استاز نمونه های آیات قابل ذکر می توان به این آیه اشاره کرد: «و هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی کنیم و نزد ما کتابی است که به حق سخن می گوید و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت<sup>۱۱۰</sup> (سوره مومنون / آیه 12) در علوم اسلامی به تکلیف از منظر فقهی و کلامی توجه شده است در روایات و احادیث نیز بصراحت یا به طور ضمنی نکات مختلفی درباره تکلیف آمده است از جمله گفته شده است که تکلیف امر دشواری نیست حال آنکه ثواب بسیار به آن تعلق می گیرد.<sup>۱۱۱</sup>

## گفتار پنجم: حقوق مالی و غیر مالی زوجین و تناسب حق و تکلیف بین آنها

یکی از حقوق زن و مردی که پیوند زناشویی می بندند حقوق غیرمالی آنها نسبت به یکدیگر است طبیعتاً در ازای ایجاد هر حق غیرمالی برای هریک از زوجین طرف دیگر مکلف به رعایت آن حق می شود در این میان نکته ظریف و حایز اهمیتی که وجود دارد این است که در حقوق غیرمالی که برای زوجین در نظر گرفته شده باید رعایت تساوی و عدالت مورد عنایت ویژه قرار گیرد در حقوق مدنی ایران در بعضی موارد حقوق غیرمالی تعیین شده برای زوج بیشتر از حقوق غیرمالی تعیین شده برای زوجه می باشد در حقوق اسلام و ایران اصل استقلال

<sup>108</sup> . جبران، فرهنگ الفبائی الرائد، ترجمه رضا ابوترابی نژاد، ص 689

<sup>109</sup> . امامی، حقوق مدنی، ص 125

<sup>110</sup> . وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَ لَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَ هُمْ أَلْ يُظْلَمُونَ

<sup>111</sup> . طارمی، تکلیف از دو دیدگاه، ص 46



مالی زوجین مبنای روابط مالی زوجین است و هر یک از زن و شوهر در اکتساب و تصرف اموال خود استقلال کامل دارند از نگاه فقهی هم در رابطه با این موضوع عنوان شده است که اگر مرد و یا زن از راه عمل چیزی به دست می آورد خاص خود اوست و خدای تعالی نمی خواهد به بندگان خود ستم کند از اینجا روشن می شود که مراد از اکتساب در آیه: «للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن» نوعی حیازت و اختصاص دادن به خویش است؛ اعم از این که این اختصاص دادن به وسیله عمل اختیاری باشد نظیر اکتساب از راه صنعت و یا حرفه یا به غیر عمل اختیاری لیکن بالاخره منتهی می شود به صفتی که داشتن آن صفت باعث این اختصاص شده باشد و معلوم است که هر کس هر چیزی را کسب کند از آن بهره ای خواهد داشت و هر کسی هر بهره ای دارد به خاطر اکتسابی است که کرده است

### مبحث چهارم: نگرش کلی اسلام به کار زنان

در یک نگاه کلی اسلام به کار زنان با شرایطی که برای آن مقرر شده مخالف نیست؛ اما در تعارض میان کار زنان و ارزش های مهم و بنیادی تر نگاه اسلام به کار زنان متفاوت خواهد بود سعی بر آن است که در کنار کار زنان ارزش های بنیادین و اساسی صیانت و حمایت شود البته این موضوع در مورد مردان نیز صادق بوده و منحصر به زنان نیست در اسلام قاعده ی «تراحم» و «اهم و مهم» وجود دارد که اگر میان اهم و مهم تراحم پیدا شود از نظر شرعی عقلی و نقلی اهم مقدم بر مهم است در همین زمینه ارزش ها و نهادهایی مثل خانواده که در اسلام دارای اهمیت بنیادین هستند صیانت می شوند و حفظ آنها در درجه ی اول اهمیت قرار دارد بدین روی:

1- خانواده در اسلام نهادی مقدس و ارزشمند و محبوب ترین بنا نزد خداوند است؛ چنان که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«ما بنی فی الاسلام احب الی الله - عزوجل - من بیت یعمر فی الاسلام بالنکاح»

یا در جای دیگر می فرمایند:

«و ما من شیء ابغض الی الله - عزوجل - من بیت یخرب فی الاسلام بالفرقه؛ یعنی الطلاق» اسلام بر پایداری و استواری خانواده پای می فشرد و به هیچ وجه به نابودی و از بین رفتن و تبدیل و جایگزین رضایت نمی دهد و

آن را به مصلحت فرد و جامعه نمی داند نهاد خانواده در اسلام یک اصل است احکامی همچون حرمت نگاه به نامحرم برای زن و مرد، وجوب پوشش برای زن، خوش نداشتن طلاق، احترام به پدر و مادر و صله ی رحم همگی در جهت حفظ و حراست از بنیان ارزشمند و اصیل خانواده هستند خانواده سنگر مستحکمی است که همسران در پناه آن از آسیب های تیر انحراف و کژی در امان می مانند

به تاسی از اهداف کلان و احکام دین مقدس اسلام در مقدمه ی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان تلقی شده و خانواده که زمینه ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد پاینده است اصل اساسی شمرده شده در این برداشت زن از حالت ابزار کار بودن خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پر ارج مادری در پرورش انسان های مکتبی هم‌رزم مردان در میدان های فعالیت حیات سیاسی و اجتماعی تلقی شده است

2- زن در خانواده محور است و کودک ده ها نیاز مادی و معنوی دارد که برآوردن آنها در درجه ی اول در دست مادر است نقش زنان هم به سبب همسری و هم به دلیل ویژگی مادری در بنیان خانواده نقشی محوری است زن سنگ بنای خانواده است و به تجربه و یافته های علمی ثابت شده است که کس دیگری نمی تواند جای مادر را بگیرد از همین رو در قانون اساسی دولت موظف شده است از مادران به خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزندان حمایت کند

3- از دیدگاه اسلام ارزش کار زنان در خانه حتی با جهاد مجاهدان برابری می کند در این زمینه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

ای زنان! هر یک از شما با اشتغال در خانه ی خود اگر خدا بخواهد ثواب جهاد مجاهدان را خواهید داشت.<sup>112</sup>

و یا در جای دیگر می فرمایند:

---

<sup>112</sup>. «مهنة احدكن في بيتها تدرک جهاد المجاهدین ان شاء الله»

هیچ زنی نیست که برای اصلاح چیزی را در منزل همسرش جا به جا کند مگر اینکه خداوند به او نظر می کند و کسی که خداوند به او نظر کند عذاب نمی شود.<sup>۱۱۳</sup>

متأسفانه با این همه تأکیدهای اسلام اهمیت کار زنان در خانه نادیده گرفته می شود و معمولاً به چشم نمی آید در حالی که هم از نظر ارزش مادی و هم معنوی - همان گونه که گذشت - جایگاه والایی در اسلام دارد شاید عادی شدن کار زنان در خانه در عرف و سنت جامعه و عدم توجه به کارکرد آن یکی از دلایل عدم توجه و درک اهمیت کار زنان در خانه باشد امروزه اندیشمندان و متفکران درصدد ارزش گذاشتن کار بدون مزد زنان در خانه هستند بسیاری از اقتصاددانان معتقدند: کار در منزل هر چند در آینه ی آمار و ارقام قابل محاسبه نباشد اما به واقع دارای ارزش اقتصادی است و باید مورد محاسبه قرار گیرد و ارزش مادی آن محاسبه شود

### **مبحث چهارم: تدابیر قانونی و حمایت از زنان در حین طلاق**

برای جلوگیری از طلاق های ناروا فقط توصیه های اخلاقی کفایت نمی کند و باید با ضمانت های اجرایی حقوقی و با پاره ای تدابیر قانونی راه سوء استفاده سد شود در فقه اسلامی و در متن قوانین موجود تدابیری در این مورد اتخاذ شده است یکی از این تدابیر طرح مسئله ی حکمیت و داوری است

گرچه طرح مسئله ی حکمیت و داوری در احکام مربوط به اختلافات خانوادگی اصولاً برای درمان اختلافات حین بروز اولین علایم شقاق و آن هم در محدوده ی خود خانواده و قبل از مراجعه به حاکم شرعی است از آن جا که چنان امری جای خود را به عنوان یک حکم شرعی پرثمر در فرهنگ و عرف خانواده ها پیدا نکرده در اصلاحیه ای طبق ماده ی واحده دادگاه ها به طور قانونی موظف شده اند در صورت مراجعه ی زوجین برای طلاق در ایجاد سازش و ملائمت بکوشند و با قرار دادن داورهایی از طرفین که به عقل و درایت معروف باشند حداقل مشکلات آنها را ریشه یابی و سهم تقصیر یا قصور هر یک را در این غائله معلوم نمایند

---

<sup>113</sup>. «ما من امرأه رفعت من بیت زوجها شیئاً من موضع الی موضع آخر ترید به اصلاحاً الا نظر الله الیها و من

نظر الله الیه لم یعذبها»

تعبیر قرآن از این واقعه این است که (وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا) یعنی دلیل رجوع به حکمیت خوف شقاق است؛  
کما این که ارجاع به داوری از شیوع جریان اختلاف در بین دیگران جلوگیری می کند و مانع از آن می شود که  
دخالت های بی جا و نابخردانه ی افراد ناآگاه به بحران دامن بزنند هر تقدیر اگر داورها عدم امکان سازش را  
احراز نمودند دادگاه گواهی عدم امکان سازش را صادر می کند؛ بنابراین اجازه ی دادگاه برای طلاق شرط لازم  
است

بنابر آنچه گذشت امروزه اگر مردی بخواهد همسرش را طلاق دهد باید به دادگاه مراجعه کند و پس از طی مسیر  
داوری و احراز عدم امکان اصلاح بین زوجین دادگاه گواهی عدم امکان سازش را صادر می کند و دفتر ثبت  
طلاق با دریافت آن می تواند اقدام به ثبت طلاق نماید.<sup>114</sup>

### گفتار اول: عده

بحث بعدی مربوط به طلاق مسئله ی «عده» است همه ی انواع عده در این نکته شریک اند که در خصوص زنان  
وارد شده اند و آنها را ملزم می سازند که پس از فوت همسر یا جدایی از او مدتی (که در فقه اسلامی مقرر است)  
صبر کنند و از ازدواج مجدد با مرد دیگر خودداری نمایند چنین حکمی برای مردان وجود ندارد

فلسفه ی تشریح عده متفاوت گفته شده است دلایلی برای لزوم رعایت عده وجود دارد که بر ما پوشیده است  
مسئله ی اطمینان یافتن از نبودن جنینی در رحم زن (استبراء) یا حفظ حرمت همسر یا ایجاد فرصتی برای رجوع  
همسر و تشکیل مجدد کانون خانواده هر یک می توانند حکمتی برای تشریح این قانون باشند؛ ولی در هر صورت  
و در وهله ی اول لزوم تعبد و گردن نهادن به احکام است که ما را به انجام آن فرا می خواند این امر از نگاه  
فقه های شیعه و سنی مغفول نمانده و همه در تعریف عده لزوم تعبد به حکم را بیان داشته و از این منظر خواسته  
اند بیان کنند که حکم قابل تغییر نیست بنابراین حکم مزبور هم به دلیل آن که بین تمام فرق اسلامی مشترک  
است سدی محکم بر سر راه ماده ی 16 کنوانسیون به حساب می آید

---

<sup>114</sup>. امامی، حقوق مدنی، ص 67

## گفتار دوم: رجوع

برای دوام حیات خانوادگی و جلوگیری از اضمحلال و از هم پاشیدگی تمهیداتی در دین دیده شده است که بر آن اساس بتوان برخی بحران‌ها را پشت سر نهاد و دوباره کانون خانواده را اصلاح نمود که از آن جمله مسئله رجوع است زوجین در حالی به رجوع فکر می‌کنند که تجربه ی تلخ طلاق را پشت سر نهاده اند از آن جایی که مرد (در شرایط معمولی) درخواست طلاق داده و خود باعث این جدایی شده است ترمیم آن هم به عهده ی خود اوست که اگر بخواهد بتواند با مراجعه به همسر خانواده ی فروپاشیده را احیا نماید

رجوع در ایام عده صورت می‌گیرد و چون همسر مطلقه در دوران عده در حکم همسر قانونی است از مزایایی نظیر نفقه (خوراک پوشاک مسکن) برخوردار است و نباید او را از خانه بیرون نمود؛ به عبارت دیگر دین در کنار اعطای حق طلاق به مردان حتی الامکان زمینه را برای احقاق حقوق زنان نیز فراهم نموده است تا آنان بتوانند خانه و خانواده ی مورد علاقه ی خود را که سالیانی برایش زحمت کشیده اند حفظ کنند البته متأسفانه در عرف جوامع اسلامی چنان مواجهه ای با امر طلاق و عده نمی‌شود

در هر صورت این مرد است که حق رجوع دارد و برای زنان فقط در طلاق خلع که بنا به درخواست آنها صورت گرفته است امکان رجوع وجود دارد؛ به این کیفیت که مقدار مالی که در ازای طلاق خود به همسر بخشیده اند پس بگیرند تا طلاق از حالت باین به حالت رجعی درآید و زمینه ی رجوع شوهر فراهم شود این مسئله هم مورد اتفاق همه ی علمای شیعه و اهل سنت است و طبعاً مغایر با کنوانسیون به حساب می‌آید.<sup>115</sup>

## گفتار سوم: ارث

یکی از لوازم پیوندهای خانوادگی و خویشاوندی مسئله ی ارث بری است توارث از اولین پیامدها و نتایج ملکیت بوده که از قدیم طبق عرف هر جامعه به گونه ای اعمال می‌شده است صرف نظر از تفصیل تاریخی دین اسلام نیز در این رابطه دستورهایی را تشریح و نظام ارث بری را در جغرافیای خاصی از فکر دینی طراحی نمود آیات

<sup>115</sup>. روشن فر، مرضیه، اشتغال و مالکیت زن، ص 62.

الهی با بیان قانون تقدم رابطه های خویشاوندی نزدیک تر بر دیگران اولویت هایی را در ارث بری مطرح ساختند<sup>۱۱۶</sup> مسئله ی مهم در نحوه ی ارث بری اسلام طبقه بندی وارث است که با وجود طبقه ی نزدیک تر به میت نوبت به طبقه ی دورتر نمی رسد؛ مثلاً کسی که فرزند دارد ارثش به برادران و خواهران و عموها و دایی ها نمی رسد؛ با این وصف به موازات اولویت بندی مذکور همسر متوفی شریک تمام طبقات ارث است و در صورت وجود هر خویشاوندی سهم مفروض زن ملغی نمی شود.

راجع به (میراث) خداوند متعال، فرزندانان شما را سفارش می کند که برای هر پسر سهم دو دختر را منظور کنید در جایی که از میت چند فرزند پسر و دختر یا چند خواهر و برادر ابوینی مانده باشد<sup>۱۱۷</sup> این قانون جاری می شود و به هر پسر دو برابر سهم الارث دختران می رسد نتیجه این که این قانون اسلامی نیز علاوه بر مخالفتش با ماده ی اول با ماده ی 15 و ماده ی 2 هم ناسازگار است.

شایان ذکر است که تفاوت زن و مرد در میزان ارث در مواردی که ذکر شد بر این حکمت استوار است که دین در منظومه ی فقهی خودش احکام را به گونه ای قرار داده که از توجیه یکدیگر برآیند یعنی حکمی که در یک مورد نسبت به زن یا مرد نقصان به حساب می آید در جای دیگری جبران شده است هماهنگی احکام با یکدیگر از یک سو و تناسب آنها با واقعیت های تکوینی موجود در هر یک از دو جنس زن و مرد چهره ی نظام فقهی اسلام را موجه می سازد از جمله ی این موارد مسئله ی ارث است.

اسلام با ایجاد زمینه های متعددی زنان را مالک اموالی قرار می دهد حتی اگر این زنان شغل و درآمدی نداشته باشند زمینه هایی نظیر ارث مهریه نفقه اجرت شیردهی و اجرت خدمت در خانه (حق الزحمه ی خانه داری) البته با طرح اصول اخلاقی در کنار این برنامه های حقوقی و فقهی زن و مرد را دعوت به سازگاری و انس و محبت بیش تر نیز می نماید در کنار این امتیازات که برای زن قرار داده شده است دین اسلام از اشتغال او نیز جلوگیری نمی کند و زنان با حفظ شروطی که در دین مقرر شده می توانند شخصاً برای خود درآمد زایی کنند بدون آن که از نظر قواعد دینی ملزم به اداره ی خانواده و انفاق بر آنها باشند.

116. *أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ*، انفال آیه ی 75

117. *يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ*، نساء آیه ی 11

در مقابل مردان نیز از ارث برخوردارند و باید برای کسب درآمد به کسب و کار نیز بپردازند و از هر آنچه در اختیار دارند (یعنی اموال خود) خانواده ی خود را بهره مند سازند؛ خواه اموالشان از طریق ارث یا بخشش به آنها رسیده باشد و یا درآمد کسب آنها باشد؛ بنابراین تفاوت زن و مرد در مواردی از قوانین ارث کاملاً معقول و منطقی به نظر می رسد.<sup>۱۱۸</sup>

---

<sup>118</sup> . پروین، فرهاد و وحیده حسینی، شرایط، قلمرو و آثار فقهی و حقوقی ریاست زوج در رابطه با

## نتیجه :

در اسلام نه تنها حق کار زنان به رسمیت شناخته شده است بلکه در کنار آن استقلال مالی آنان و دست مزد عادلانه نیز مورد تأکید قرار گرفته است از این رو نظام حقوقی اسلام پیش گام بوده پیش از آنکه غربی ها به استقلال مالی زنان بیندیشند آن را قانونی نموده است از دیگر سو شرایط و محدودیت هایی که برای اشتغال زنان در نظام حقوقی اسلام مقرر شده با هدف حفظ کرامت و شخصیت زن و نیز مصالح خانواده و اجتماع است حفظ بنیان خانواده و تربیت فرزندان و نیز آرامش روحی و روانی زنان و جامعه از مصالح اساسی است که اسلام آن را مورد تأکید ویژه قرار داده است از این رو وضع محدودیت ها و ضوابط با هدف تقویت و حفظ کانون گرم خانواده و فعال نمودن کارکردهای مثبت آن است و از همین رو برخی شرایط مربوط به زن شوهردار است بنابراین اسلام کار زنان را در کنار دیگر مسائل و امور اجتماعی لحاظ نموده و از نگرش تک بعدی به کار زنان دوری نموده است و انگهی هنجارهای حقوقی و اخلاقی اسلام به گونه ای هستند که از تبدیل شدن زن به ابزاری برای اقتصاد جلوگیری می کند بر خلاف رویکرد لیبرالیستی به اقتصاد که در بسیاری از موارد زنان و حتی مردان به ابزار اقتصادی تبدیل شده اند نگاه به انسان در کنار دیگر عوامل تولید باید نگاهی متفاوت باشد و کرامت انسان به عنوان گل سر سبد هستی و مخلوقات حفظ گردد

از سوی دیگر حضور زنان در برخی مشاغل لازم و ضروری است؛ زیرا اجرایی شدن برخی از احکام اسلامی و رعایت آنها و ضرورت های اجتماعی مستلزم حضور زنان در برخی مشاغل و حرفه های اجتماعی است

نکته ی دیگری که باید به آن توجه نمود عدم اهمیت به خانه داری در میان سایر مشاغل است کار زنان در خانه از اهمیت بسیاری برخوردار است که متأسفانه - چون همواره زنان کارهای خانه را انجام داده اند - اهمیت آن نادیده گرفته شده و در نتیجه نقش زن در خانه کم ارزش تلقی گردیده است و معمولاً به چشم نمی آید اما در اسلام کار زنان در خانه در بُعد معنوی هم سنگ جهاد مردان تلقی شده است و در بعد مادی نیز زنان می توانند درخواست اجرت نمایند



در پایان این موضوع مورد تأکید قرار می‌گیرد که عدم توجه به هنجارهای حقوقی و ارزشی اسلام و جایگزین شدن الگوهای غربی در مورد کار زنان پیامدهای نامطلوبی در پی دارد که اکنون از چالش‌های جدی جوامع غربی به شمار می‌آید از هم پاشیدگی خانواده‌ها، رو آوردن به زندگی فردی، کم ارزش شدن نهاد مقدس خانواده، فقدان روابط عاطفی میان اعضای خانواده، کاهش سن مجرمان و نبود آرامش روحی و روانی برای اعضای خانواده به ویژه زنان شاغل از چالش‌های جدی است که غرب بیش از جوامع اسلامی درگیر آن است و نتوانسته راه حل جدی بر اساس مبانی فکری اش برای آن ارائه کند الگوپذیری نسنجیده و بدون اندیشه و تأمل از غرب و رها کردن ارزش‌های حقوقی و اخلاقی اسلام - در ابعاد گوناگون از جمله در موضوع کار زنان - می‌تواند جوامع اسلامی را نیز به سرنوشت بازگشت ناپذیر غرب دچار سازد بحران‌هایی که غرب اکنون با آنها رو به روست - در صورت تقلید غیر منطقی از غرب و رها کردن ارزش‌های حقوقی و هنجاری اسلام در موضوع کار بانوان - دامنگیر جوامع اسلامی نیز خواهد شد یکی از عوامل مهم جلوگیری از بحران‌های مزبور در کنار دیگر عوامل حاکمیت هنجارهای حقوقی و اخلاقی اسلام است.

با بررسی در آثار فقها و امام خمینی حاصل شد خانواده یک واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است زندگی زناشویی قوام تحکیم و استمرارش به محبت، دوستی، تفاهم، احترام متقابل و به رسمیت شناختن و رعایت حقوق همدیگر است بنابراین دین اسلام برای آنکه محیط و اجتماع کوچک خانواده قوام پیدا کند و تداوم یابد برای هر یک از زن و شوهر حقوقی در نظر گرفته و در مقابل این حقوق وظایفی را نیز برای آنان تعیین کرده است؛ چرا که خداوند هر جا حقی در نظر گرفته تکلیفی را مقرر نموده است و هم قوانین و مقررات و برنامه‌های کشور باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده حمایت و پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد و زن و مرد بر اساس حکمت الهی با لحاظ تفاوت‌های طبیعی آنها باید از حقوق انسانی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عادلانه برخوردار شوند.

## پیشنهادها

از آنجا که ممکن است در اعتبار قانون حمایت خانواده تردید شود شایسته است متن ماده ۱۱۱۷ قم اصلاح شده و نکات ذیل به آن ملحق گردد:

1- حق زن در مخالفت با شغل شوهر در صورت منافات داشتن شغل با مصالح و حیثیات خانوادگی؛

2- لزوم تایید دادگاه پس از درخواست تغییر شغل از سوی زوج یا زوجه؛

3- الحاق قید «عدم اخلال در معیشت خانواده» در مورد الزام زوج به تغییر شغل زوجه

با توجه به نکات فوق متن ذیل برای اصلاح ماده ۱۱۱۷ قم پی شهاد می شود:

«شوهر میتواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند تشخیص منافات شغل زن با مصالح و حیثیات خانوادگی با دادگاه می باشد چنانچه شغل مرد منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات مرد یا زن باشد زن نیز میتواند وی را از این شغل منع کند؛ در این صورت دادگاه در صورتی که اختلالی در امر معیشت ایجاد نشود مرد را از اشتغال به شغل مذکور منع خواهد کرد»

4- از نتایج بررسی ها بر می آید که تعیین ضابطه و ملاک معین برای مصالح خانواده ها یا حیثیت زن یا مرد امکانپذیر نیست و باید داوری را به دادرس بر مبنای عرف سپرد

## منابع

- قرآن کریم

- نهج البلاغه

منابع فارسی:

1. سیمایی صراف، حسین (1380). شرط ضمنی، قم، بوستان کتاب قم.
2. سفیری، خدیجه (1377). جامعه شناسی اشتغال زنان، چاپ اول، تهران، تبیان.
3. اقبالی، بنفشه (1386). نظرسنجی از مردان درباره اشتغال زنان، پژوهش ارتباطی، ش 51، مرکز تحقیقات و مطالعات پخش برنامه های صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
4. اسدی، لیلا سادات (1390). حقوق کیفری خانواده، تهران، دانشگاه امام صادق (ع) واحد پردیس خواهران.
5. باقری، شهلا (1382). اشتغال زنان در ایران (درآمدی بر عوامل موثر بر اشتغال زنان در چهل سال گذشته)، تهران، چاپ اول، روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.
6. ملک زاده، فهیمه (1389). حق زوجه بر اشتغال و رابطه ان با حق زوج بر تمکین، فصلنامه علمی - ترویجی فقه و حقوق خانواده، ش 13، دانشگاه امام صادق (ع).
7. میرزا خسروانی، علیرضا (1390ق). تفسیر خسروی، تهران، کتابفروشی اسلامی.
8. پروین، فرهاد و وحیده حسینی (1392). شرایط، قلمرو و آثار فقهی و حقوقی ریاست زوج در رابطه با زوجه، مجله پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، شماره 3.
9. قائمی، علی (1367). تشکیل خانواده در اسلام، چ ششم، انتشارات امیری.
10. شهیدی، مهدی (1387). حقوق مدنی (4). شروط ضمن عقد، تهران، مجد.

11. شهیدی، مهدی (1383). اصول قراردادها و تعهدات، ج 2، تهران، مجد.
12. کاتوزیان، ناصر (1371). حقوق خانواده، چ سوم، تهران، شرکت انتشار.
13. کاتوزیان، ناصر (1385). دوره حقوق مدنی، حقوق خانواده، چ 7، تهران، شرکت سهامی انتشار.
14. کاتوزیان، ناصر (1378). کلیات حقوق، نظریه عمومی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
15. کاتوزیان، ناصر (1388). قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
16. صادقی مقدم، محمدحسن (1394). نفقه و نیازهای درمانی زوجه، زن در فرهنگ و هنر، مرکز مطالعات زنان دانشگاه تهران.
17. صادقی مقدم، محمدحسن (1384). اجرتالمثل کارهای زوجه و بررسی آرای محاکم در این زمینه، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ش 41.
18. صفار، محمدجواد (1393). درسهایی از حقوق خانواده، تهران، جنگل.
19. صفایی، سید حسین؛ امامی، اسدالله (1376). بررسی تطبیقی حقوق خانواده، چ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
20. ویل دورانت (1371). لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب، چاپ هفتم، تهران، انقلاب اسلامی.
21. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (1380). زن و عدالت اجتماعی (مجموعه خطبه های نماز جمعه)، نشر سفیر حج.
22. صفایی، سید حسین؛ امامی، اسدالله (1380). حقوق خانواده، چ هشتم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
23. گرجی، ابوالقاسم (1384). بررسی تطبیقی حقوق خانواده، تهران، دانشگاه تهران.
24. لطفی، اسدالله (1388). حقوق خانواده، ج 1، تهران، خرسندی.

25. محقق داماد، سید مصطفی (1372). بررسی فقهی حقوق خانواده، تهران، نشر علوم اسلامی.
26. مدنی، جلال الدین (1369). حقوق اساسی و نهادهای اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، صدا و سیما.
27. مقدادی، محمد مهدی (1381). ریاست مرد در رابطه زوجیت، فصلنامه نامه مفید.
28. مهرپور، حسین (1379). مباحثی از حقوق زن، تهران، موسسه اطلاعات.
29. میرخانی، عزت السادات (1379). رویکردی نوین در روابط خانواده، تهران، سفیر صبح.
30. شب خیز، محمدرضا (1392). اصول فقه دانشگاهی، نشر لقاء، قم، ایران، چاپ اول.
31. زیبایی نژاد، محمدرضا (1388). گردآوری، اشتغال زنان، عوامل، پیامدها و رویکردها، چاپ اول، مجموعه مقالات و گفتگوها اشتغال زنان، تهران، مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.
32. امامی، سید حسن (1366). حقوق مدنی، ج 2 و 5، تهران، اسلامیه.
33. عظیم زاده اردبیلی، فائزه سادات (1385). نگرشی بر سیر تاریخی و تطبیق حقوق زن در ایران، نشریه ندای صادق (ع)، ش 11.
34. نوین، پرویز (1384). انعقاد و انحلال قراردادها، تهران، تدریس.
35. عراقی، عزت الله (1389). دوره کامل حقوق کار، ج 1، چ 2، تهران، سمت.
36. آرتیدار، طیبه (1379). قوانین و مقررات ویژه زنان، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، چاپ دوم، تهران، نشر برگ زیتون.
37. حائری، مسعود (1373). مبانی فقهی اصل آزادی قراردادها، چ دوم، تهران، سازمان انتشارات کیهان.
38. طارمی، حسن (1389). تکلیف از دو دیدگاه، سال 5، شماره 81، مجله کلام اسلامی.

39. روشن فر، مرضیه (1382). زن، اشتغال و مالکیت، چاپ دوم، تهران، برگ زیتون.

40. حایری شاه باغ، سید علی (1379). شرح قانون مدنی، تهران، کتابخانه گنج دانش.

41. حیدرپور، البرز (1380). حقوق خانواده- انعقاد ازدواج دائم- آثار و انحلال آن، تهران، مهزیار.

منابع عربی:

42. آملی، شیخ محمد تقی (1413ق). المکاسب و البیع (تقریر بحث نائینی)، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

43. ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم (1405ق). لسان العرب، چ اول، دار احیاء التراث العربی.

44. انصاری، مرتضی (1420ق). المکاسب، چ اول، قم، مؤسسه باقری.

45. اشعری، احمد بن عیسی (1408ق). النوادر، چاپ اول، قم، مؤسسه الامام المهدی.

46. القاسمی، ظاهر (1978م). نظام الحکم فی الشریعه و التاریخ الاسلامی، دارالنفیس، بیروت.

47. الماوردی، ابوالحسن علی بن محمد (1966م). الاحکام السلطانیة الولايات الدینیة، دارالکتب العلمیة، قاهره.

48. السرخسی، محمد بن احمد (1324). المبسوط فی الفقه، چاپ السعاده، قاهره.

49. السنهوری، عبدالرزاق احمد (1382). الوسیط فی شرح القانون المدنی الحدید، ترجمه‌ی محمد حسین دانش کیا و سید مهدی دادمرزی، قم، دانشگاه قم.

50. بجنوردی، محمد حسن (1419ق). القواعد الفقهیة، چ اول، قم، نشر الهادی.

51. بحرانی، یوسف (بی تا). الحدائق الناضرة، بحرانی، قم، جماعة المدرسین.

52. جبعی العاملی، زین الدین بن علی ( شهید ثانی (1416ق). مسالک الافهام الی تنقیح الشرایع الاسلام، ج 8. قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
53. جبران، مسعود (1376). فرهنگ الفبائی الرائد، ترجمه رضا ابوترابی نژاد، جلد 2، انتشارات آستان قدس رضوی.
54. حرّ عاملی، محمد بن حسن (بی تا). تفصیل وسائل الشیعۀ الی تحصیل مسائل الشریعۀ، انتشارات آل البیت.
55. حسینی مراغی، میرعبدالفتاح (1418ق) العناوین، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
56. حسینی شیرازی، سیدمحمد (1424ق). تقریب القرآن الی الاذهان، بیروت، دارالعلوم.
57. حسینی جوهری، سید عباس (1420ق). خزائن الاشعار، چاپ دوم، قم، مسجد مقدس جمکران.
58. خوانساری، سید احمد (1418ق). حاشیه المکاسب (منیه الطالب)، چ اول، مؤسسه النشر الاسلامی.
59. خوئی، سید ابوالقاسم (1371). مصباح الفقهاه، چاپ سوم، وجدانی.
60. رازی، فخرالدین (1420ق). مفاتیح الغیب، چاپ سوم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
61. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (1404ق). المفردات فی غریب القرآن، چاپ دوم، بیروت، دارالعلوم الاسلامیه.
62. رشید رضا، محمد (1978م). حقوق النساء فی الاسلام، المکتبه الاسلامی، بیروت.
63. زمخشری، محمود بن عمر (1415ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل، بیروت، دار الکتب العلمیه.
64. زحیلی، وهبه بن مصطفی (1420ق). الاسره المسلمه فی العالم المعاصر، دمشق، انتشارات دار الفکر.

65. شمس الدین، محمد مهدی (1996م). مسائل حرجة فی فقه المرأة- حقوق الزوجية، بیروت، مؤسسه الدولته للدراسات و النشر.
66. شمس، عبدالله (1387). آیین دادرسی مدنی، ج 2، تهران، نشر دراک.
67. شمس الدین، محمد مهدی (1996م). حقوق الزوجیه، الكتاب الثالث و الرابع، مؤسسه الدولیه- للدراسات و النشر، بیروت، چاپ اول.
68. طریحی، فخرالدین (1375). مجمع البیان، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
69. طبری، محمد بن جریر (بی تا). تفسیر الطبری، قاهره، دار المعارف.
70. طباطبایی، سید محمدحسین (1417ق). المیزان فی التفسیر القرآن، ج 4، ج 2، قم بنیاد علمی علامه طباطبایی.
71. طوسی، شیخ الطائفه، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی (1407ق). کتاب الخلاف، چاپ دوم، بیجا، مؤسسه النشر الاسلامی.
72. علامه حلی، ابی منصور حسن بن یوسف بن مطهر (1413ق). قواعد الأحكام، ج اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
73. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (1413ق). مسالک الافهام، ج اول، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
74. فضل الله، سید محمد (1421ق). تاملات اسلامیه حول المرأة، بیروت، دار الملائک.
75. کلینی، محمد بن یعقوب (1388ق). الکافی، ج سوم، دار الکتب الاسلامیه.
76. مشکینی، علی (1377). مصطلحات الفقه، قم، نشر الهادی.
77. مشکینی، میرزا علی (1416)، اصلاحات الاصول و معظم ابحاثها، ج 1، نشر الهادی، قم ایران.



78. مکارم شیرازی، ناصر ( 1366). تفسیر نمونه، ج 2، تهران، دارالکتاب الاسلامیه.
79. موسوی خمینی، سید روح الله (1378). صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله.
80. موسوی خمینی، سید روح الله (1385) صحیفه امام (دوره 22 جلدی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
81. مجلسی، محمدباقر (1374). بحار النوار، تهران، المكتبة الاسلامیه.
82. مغنیه، محمد جواد (1965م). الفقه علی المذاهب الخمسه، باب الاجاره، جلد 4، دارالعلم، بیروت.
83. نجفی، محمد حسن (1374). جواهر الکلام، چ چهارم، تهران، المكتبة الاسلامیه.
84. نجفی، محمد حسن (1412ق). جواهر الکلام، بیروت، موسسه المرتضی العالمیه.
85. نراقی، احمد (1408ق). عوائد الایام، قم، مکتبه البصیری، چاپ سنگی.
86. نوری، میرزا حسین (1408ق). مستدرک الوسائل، چ اول، بیروت، آل البيت.
87. یزدی، سید محمد کاظم (1378). حاشیه المکاسب، اسماعیلیان.

## Abstract

The "right to engage in wives" after the industrial revolution and the emergence of new industrial factories was at the top of the political and social debate, and different attitudes emerged. The Civil Code of the Islamic Republic of Iran in article 1117, following the Islamic legal system for a wife, has the right to work and for a couple under conditions the right to oppose wife employment. In the case of restrictions on the right to engage in a wife and the scope of the couple's powers in preventing a wife's work, there are ambiguities in the rules that are worthy of consideration. The role of laws in the countries is very influential and determinative, which, if given the time and place requirements and conditions of the society, can to some extent lead to a quantitative and qualitative improvement of the country. Of course, most of the human rights laws are not comprehensive and are not obstructive, and are not immune from ambiguity, conciseness, conflict, and intransigence, and the Islamic Republic's laws are not excluded from this rule either. Among the laws that regulate the rights and duties of couples, there are also some uncertainties, shortcomings, defects, and silences, including the rules relating to the right to work and the restrictions of the wife. This paper attempts to examine the legal doctrine of the permit, the conditions and restrictions of women's employment and the general attitude of Islam in this regard. The principle of the employment license of women is emphasized by the book, tradition and reason, but along with that, the husband's permission as the guardian of the family, the observance of the general conditions of women's participation in society and the observance of women's dignity, husband and wife, and family interests of the most important conditions for the employment of women. Is The general attitude of Islam is that women are turned to jobs that are appropriate to their mental and physical condition.

**Keywords:** employment, expediency, family, wife, couples civil law



**Tolou-e- mehr qom University**

**Thesis master  
Jurisprudence and private law**

**Title**

**Jurisprudence and Legal Surveys of Wife's Employment in  
Couples' Relations**

**By  
Shima Mohammad poor Ghareh tapeh**

**supervisor**

**dr. seyed ali alavi ghazvini**

**December 2018**